



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# جنگ و دفاع

در اندیشه امام خمینی (ره)

تدوین مهدی مرندی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی (ره)

نویسنده:

موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

ناشر چاپی:

موسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۲۱	جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی (ره)
۲۱	مشخصات کتاب
۲۱	یادمان شهید سید مرتضی آوینی
۲۲	مقدمه
۲۴	جنگهای حق و باطل
۲۴	جنگ در قرآن
۲۴	اشاره
۲۵	تأدیب زورمندان
۲۵	جنگهای اسلام با قدرتمندان
۲۵	تکلیف به جنگ با ظالمین
۲۵	جنگهای حق طلبانه
۲۶	رواج اسلام
۲۶	جنگ برای جذب کفار به دین
۲۶	جنگ برای معنویت
۲۶	جنگ برای انتشار دین
۲۷	زحمات پیامبر برای نشر اسلام
۲۷	جنگ برای نماز
۲۷	جنگ برای اسلام
۲۷	جنگ برای مقابله با کفار
۲۸	جنگ برای مصلحت اسلام
۲۸	اصلاح انسانها
۲۸	جنگهای ائمه راهنمای ما

- ۲۸ ..... هدف اسلام تربیت انسان
- ۲۹ ..... جنگ برای موحد ساختن مردم
- ۲۹ ..... جنگ برای تحقق نظام عادلانه
- ۲۹ ..... جنگ برای سعادت بشر
- ۳۰ ..... جنگ برای تربیت جامعه
- ۳۰ ..... شمشیر اسلام برای اصلاح جامعه
- ۳۰ ..... جنگ برای خروج از اسارت قدرتها
- ۳۱ ..... جنگ برای ساختن جامعه انسانی
- ۳۱ ..... جنگ برای ورود در حصار ایمان
- ۳۱ ..... جنگ برای کوبیدن منیتهها
- ۳۱ ..... جنگ برای زدودن فاسدها
- ۳۲ ..... جنگ برای اقامه قسط
- ۳۴ ..... جنگ برای تهذیب ملتها
- ۳۴ ..... جنگ برای شکستن امپراتوریهها
- ۳۴ ..... جنگ برای اجرای عدالت
- ۳۴ ..... جنگ برای رفع فتنه و گسترش معرفت الله
- ۳۵ ..... تأدیب قدرتمندان
- ۳۵ ..... جنگ برای تأدیب قدرتمندان
- ۳۵ ..... جنگ برای شکستن استثمار بنی‌امیه
- ۳۶ ..... جنگ برای دفاع از فقرا
- ۳۸ ..... جنگ برای شکستن اغنیا
- ۳۸ ..... جنگ برای ایجاد عدالت اجتماعی
- ۳۹ ..... جنگ با اشراف قدرتمند
- ۳۹ ..... جنگهای باطل

- ۳۹ ..... قدرت طلبی و حب نفس
- ۴۰ ..... منشأ نزاع‌ها خودخواهی است
- ۴۰ ..... منشأ جنگ‌ها ابرقدرتها هستند
- ۴۰ ..... اساس جنگ‌ها حب نفس است
- ۴۱ ..... بی‌تقوایی عامل جنگ
- ۴۱ ..... تخصص بی‌تعهد علت جنگ
- ۴۱ ..... سرکشی نفس منشأ جنگ‌ها
- ۴۱ ..... جنگ‌های جهانی اول و دوم
- ۴۱ ..... تجزیه دولت عثمانی در جنگ جهانی اول
- ۴۲ ..... تجهیزات مفسدین علت جنگ‌ها
- ۴۲ ..... جنگ عمومی جهانی عامل نابودی بشریت
- ۴۳ ..... وحشت از جنگ عمومی جهانی
- ۴۳ ..... تجزیه کشورهای اسلامی توطئه دشمنان
- ۴۳ ..... تجزیه‌ی مسلمین ثمره جنگ جهانی اول
- ۴۴ ..... تجربه شکست متجاوزین در جنگ جهانی دوم
- ۴۴ ..... نفت عامل تعیین کننده در جنگ جهانی دوم
- ۴۴ ..... جنگ قدرتها برای غلبه بر دیگری
- ۴۵ ..... خسارات ایران در جنگ‌های جهانی
- ۴۵ ..... طغیان طبقات بالا سبب بروز جنگ
- ۴۶ ..... صلح اسلامی و صلح انگلیسی
- ۴۶ ..... تفاوت جنگ‌ها
- ۴۶ ..... تشابه منطق کارتر و معاویه
- ۴۶ ..... فرق بین قیام دنیایی و الهی
- ۴۷ ..... ظل الله و ظل شیطان اهداف جنگ‌هاست

- ۴۷ ..... دشمن مردم را بمب باران می‌کند ولی ما نظامیان را
- ۴۷ ..... ارتش ما به تکلیف عمل می‌کند و ارتش دشمن به نفس
- ۴۸ ..... دشمن به دنبال ویرانی است
- ۴۸ ..... رضایت الهی و شیطانی اهداف جنگها
- ۴۹ ..... هدف رزمندگان لقاء الله است
- ۴۹ ..... شباهت در صورت اعمال و تفاوت در غایات
- ۴۹ ..... وجوب دفاع و استقامت
- ۴۹ ..... ضرورت دفاع
- ۴۹ ..... دفاع از اسلام وظیفه همگانی
- ۵۰ ..... دفاع از اسلام مستلزم رنجهاست
- ۵۰ ..... تربیت مجاهد مقابل کفار
- ۵۰ ..... وجوب دفاع همگانی در برابر هجوم دشمن
- ۵۰ ..... دفاع تا سر حد جان
- ۵۰ ..... دفاع تکلیف شرعی و ملی
- ۵۰ ..... دفاع وظیفه همگانی
- ۵۰ ..... لزوم مهیا شدن برای دفاع
- ۵۱ ..... وجوب دفاع از اسلام
- ۵۱ ..... دفاع بر همه واجب است
- ۵۱ ..... دفاع اطاعت امر خداست
- ۵۱ ..... دفاع از اسلام یک امر عمومی
- ۵۲ ..... دفاع حق انسانی
- ۵۲ ..... عقلی بودن دفاع
- ۵۲ ..... عدم نیاز به مجوز در دفاع
- ۵۳ ..... وجوب تعلیم دفاع



- ۵۳ ..... وجوب دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی
- ۵۴ ..... جهاد در رأس تمام احکام اسلام
- ۵۴ ..... ضرورت آمادگی دفاعی
- ۵۴ ..... ضرورت بیست میلیون تفنگدار در کشور
- ۵۵ ..... لزوم تجهیز به سلاح و صلاح
- ۵۵ ..... ترس دشمن از آمادگی رزمی ما
- ۵۶ ..... آمادگی همگانی
- ۵۶ ..... نظام بیست میلیونی بازدارنده‌ی توطئه‌ها
- ۵۶ ..... بسیج عمومی آماده‌ی فداکاری برای اسلام و کشور
- ۵۶ ..... تربیت رزمنده برای نگرهبانی جمهوری اسلامی
- ۵۶ ..... ضرورت فراگیری آموزشهای دفاعی
- ۵۷ ..... لزوم تفکر دفاعی برای جوانان
- ۵۷ ..... ضرورت تعلیمات نظامی
- ۵۷ ..... ضرورت دفاع از انقلاب اسلامی در دو مرکز عملی
- ۵۷ ..... استقامت در قرآن
- ۵۷ ..... رسول اکرم بالاترین موجود در استقامت
- ۵۸ ..... وجوب مقابله با طغی
- ۵۹ ..... استقامت در رأس امور
- ۵۹ ..... نگرانی پیامبر از عدم استقامت امت
- ۶۰ ..... توصیه به استقامت در دفاع
- ۶۰ ..... استقامت برای رفع فتنه از عالم
- ۶۰ ..... رسول خدا نگران استقامت امت
- ۶۰ ..... ضرورت استقامت
- ۶۰ ..... استقامت شرط پیروزی

- ۶۱ ..... استقامت برای حفظ نهضت
- ۶۱ ..... استقامت در دفاع از اسلام
- ۶۱ ..... استقامت برای حفظ دین
- ۶۱ ..... پیروزی از پیامبر در استقامت
- ۶۲ ..... صدور انقلاب با استقامت
- ۶۲ ..... استقامت برای مقابله با مشکلات
- ۶۲ ..... تحمل مشکلات برای مقابله با آمریکا
- ۶۲ ..... استقامت انجام خوب وظایف شغلی است
- ۶۳ ..... استقامت برای استقرار اسلام
- ۶۳ ..... استقامت در برابر همه قدرتها
- ۶۴ ..... ایستادگی برای امحای باطل
- ۶۴ ..... نقش مساجد در جنگ و دفاع
- ۶۴ ..... مساجد پایگاه سیاست و دفاع
- ۶۴ ..... مسجد محل اجتماع و دعوت به جنگ با کفار
- ۶۴ ..... مسجد مرکز گسیل نیرو برای سرکوبی کفار
- ۶۵ ..... مسجد مرکز طراحی عملیات جنگی
- ۶۵ ..... مسجد محل عبادت خدا و جنگ با کفار
- ۶۵ ..... مسجد مرکز تجهیز سپاهیان
- ۶۵ ..... مسجد مرکز اجتماع سیاسی و نظامی
- ۶۵ ..... نظامیان اسلام آباد کننده‌ی مساجد
- ۶۵ ..... مساجد مرکز تصمیم‌گیری دفاعی
- ۶۶ ..... مساجد سنگر دفاع از اسلام
- ۶۶ ..... مساجد محل طراحی جنگها
- ۶۶ ..... مسجد النبی مرکز بسیج نظامی و سیاسی و اجتماعی

- ۶۶ ..... مساجد مرکز طراحی مسائل سیاسی و دفاعی
- ۶۶ ..... ویژگیهای رزمندگان صدر اسلام
- ۶۷ ..... فداکاری
- ۶۷ ..... پیامبر الگوی فداکاری
- ۶۷ ..... فداکاری یاران پیامبر
- ۶۷ ..... فداکاری زنان در جنگهای صدر اسلام
- ۶۷ ..... پیامبر در جنگها نبی رحمت بود
- ۶۸ ..... خطر پذیری برای اسلام
- ۶۸ ..... رحیم و شدید بودن سربازان اسلام
- ۶۸ ..... روحیه قوی، فداکاری و شهادت طلبی
- ۶۹ ..... فداکاری برای خداوند یوم الله است
- ۶۹ ..... روح فداکاری سربازان صدر اسلام
- ۷۰ ..... جوانمردی قوای مسلح مثل صدر اسلام
- ۷۰ ..... فداکاری در قناعت
- ۷۱ ..... فدای اسلام شدن فرزندان اسلام
- ۷۱ ..... عقیده و ایمان
- ۷۱ ..... شکست قدرتها در برابر قدرت ایمان
- ۷۱ ..... جنگ با زحمت برای اطاعت خدا
- ۷۲ ..... فداکاری اسلامی با ایمان خالص
- ۷۲ ..... قدرت ایمان شاخصه ارتش اسلام
- ۷۲ ..... ایمان به خدا رمز پیروزی ارتش اسلام
- ۷۲ ..... قدرت ایمان رزمندگان عامل شکست دشمن
- ۷۳ ..... امداد الهی پشتیبان ارتش اسلام
- ۷۳ ..... ایمان قرآنی غلبه دهنده بر ابرقدرتها

- ۷۳ ..... غلبه معنویت بر مادیت
- ۷۴ ..... روحیه ایمانی مسلمانان عامل غلبه بر کفر
- ۷۴ ..... غلبه ایمان بر اسلحه
- ۷۵ ..... ارتش با ایمان خدا پرست شکست ندارد
- ۷۵ ..... اعتقاد به معاد منشأ پیروزی
- ۷۵ ..... سلاح معنوی رمز پیروزی
- ۷۶ ..... پیروزی ایمان بر تجهیزات بی‌ایمان
- ۷۶ ..... امداد غیبی در لشکر اسلام
- ۷۶ ..... جانبازی به خاطر ایمان
- ۷۶ ..... ایمان و وحدت رمز پیروزی
- ۷۷ ..... ایمان و تعهد مؤمنین عامل پیروزی
- ۷۷ ..... فتح جبهه‌ها با تکبیر اهل ایمان
- ۷۷ ..... در نبرد، نیت میزان است
- ۷۸ ..... رعب خداوند در دل دشمنان
- ۷۸ ..... ننگ درخواست از غیر خدا
- ۷۸ ..... رزمندگان پیروان حضرت ابراهیم
- ۷۸ ..... صعود به قله ایمان
- ۷۸ ..... شهادت طلبی
- ۷۸ ..... شهادت اولیا در جنگها
- ۷۹ ..... شهادت راه انبیا و اولیاست
- ۷۹ ..... داوطلبی برای شهادت
- ۷۹ ..... استقبال از شهادت
- ۷۹ ..... فوز دانستن شهادت
- ۸۰ ..... تحول ملت ایران به شهادت طلبی

۸۰	اعتقاد به کشتن و کشته شدن
۸۰	سیدالشهدا احیاگر اسلام
۸۰	تعهد اسلامی سبب پیروزی
۸۱	شهادت برای حفظ اسلام
۸۱	فتح و پیروزی با شهادت طلبی
۸۱	فداکاری در راه قرآن
۸۱	تقدیم شهدای بزرگ
۸۱	رزمندگان پیروان سیدالشهدا
۸۲	پیروزی خون بر شمشیر
۸۲	احکام فقهی جنگ و دفاع
۸۲	دفاع فردی
۸۲	دفع تجاوز به اندازه‌ی توان
۸۲	دفاع به هر وسیله ممکن
۸۲	مقابله تا حد کشته شدن مهاجم
۸۳	دفع مهاجم ولو به کشته شدن او
۸۳	دفاع از مال ولو به قتل مهاجم
۸۳	دفاع و رعایت مراتب
۸۳	نقص مالی و بدنی بر مهاجم
۸۳	اقدام اضافه‌تر از حد دفاع
۸۳	نقص عضو مدافع
۸۴	دفاع در برابر هجوم منجر به قتل
۸۴	فرار برای دوری از کشتار
۸۴	وجوب مقاتله در برابر هجوم
۸۴	شک در قصد هجوم مهاجم

- ۸۴ ..... اشتباه در قصد مهاجم
- ۸۵ ..... دفاع ولو به غرض دیگری
- ۸۵ ..... مهاجم ضامن خسارت وارده
- ۸۵ ..... ضرر رساندن به مهاجم
- ۸۵ ..... اگر هجوم کننده پشیمان گردد
- ۸۵ ..... دفاع از روبرو و پشت سر
- ۸۵ ..... دفاع در نیرنگ مهاجم
- ۸۶ ..... احراز هجوم مهاجم
- ۸۶ ..... قتل و جرح دزد دستگیر شده
- ۸۶ ..... کمک گیری برای دفع مهاجم
- ۸۶ ..... کمک خواستن از ظالم در دفاع
- ۸۶ ..... ضمانتی بر قطع عضو مهاجم
- ۸۷ ..... نقص عضو مهاجم در حال فرار
- ۸۷ ..... دفاع جمعی
- ۸۷ ..... دفاع با بذل مال و جان
- ۸۷ ..... اذن در دفاع
- ۸۷ ..... دفاع از بلاد مسلمین
- ۸۷ ..... وجوب دفاع منفی در برابر دشمن
- ۸۸ ..... وجوب قطع روابط با دشمن
- ۸۸ ..... ترس از استیلای سیاسی دشمن
- ۸۸ ..... دفاع از دول اسلامی از هجوم بیگانگان
- ۸۸ ..... حرام بودن پیمان دول اسلامی با بیگانه
- ۸۸ ..... ترک روابط با دول اسلامی حامی دشمن
- ۸۹ ..... دفاع از واجب

۸۹	دفاع از میهن
۸۹	دفاع، تکلیف شرعی
۸۹	دفاع، واجب شرعی الهی
۸۹	دفاع، واجب کفایی
۹۰	لزوم دفاع از مسلمین
۹۰	اذن در دفاع
۹۰	دفع دشمن واجب کفایی
۹۰	لزوم دفاع از اسلام در هر ماهی
۹۰	دفاع بر همه واجب است
۹۰	کمک و دفاع مسلمانان لازم است
۹۱	شرایط دفاع
۹۱	جبهه بر بالغین واجب است
۹۱	عدم الزام حضور بیماران در جبهه‌ها
۹۱	خدمت پشت جبهه برای ناتوانان
۹۱	نرفتن به جبهه تابع مقررات
۹۲	وجوب آموزش و آمادگی دفاعی
۹۲	وجوب یادگیری فنون نظامی
۹۲	تجهیز جوانان
۹۲	آمادگی ملت
۹۲	تعلیم فنون نظامی بالاترین ارزش
۹۲	وجوب مقدمات دفاع
۹۲	بسیجی شدن ملت
۹۳	وجوب کفایی حضور در جبهه
۹۳	لزوم حضور در جبهه

- ۹۳ ..... وجوب کفایی حضور در جبهه‌ها
- ۹۳ ..... ارجحیت حضور در جبهه‌ها
- ۹۳ ..... حضور در جبهه‌ها واجب کفایی
- ۹۳ ..... اطمینان از کفایت نیرو در جبهه
- ۹۳ ..... رفع نیاز جبهه اولی است
- ۹۴ ..... عدم حضور در جبهه تابع مقررات
- ۹۴ ..... عمل بر طبق مقررات جبهه
- ۹۴ ..... لزوم رفع کفایت نیرو در جبهه
- ۹۴ ..... وجوب حضور در جبهه تا حد کفایت
- ۹۵ ..... وجوب رفتن به جبهه با تشخیص مسئولان
- ۹۵ ..... اجازه همسر برای جبهه
- ۹۵ ..... تشخیص مسئولین برای حضور در جبهه
- ۹۵ ..... اولویت در نیاز جبهه‌ها
- ۹۶ ..... حضور در جبهه واجب کفایی
- ۹۶ ..... وجوب دفاع از بلاد مسلمین
- ۹۶ ..... اذن والدین
- ۹۶ ..... رضایت والدین برای حضور در جبهه‌ها
- ۹۶ ..... اعزام به جبهه و اذن والدین
- ۹۶ ..... لزوم و وجوب حضور در جبهه‌ها
- ۹۷ ..... عدم اذیت والدین
- ۹۷ ..... پرهیز از اذیت والدین
- ۹۷ ..... دفاع از اسلام اذن نمی‌خواهد
- ۹۸ ..... رعایت حال والدین
- ۹۸ ..... حضور در جبهه موکول به نظر مسئولین



- ۹۸ ..... حضور در جبهه با مراعات حال والدین
- ۹۸ ..... ضرورت رفع نیاز جبهه‌ها
- ۹۹ ..... حضور در جنگ نیاز به اذن والدین ندارد
- ۹۹ ..... حضور در جبهه‌ها واجب‌تر است
- ۹۹ ..... وجوب اذن والدین در عدم نیاز جبهه‌ها
- ۹۹ ..... نیاز به اذن والدین در عدم احتیاج جبهه‌ها
- ۹۹ ..... حضور در بازسازی موقوف به تشخیص مسئولین
- ۱۰۰ ..... کسب رضایت والدین برای حضور دختران
- ۱۰۰ ..... تحصیل رضایت والدین
- ۱۰۰ ..... اذن مسئولین برای حضور در جبهه
- ۱۰۰ ..... حضور در کردستان با نظر مسئولین
- ۱۰۱ ..... احکام دفاع و زمین
- ۱۰۱ ..... تقدم جبهه‌های ایران
- ۱۰۱ ..... وجوب تعقیب دشمن
- ۱۰۱ ..... تصرف به خاطر اسلام جایز است
- ۱۰۱ ..... حذف اذن مالک در ضرورت دفاع واجب
- ۱۰۱ ..... توقف در منازل مصادره‌ی شرعی بلامانع است
- ۱۰۲ ..... معرکه همان محدوده‌ی تیررس دشمن است
- ۱۰۲ ..... اجاره مکان سلب شده منفسخ است
- ۱۰۲ ..... دفاع و دولت
- ۱۰۲ ..... تکلیف بیشتر دولت در جنگ
- ۱۰۳ ..... حمایت ملت از دولت در جنگ
- ۱۰۳ ..... خدمات دولت به آسیب دیدگان در جنگ
- ۱۰۳ ..... رسیدگی به خسارت دیدگان در جنگ

- ۱۰۴ ..... احکام اطاعت از فرماندهان جنگ
- ۱۰۴ ..... وجوب اطاعت از فرماندهی
- ۱۰۴ ..... لزوم مراعات مقررات سپاه
- ۱۰۴ ..... تخلف از مقررات جایز نیست
- ۱۰۵ ..... مراعات مقررات سپاه لازم است
- ۱۰۵ ..... احکام سربازی در زمان جنگ
- ۱۰۵ ..... اذن والدین در سربازی لازم نیست
- ۱۰۵ ..... لزوم خدمت در سربازی
- ۱۰۵ ..... وجوب رفتن به سربازی
- ۱۰۵ ..... رفتن به سربازی لازم است
- ۱۰۶ ..... احکام اموال، وسایل، اسلحه و مهمات در جنگ
- ۱۰۶ ..... اسراف و تبذیر حرام و رعایت مقررات واجب
- ۱۰۶ ..... استفاده از اموال مناطق جنگی
- ۱۰۶ ..... رعایت مقررات
- ۱۰۶ ..... اطعام با اجازه‌ی متصدیان
- ۱۰۷ ..... استفاده از اموال تابع مقررات
- ۱۰۷ ..... سپر قرار دادن مردم در جنگ
- ۱۰۷ ..... سپر قرار دادن مردم در دفاع
- ۱۰۷ ..... در هجوم دشمن دفاع لازم است
- ۱۰۷ ..... احکام همکاری با دشمن
- ۱۰۷ ..... جاسوسان حکم مهاجم را دارند
- ۱۰۷ ..... فرار از جبهه جایز نیست
- ۱۰۷ ..... پرهیز از افشای اطلاعات جنگ
- ۱۰۸ ..... احکام پشتیبانی از جنگ

- ۱۰۸ ..... پرداخت زکات به جنگ
- ۱۰۸ ..... خیرات برای جنگ
- ۱۰۸ ..... صرف وجوهات برای جبهه
- ۱۰۸ ..... کسب اجازه در پرداخت وجوهات
- ۱۰۹ ..... اموال گمشده صرف صاحبش گردد
- ۱۰۹ ..... عواید موقوفه
- ۱۰۹ ..... خرج سهم امام
- ۱۰۹ ..... احکام مربوط به اسرا
- ۱۰۹ ..... گرفتن اموال اسرا
- ۱۰۹ ..... تملک اموال اسرا
- ۱۱۰ ..... رسیدگی به اموال اسرا
- ۱۱۰ ..... اهانت به اسرا
- ۱۱۰ ..... حکم قتل اسرا
- ۱۱۰ ..... احکام مربوط به غنایم جنگی
- ۱۱۰ ..... تصرف در غنایم
- ۱۱۱ ..... تصرف در اموال مقتولین
- ۱۱۱ ..... تملک در اموال غنیمتی
- ۱۱۱ ..... تصرف در دینار غنیمتی
- ۱۱۱ ..... تصرف در اموال مقتولین دشمن
- ۱۱۱ ..... شرایط تصرف در غنایم جنگی
- ۱۱۲ ..... مجوز تصرف در غنایم
- ۱۱۲ ..... تصرف در اموال سپاه
- ۱۱۲ ..... استفاده از غنایم جنگی
- ۱۱۲ ..... تملک اموال متصرف شده

- ۱۱۲ ..... حکم غنیمت اموال
- ۱۱۳ ..... استفاده‌ی مختصر از غنایم
- ۱۱۳ ..... مراعات احتیاط در تملک
- ۱۱۳ ..... مراسم دعا در قبور شهدا
- ۱۱۳ ..... تسلیم خمس و سهم امام به مراجع
- ۱۱۴ ..... پس‌انداز حقوق خمس دارد
- ۱۱۴ ..... قبول شهادت در نزد خداوند
- ۱۱۴ ..... احکام متفرقه مربوط به جنگ
- ۱۱۴ ..... فراق والدین
- ۱۱۴ ..... پاسدار شدن خواهران
- ۱۱۴ ..... ورود معممین به سپاه
- ۱۱۵ ..... رعایت مقررات بسیج
- ۱۱۵ ..... خطاب افراد به برادر و خواهر
- ۱۱۵ ..... نوشتن وصیتنامه
- ۱۱۵ ..... رعایت مقررات شرعی در پاسداری
- ۱۱۵ ..... استفاده شخصی با رعایت مقررات
- ۱۱۵ ..... دعوت میهمانان به غذاخوری سپاه
- ۱۱۶ ..... سوار کردن افراد با اذن مسئولین
- ۱۱۶ ..... تقسیم غذای اضافی بین فقرا
- ۱۱۶ ..... تبعیت از مقررات ارتش
- ۱۱۶ ..... واریز سهمین شهدا به حساب ۱۰۰
- ۱۱۶ ..... فروش اسلحه با مقررات دولت اسلامی
- ۱۱۷ ..... پاورقی
- ۱۲۹ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی (ره)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹  
 عنوان و نام پدیدآور: جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی (س) / تدوین مهدی مرندي؛ استخراج و تنظیم معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)  
 مشخصات نشر: تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸.  
 مشخصات ظاهری: [۲۳۹] ص  
 فروست: (تبیان: آثار موضوعی؛ دفتر بیست و چهارم)  
 شابک: ۹۶۴-۳۳۵-۳۵۳-۲۸۵۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۳۳۵-۳۵۳-۲۸۵۰۰ ریال  
 وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی  
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۲۵] - [۲۳۹]؛ همچنین به صورت زیرنویس  
 موضوع: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ -- نظریه درباره جنگ  
 موضوع: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ -- نظریه درباره دفاع  
 موضوع: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ -- پیامها و سخنرانیها  
 موضوع: جنگ -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام  
 موضوع: جنگ (فقه)  
 موضوع: دفاع مشروع (فقه)  
 شناسه افزوده: مرندي، مهدی، ۱۳۳۷ -، گردآورنده  
 شناسه افزوده: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). معاونت پژوهشی  
 شناسه افزوده: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)  
 رده بندی کنگره: DSR۱۵۷۴/۵ ج ۸۶ ج ۹ ۱۳۷۸  
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۲  
 شماره کتابشناسی ملی: م ۸۰-۱۱۰۹

### یادمان شهید سید مرتضی آوینی

گروه جنگ و جهاد در اواخر سال ۱۳۶۸ با همت بلند سید شهیدان اهل قلم سید مرتضی آوینی تشکیل گردید. و تلاش ایشان بر سه پایه استوار بود.

- ۱- جمع آوری عناصر مورد نیاز گروه؛
- ۲- تبیین مبانی مبارزاتی و دفاعی حضرت امام (ره) بدون پیش داوری یا طرح قبلی؛
- ۳- مطابقت مفهومی موضوع با لفظ جنگ و دفاع با سایر موضوعات، فرایض و اعتقادات دینی و عملی ما؛ لذا این تلاش در زمانهای فعالیت‌های دیگر ایشان همچون روایت فتح، سراب و... حتی در بستر بیماری منقطع نگردید تا در پیمودن مسیر تکلیف در بیستم فروردین ۷۲ عاشقانه به ملکوت حق پیوست و آسمانی گردید.

ویژگیهای این مجموعه:

این مجموعه کاری است از گروه جنگ و جهاد معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) و مشتمل بر چهار فصل زیر است:

فصل اول با عنوان جنگهای حق و باطل به مباحثی پیرامون جنگ در قرآن و اهداف جنگهای حق طلبانه و جنگهای باطل و تفاوت ماهوی جنگها پرداخته است.

[ صفحه ۸ ]

فصل دوم با عنوان وجوب دفاع و استقامت به مباحثی همچون ضرورت دفاع، ضرورت آمادگی دفاعی، استقامت در قرآن، ضرورت استقامت، نقش مساجد در جنگ و دفاع پرداخته شده است.

فصل سوم ویژگیهای رزمندگان صدر اسلام عنوانی است با زیر موضوعاتی همچون فداکاری، عقیده و ایمان، شهادت طلبی. فصل چهارم این مبحث تحت عنوان احکام فقهی دفاع و جهاد به موضوعات حکمهای فقهی جنگ و دفاع پرداخته و سعی گردیده است اهم موضوعات آورده شود. عناوینی چون دفاع فردی، دفاع جمعی، شرایط دفاع، وجوب آموزش و آمادگی دفاعی، وجوب کفایی حضور در جبهه، اذن والدین، احکام دفاع و زمین، دفاع و دولت، احکام اطاعت از فرماندهان جنگ، احکام سربازی در زمان جنگ، احکام اموال، وسایل، اسلحه و مهمات در جنگ، سپر قرار دادن مردم در جنگ، احکام همکاری با دشمن، پشتیبانی از جنگ، احکام اسرا، احکام مربوط به غنائم جنگی، احکام متفرقه مربوط به جنگ.

[ صفحه ۹ ]

در جنگها هم جنگ طاغوتی هست و [هم] جنگ توحیدی.

جنگهایی که پیغمبرها می کردند، اولیا می کردند، مؤمنین می کردند برای این بود که اشخاص سرکش را از آن سرکشیها برگردانند و تعدیل کنند. این جنگ، جنگ الهی است.

و آن جنگهایی که برای احراز مقام است، برای به دست آوردن قدرت است، برای تحمیل بر جامعه هاست، برای جنایتکاری این ابرقدرتهاست یا هر قدرتی، این جنگها جنگهای ابلیسی است و جنگهای طاغوت است.

عالم از این دو حال خارج نیست و هر حرکتی که از انسان صادر بشود، چه حرکتی قلبی و حرکتی روحی و چه حرکتی جوارحی از این دو حد خارج نیست، یا به طرف صراط مستقیم و الله است و یا طاغوتی است.

صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۵۳، ۵۹ / ۶ / ۸

## مقدمه

در روزگار معاصر که قدرتهای استکباری و نظامهای ضد مذهبی تلاش می کردند تا ارزشهای اخلاقی و معنوی را از جوامع انسانی دور سازند و طبق اصول مادی و برنامه‌های ضد ارزشی خود، انسانها را شکل و جهت بخشند، چهره‌ای درخشید که آئینه‌ی تمام نمای مکتب و جان او جام جهان‌نمای استقامت و معنویت بود و گفتارش و رفتارش تجلی نور حقیقت. به طوری که آرای دفاعی ایشان پایگاه مستحکمی برای مبارزان راه حق و مجاهدان مدافع اسلام و ارزشهای متعالی آن به شمار می‌آید.

امام خمینی (ره) از نادر افرادی بودند که با درک صحیح و جامع از مکتب اسلام و انبیا، به تمامی زوایای دین اشراف داشتند و سیره‌ی عملی و نظری ایشان از قوانین الهی نشأت گرفته و دیدگاه دفاعی ایشان از کوثر اسلام ناب سیراب شده است. و اگر جنگ و دفاع یکی از ارکان اسلام به شمار نمی‌رفت، مطمئناً ایشان به آن توجهی نمی‌کردند چنان که در قرآن کریم «قتال» با مشتقاتش ۱۷۰ مرتبه، «حرب» با مشتقاتش ده بار، «جهاد» با مشتقاتش ۴۱ مورد و «دفاع» با مشتقاتش ده مرتبه تکرار شده است. به طوری که خداوند متعال خود را اولین مدافع مؤمنان و بندگان خویش دانسته و می‌فرماید:

«ان الله يدافع عن الذين آمنوا ان الله لا يحب كل خوان كفور» [۱].

[ صفحه ۱۰ ]

اصولاً خدا محوری و دین‌گرایی پایه‌ی اصلی اندیشه‌ی ایشان بوده و همواره بر دفاع از حریم ارزشهای اسلام و قرآن تأکید کرده‌اند و حتی جنگها را به منظور توسعه اسلام در عالم بیان داشته‌اند، در دوران دفاع مقدس می‌فرمایند:

«جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد» [۲].

این به آن مفهوم است که مبنای تفکر مبارزاتی امام (ره) دیانت است که در همه‌ی زمینه‌ها بر فهم فقهی تکیه دارد و هدف آن پیاده کردن اسلام و تربیت انسان سالم در جوامع است.

ترسیم چنین افق وسیعی از حوزه‌ی دفاعی حضرت امام (ره) تحقیقی است جامع که از بضاعت این مقدمه خارج است ولی با اندک دقتی بعد جهانی و همیشگی امر دفاع را در اندیشه‌های والای معظم له می‌توان دید: دفاع از اسلام و مسلمین، دفاع از محرومین و مستضعفین، دفاع از حزب الله، دفاع از نهضت و کشور اسلامی، دفاع از جان، مال و آبرو و دفاع از عزت و استقلال سیاسی و... این الگوگیری دفاعی دقیقاً منطبق بر قرآن و سیره‌ی پیامبر (ص) است. ایشان با دقت سیره‌ی پیامبر (ص) و ائمه (س) را مورد بررسی قرار داده، درسهای لازم را از آن گرفته و به دیگران آموخته‌اند.

آشنایی حضرت امام (ره) با سیره‌ی نبوی پیامبر (ص) در حقیقت یافتن الگو و سرمشق زندگی برای دستیابی به حیات طیبه الهی است. سیره‌ی حضرت در نحوه‌ی ارتباط با خداوند، دوستان، دشمنان، منافقان، حکومت و رهبری، تبلیغات، سیاست خارجی، جنگ و صلح، اسیران جنگی، آموزش و سازماندهی و... تمامی آموزنده است، چنانکه در بیانی فرموده‌اند:

«اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک هدف حقی، باید از تاریخ استفاده کند. از تاریخ اسلام استفاده کند ببیند که در تاریخ اسلام چه گذشته، و اینکه گذشته سرمشق است برای ما» [۳]، «و لکم فی رسول الله اسوة حسنة» پیغمبر

[ صفحه ۱۱ ]

بزرگ اسلام، همه چیزش را فدای اسلام کرد، تا پرچم توحید را به اهتزاز درآورد.» [۴].

این پیر فرزانه همواره در طول حیات مبارزاتی و انقلابی خود سعی داشتند سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (س) را به دور از هر گونه خرافه و اندیشه‌ی واهی ارائه دهند و دنباله روی آنان قرار گیرند:

«با خدای خویش عهده نموده‌ایم که دنباله روی امام خود سید الشهداء (ع) باشیم» [۵].

جنگهای اسلام مقصدی جز تربیت انسانها و جاری کردن احکام خداوند و ممانعت از ظلم ستمگران نداشته است. و مکتب اسلام هم استفاده از جنگ را تا مرز ضرورت، محدود ساخته و آن را به عنوان آخرین وسیله برای جلوگیری از تجاوز و طغیان و تأدیب

مفسدان و ظالمان پذیرفته است. مفسدانی که بر اساس امیال شیطانی خود همیشه در صدد پایمال کردن حقوق مادی و معنوی انسانها بوده و هیچ گاه جوامع بشری از وجود چنین افرادی خالی نبوده است، و با توجه به اینکه اسلام شریعتی صریح و گویا برای مشکلات انسانها، و صاحب روشهایی قاطع و قابل اجرا است؛ در اوج عطف و مهربانی، در برابر ستمکاران و جباران شدت عمل دارد به این علت دستوراتی قاطع به پیروانش صادر نموده و خواهان مبارزه تا رفع فتنه در عالم شده است، و امام راحل با آگاهی کامل در تمامی مراحل مبارزاتشان از این فکر بهره جسته‌اند:

«هیئات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه‌ی دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم. قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابره‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از

[ صفحه ۱۲ ]

دیدگان جهان خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد» [۶].  
در اندیشه‌ی امام راحل جنگها دو گونه‌اند یا حقند یا باطل.

جنگهای باطل همواره چیزی جز نابودی بشر به دست قدرت طلبان و زورگویان نبوده و هدف غایی آنان استیلای کامل به عالم طبیعت و مکیدن منابع آن و توسعه استعمار بوده است.

اما جنگهای حق به دنبال شکوفایی حیات فطری بشر صورت گرفته و مقصد، تربیت انسانها و جوامعشان و برطرف کردن موانع بر سر راه آنها بوده است. از این رو چون این تفکر فقط در اسلام و سیره‌ی پیامبر (ص) و ائمه (س) و پیروان آنان وجود دارد، همواره آنان سعی در دفاع از عزیزترین وجودشان یعنی اسلام داشته‌اند و برای حفظ این امانت الهی جان خود را تقدیم این راه نموده‌اند. امام خمینی و شهدای انقلاب اسلامی در طی دوران نورانی دفاع مقدس همسفران اهل نور شدند و عاشقانه گردن به مسلخ عشق سپردند. باشد که خون این رادمردان همواره بجوشد و چراغ هدایت عصرها و نسلهای دیگر گردد.

«خمینی آغوش و سینه‌ی خویش را برای تیرهای بلا- و حوادث سخت و برابر همه‌ی توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است، و همچون همه‌ی عاشقان شهادت، برای درک شهادت روز شماری می‌کند» [۷].

«و امروز در دنیا غریب‌ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می‌خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم» [۸].

[ صفحه ۱۵ ]

**جنگهای حق و باطل****جنگ در قرآن**

اشاره



کسی که یک مقداری آشنا باشد به منطبق قرآن، می‌بیند که این قرآن است که وادار کرد پیغمبر اسلام را به اینکه با این سرمایه دارها دائما در جنگ باشد و با این کسانی که در حجاز و در طائف و در مکه و اینها، سرمایه‌دار بودند و صاحب قدرت و اشخاص قدری که قدرتمند بودند، قرآن بود که پیغمبر اکرم را وادار کرد به اینکه با این مردمی که با ملت مردم، با منافع توده‌های مردم مخالف هستند و استثمار می‌کنند اینها را، با اینها باید جنگ بکنید و تأدیبی حاصل بشود.

### تأدیب زورمندان

جنگهایی که پیغمبر در زمان حیاتشان فرموده‌اند (بعد از اینکه آن وقتی که اسباب جنگ فراهم شد برایشان) این جنگها همیشه با زورمندها بوده است، با آنها مثل ابوسفیان و امثال آنها که قدرتمندها بودند و اینها منافع ملتها را، ملت خودشان را می‌خواستند برای خودشان چیز بکنند و ظلم و ستمکاری و اینها، بی‌عدالتی رایج بوده است و جنگهایی که واقع شده، بین مستضعفین بوده و مردم طبقه سه (فقرا) با این زورمندها و آنهایی که می‌خواستند حق فقرا را

[ صفحه ۱۶ ]

بخورند و لسان قرآن در آیاتی که در باب جنگ، جنگ با این مشرکین که در آن وقت دارای قدرت بودند، آیاتی که وارد شده است یکی و دو تا نیست، بسیار آیات در باب جنگ است و در جدال با اینها و در تمام قرآن اگر پیدا بکنید یک آیه‌ای که مردم را بگوید با اینها ملایمت بکنید و بروید توی خانه‌تان بخواهید تا اینها هر کاری که بخواهند بکنند، بکنند، اگر این جور پیدا شد، آن وقت حق دارد کسی بگوید که این قرآن آمده است و دین آمده است و افیون است. [۹].

### جنگهای اسلام با قدرتمندان

این دینی که همه تحرکها به واسطه دین است، قرآنی که آیات غتالش آن طور روشن است، آیات تحرکش آن طور روشن است اسمش را می‌گذارند افیون یعنی می‌خواهد مردم بیچاره را بخاباند تا قدرتمندها بخورند. قرآنی که به جنگ قدرتمندها آمده است، اینها می‌گویند قدرتمندها درست کرده‌اند که بیچاره‌ها بخوابند! آن نبی اکرم و سایر کسانی که اسلامی هستند. جنگهایش با همین قدرتمندها بوده است. [۱۰].

### تکلیف به جنگ با ظالمین

قرآن پر است از این آیاتی که این آیات مردم را وادار کرده است و پیغمبر را مأمور کرده است که جنگ کنند با کسانی که متعدی هستند، با ظالمها جنگ بکنند. [۱۱].

[ صفحه ۱۷ ]

### جنگهای حق طلبانه

## رواج اسلام

### جنگ برای جذب کفار به دین

پیغمبر اکرم (ص) (اصلاً من تاریخ درست نمی‌دانم اما اینهایی که به گوشم مانده) بعد از اینکه فتح حنین را کردند، دو مطلب که آموزنده است برای اشخاصی که بخواهند چیز بفهمند، دو کار ایشان کردند از قراری که در تاریخ است، یکی اینکه یکی از سران این کفار فرار کرد و رفت به جده که توی کشتی بنشیند و فرار کند، پیغمبر اکرم جبهی مبارکشان را (به حسب این نقل) دادند به کسی که ببر به او بده، من از او گذشتم، بیاورش. این ابوسفیان که تا آخر عمرش هم اسلام نیاورد همین صورت بود، آن اولادش هم، همین طور آن ابوسفیان با این همه چیز و آن کفار قریش با آن همه کذا، غنایم را وقتی که آوردند، غنایم جنگ حنین را وقتی که آوردند، حضرت به اینها داد، صد شتر به این سصد شتر به آن، چقدر شتر به اینها داد با اینکه - خوب - حضرت که می‌دانست اینها کافرند، حضرت که می‌دانست اینها مشرکند، مقدسین ایستادند که آقا آخر

[ صفحه ۱۸ ]

ما چکاره‌ایم، حضرت فرمود که اینها شتر بردند، من همراه شما هستم، شما میل ندارید رسول الله به جای شتر همراه شما بیاید؟ شما ببینید چه بزرگی بود، چه آدم بزرگی بوده است این مرد، با قطع نظر از باب نبوت، مغز، چه مغز عالی است، از آن طرف کفار قریش را آنطور استمالت می‌کند که اینها لااقل اگر در باطن خبیث هستند ظاهرشان، ظاهر مسلم باشد، بیایند بچسبند به اسلام، از این طرف هم آنهایی که اشکال می‌کنند، به آنطور نرم و خوب قشنگ جواب می‌دهد و قانعشان می‌کند. [۱۲].

### جنگ برای معنویت

جنگهای اسلام را ببینید که با چه اشخاصی، با چه قشرهایی بوده است، برای منفعت بوده؟ وقتی هم، آن وقتی هم که در جنگ حنین بود که یا یکی دیگر از جنگها، وقتی هم که غلبه کردند، هر چه بود حضرت رسول دادند به خود همان مشرکین، اصلاً مادیت مطرح نیست در اسلام. [۱۳].

### جنگ برای انتشار دین

انبیا که جنگ می‌کردند با مخالفین توحید، مقصدشان این نبود که جنگ بکنند و طرف را از بین ببرند، مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند، دین حق را در عالم منتشر کنند. آنها

[ صفحه ۱۹ ]

مانع بودند، اینها می‌دیدند که این مانع را باید برداشت و به مقصد رسید. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - مقصدشان این نبود که مشرکین مکه را از بین ببرند و یا مشرکین جزیره العرب را از بین ببرند، مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند و حکومت، حکومت قرآن باشد، حکومت اسلام باشد. آنها چون مانع بودند از

اینکه این حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند منتهی به جنگ می‌شد و معارضه، آنها معارضه می‌کردند با حکومت اسلامی، اینها مقابله می‌کردند. جنگها، جنگهای زیادی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است. همه برای این معنا بوده است که موانع را از سر این مقصد الهی، مقصد اعلی که دارند و آن تحکیم حکومت اسلامی، حکومت الله، حکومت قرآن، همه برای این بود. به طوری که اگر چنانچه معارض با این نبودند معلوم نبود که جنگ پیش بیاید. [۱۴].

### زحمات پیامبر برای نشر اسلام

پیغمبر اسلام برای اسلام خیلی زحمت کشیده، تمام عمرش در زحمت بوده، تمام عمرش آن وقتی که در مکه بود زحمتش یک طور بود با آن رنجی و تعبیه که بود و مدتها در حبس، یعنی بیرون بود و نمی‌توانست اصلا خودش را نشان بدهد. آن وقت هم که مدینه آمدند این جنگهای زیادی که با مشرکین واقع شد و با خائنها و با گردن کلفتها و با ثروتمندها تا اینها را بخواهند خاضع کنند برای اسلام. بسته بودند چند نفر را داشتند می‌آوردند، اسیر کرده بودند،

[ صفحه ۲۰ ]

فرمود بین ما با زنجیر اینها را بهشت می‌بریم، جنگهایشان برای این بود که مردم را آدم کنند، نه این بود که مملکت بگیرند. [۱۵].

### جنگ برای نماز

سید الشهداء در همان ظهر عاشورا که جنگ بود و آن جنگ بزرگ بود و همه در معرض خطر بودند وقتی یکی از اصحاب گفت که ظهر شده است فرمود که یاد من آوردید نماز را و خدا تو را از نماز گزاران حساب کند و ایستاد در همان جا نماز خواند. نگفت که ما می‌خواهیم جنگ بکنیم، خیر، جنگ را برای نماز کردند. امیرالمؤمنین وقتی که یک مسأله‌ای یک چیزی از او پرسیدند در همان بجبوحه جنگ ایستاد و جواب داد گفت که حالا... من شمشیر برای این می‌زنم. جنگ در اسلام یک چیزی نیست که خودش یک مطلبی باشد، یک چیزی باشد که طرحی باشد. جنگ برای این است که آن زباله‌هایی که هستند، آنهایی که مانع از پیاده شدن اسلام هستند، آنهایی که مانع از ترقی مسلمین هستند، آنها را از بین راه بردارند، مقصد این است که اسلام را پیاده کنند و با اسلام انسان درست کنند. [۱۶].

### جنگ برای اسلام

پیغمبر اکرم جنگ کرده است برای اسلام، حضرت امیر جنگ کرده است. برای اسلام، صدر اسلام در یک چند سال چندین جنگ،

[ صفحه ۲۱ ]

هشتاد تا، چقدر جنگ واقع شد. [۱۷].

### جنگ برای مقابله با کفار

پیغمبر اسلام تا آن وقتی که در بستر مرگ خوابیده بود جیشش را فرستاده بود و بیرون مدینه تجهیز کرده بود برای مقابله با کفار. [۱۸].

### جنگ برای مصلحت اسلام

حضرت امیر سه جنگی را که کرده است با اصحاب پیغمبر، با نزدیکان پیغمبر، با مقدسهای حقه‌باز کرده است و این برای مصلحت اسلام بوده است. گر چه من می‌دانم که در بعضی دلها اشکال به حضرت امیر هم هست، بعضی اشخاص به حضرت امیر هم اشکال دارند، ولو جرأت نمی‌کنند بگویند که «چرا با مسلمانها جنگ کرده است!» لکن حضرت امیر تابع اسلام است، اسلام بگوید با مسلمین جنگ کن، جنگ می‌کند؛ بگوید با کفار جنگ کن، جنگ می‌کند، وقتی بنا شد یک طایفه‌ای از مسلمین، اینها توطئه کردند برای اینکه اسلامی که می‌خواهد متولد بشود، این را از بین ببرند و یک دسته‌ی دیگر هم اغفال کردند دنبال این معنا، تکلیف حضرت امیر - سلام الله علیه - است که شمشیر را بکشد و در سه جنگ با مسلمین - جنگ - کسانی که اظهار اسلام می‌کردند و فریاد اسلام می‌کشیدند و همه‌شان هم از صدام مسلمانتر بودند، شمشیر را

[ صفحه ۲۲ ]

بکشد و در سه جنگ با مسلمانها جنگ بکند برای اطاعت امر خدا و برای حفظ اساس اسلام. آن روزی که اساس اسلام و اساس دیانت اسلام بستگی دارد به جنگ کردن با کسانی که اظهار اسلام می‌کنند یا واقعا هم مسلمان هستند، وقتی بنابراین شد، شمشیر را باید بکشند مسلمین و با اینها جنگ بکنند. [۱۹].

### اصلاح انسانها

#### جنگهای ائمه راهنمای ما

حضرت امیر هم جنگ کرده با یک قدرتی که متشبث به اسلام هم بوده مثل معاویه که حجت ما الان بر این نزاعی که بین، بر این مبارزه‌ای که بین مسلمین و بین این دستگاه فاسده است، حجت ما در جواز این و لزوم این عمل، حضرت امیر سلام الله علیه است و عمل سید الشهداء - سلام الله علیه - که دو نفر آدمی که اینها قدرت داشتند، آن شامات را آنها گرفته بودند و تحت قدرتشان بود و جنگها، چیزها داشتند، فوجهای از سرباز داشتند اینها که مسلمان بودند. [۲۰].

#### هدف اسلام تربیت انسان

اسلام آن اسلامی است که در نیم قرن فتح کرد تمام این ممالک را برای اینکه آدمشان کند، نه فتح اسلام مثل فتح سلطنتهای سلطانهای دیگر، مثل فتح نادرشاه است، خیر، آن طرز حکومت

[ صفحه ۲۳ ]

اسلام، طرز حکومت آدم سازی است، شما خود رؤسای اسلام را باید ملاحظه کنید، مثل پیغمبر اکرم که رئیس اسلام است، امیرالمؤمنین که بعد از او رئیس اسلام بود. [۲۱].

### جنگ برای موحد ساختن مردم

قبل از یک نیم قرن در حدود سی سال این امپراتوریها را همین عده عرب کمی که ابتدا دور رسول اکرم بودند و اینها را ساخت پیغمبر اکرم، در یک مدت کمی دو تا امپراتوری که آن وقت تقریباً تمام دنیا زیر بیرق این امپراتوریها بوده، یکی امپراتوری ایران بود یکی هم روم بود، هر دو را آنها فتح کردند. همچو تحرکی در اینها آورد که از جزیره العرب راه افتادند آمدند ایران را گرفتند و رفتند روم را گرفتند و رفتند تا اروپا همه جا را تسخیر کردند...

و تسخیرها تسخیری نبود که مثلاً فرض کنید مثل ناپلئون باشد که بخواهد یک مملکتی را بگیرد تسخیرهای اسلامی برای این بود که مردم را بسازد، مردم را موحد کند، مردم را عادل کند، مردم را روشن کند به مسائل. اینطور بوده است، نه این است که می‌خواستند کشور گشایی کنند، نه مسائل کشور گشایی نبوده، مسائل این بوده است که می‌خواستند مردم را رو به راه کنند یعنی وحشیها را متمدن کنند یعنی کسانی که همدیگر را می‌خوردند، قرآن کریم در نیم قرن، این جمعیتی که - هم را - همیشه جنگ می‌کردند و یک دیگر را می‌خوردند به یک صورت عادلانه درآورد که با هم آن طور رفتار می‌کردند که ممالک متمدنه رفتار می‌کردند. [۲۲].

[ صفحه ۲۴ ]

### جنگ برای تحقق نظام عادلانه

کوششهایی که انبیا می‌کردند و جنگهایی که با مخالفین راه حق می‌کردند و خصوصاً جنگهایی که در صدر اسلام واقع شد، مقصد جنگ نبوده است و مقصد کشور گشایی هم نبود، مقصد این بوده است که یک نظامی عادلانه که در آن نظام عادلانه، احکام خدا جاری بشود. انبیا آن همه زحمت کشیدند نه فقط برای اینکه طرف را از صحنه خارج کنند و خودشان صحنه را دست بگیرند، بلکه مقصد اصلی این بوده است که این انسانهایی که انسانیت ندارند، این اشخاصی که در راه خلاف دارند سیر می‌کنند و آنها می‌دیدند که این راه خلاف، راه شقاوت است، راه ضلالت است، راهی است که مردم را در این دنیا به شقاوت و در آن دنیا هم به مهلکه می‌کشاند، انبیا از طرف خدای تبارک و تعالی مأمور شدند برای نجات مردم... این همه جنگهایی که در اسلام شده است و زحماتی که اولیای خدا کشیده‌اند و اینها برای اینکه اسلام را پابرجا کنند، احکام اسلام را پیاده کنند آن هم برای اینکه انسانها را هدایت کنند به یک واقعیاتی که اطلاع بر آن ندارند، راه را نمی‌دانند، آنها می‌دانند راه را اینطور باید بروند. [۲۳].

### جنگ برای سعادت بشر

در قرآن که به پیغمبر اکرم می‌فرماید که تو چرا اینقدر غصه می‌خوری برای اینهایی که مسلمان نمی‌شوند، [۲۴] پیغمبر غصه می‌خورد برای کفار، کفار که نمی‌آیند. در یک جنگی که یک دسته‌ای

[ صفحه ۲۵ ]

را اسیر کرده بودند و بسته بودند و می‌آوردند، فرمود که ببین، ما با زنجیر می‌خواهیم اینها را به بهشت ببریم، اینها را ما اسیر کردیم، آوردیم آدمشان کنیم و بفرستیمشان به بهشت. پیغمبر و همین طور سایر پیغمبرهای آسمانی اصلاً بنایشان بر این است که همه بشر را سعادت‌مند کنند، هیچ نظری ندارند که یک ناحیه‌ای باشد و یک ناحیه دیگر، در عین حالی که خوب پیغمبر اکرم عرب است و عربستانی است لکن می‌فرماید هیچ عربی بر هیچ عجمی تفوق ندارد و هیچ عجمی هم بر هیچ عربی. میزان، اطاعت خداست و تقواست. [۲۵] وقتی اینطوری باشد خوب همه ما برادر هستیم و همه ما چه هستیم و با همه بشر ما خوب هستیم و می‌خواهیم اصلاح بشوند. منتها یک دسته‌ای هستند که در مقابل یک همچو مطلبی که اسلام می‌خواهد همه را اصلاح بکند، قیام می‌کنند و آدمکشی می‌کنند اینها، در مقابل آنها اسلام هم با قوت و قدرت می‌ایستد و نابودشان می‌کند و از بین می‌بردشان. مثل یک غده سرطان که باید عمل کرد و بیرونش کرد و الا فاسد می‌کند. [۲۶].

### جنگ برای تربیت جامعه

شما وقتی ملاحظه کنید، از زمان پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله - و زمان خلافت حضرت امیر - سلام الله علیه - جنگهای زیادی شده است و جنگها همه جنگهای اسلامی، برای تربیت جامعه بودند، یک جنگ ما در اسلام نداریم که از این مطلب که برای

[ صفحه ۲۶ ]

ساختن جامعه باشد و جلوگیری کردن از کسانی که نمی‌خواهند بگذارند جامعه ترقی بکند. در اسلام نداریم یک همچو جنگی. [۲۷].

### شمشیر اسلام برای اصلاح جامعه

مجدد اسلام آن بود که در صدر اسلام بود، آن بود با یک جمعیت کم دو تا امپراتوری را از بین برد. آن مجدد اسلام بود، نه برای کشور گشایی، برای آدم سازی. این خیال است، اشتباه است که خیال می‌کنند که کشور گشایی می‌کند اسلام. اسلام کشور گشایی نمی‌کند. اسلام می‌خواهد همه کشورها آدم بشوند. اسلام دنبال این می‌رود که آنهایی که آدم نیستند آدمشان کند. در یک جنگی وقتی که اسیر کرده بودند یک عده‌ای را، به حسب تاریخ هست که اینها را بسته بودند داشتند می‌آوردند رسول اکرم گفت ببین من باید با زنجیر اینها را به بهشت ببرم. اسلام برای اصلاح جامعه است و اگر شمشیر کشیده شمشیر را برای این کشیده است که مفسدهایی که نمی‌گذارند این جامعه‌ها اصلاح بشود را از بین ببرد تا سایرین اصلاح بشوند. [۲۸].

### جنگ برای خروج از اسارت قدرتها

اسلام وقتی هم که جنگ می‌کرد، جنگ کردنش مثل جنگ کردنهای کشور گشاها نبوده است که بخواهد یک کشور را بگیرد. اسلام می‌خواسته آدم درست کند. آدمهایی که گرفتار بودند زیر

[ صفحه ۲۷ ]

چنگال مشرکین، زیر چنگال ابرقدرتها، اسلام و همه مکتبهای توحیدی آمدند که این مردم را از این قید رها کنند، آزاد کنند از این قیدهایی که به قلوب اینها انداختند و همه چیز آنها را تحت قید و اسارت قرار دادند. [۲۹].

### جنگ برای ساختن جامعه انسانی

انبیا هم دعوت کردند، زحمت کشیدند، اولیا هم دعوت کردند، زحمت کشیدند، جنگها کردند برای همین که این انسانهای فاسد را کنار بزنند و یک جامعه انسانی درست بکنند. [۳۰].

### جنگ برای ورود در حصار ایمان

تمام جنگهایی که در اسلام واقع شده برای این بوده است که این جنگلیها و وحشیها را وارد کنند در حصار ایمان. [۳۱].

### جنگ برای کوبیدن منیتها

هیچ جنگی در دنیا که بین انبیا بوده و غیرشان، نبوده است الا اینکه می‌خواستند این سرکشها را آرام کنند و این انانیتها را بکوبند. [۳۲].

[ صفحه ۲۸ ]

### جنگ برای زدودن فاسدها

انبیا بنایشان بر این بود که دست به شمشیر نبرند الا برای آنها که علاجی ندارند جز شمشیر و فاسد می‌کنند جامعه را، آنکه فاسد می‌کند جامعه را و دست از فسادش برنخواهد داشت او را باید از جامعه جدا کرد و یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می‌کند - جنگ - انبیا مثل یک طیبی بودند، آنها که می‌خواستند اصلاح کنند جامعه را. اگر یک طیبی آمد و غده سرطانی را، چاقو را درآورد و شکم را پاره کرد و غده سرطانی را درآورد، شما فریاد می‌زنید که شکم مردم را پاره کردی، جانی هستی؟! نه، احترامش می‌کنید و اجر هم به او می‌دهید و دستش را هم فرض کنید می‌بوسید و خیلی هم خوشحال می‌شوید برای اینکه این شکم را پاره کرده، اما برای درآوردن غده سرطانی که این را به هلاکت می‌رساند. انبیا این طور بودند. انبیا در عین حالی که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: که چرا این قدر خودت را به زحمت می‌اندازی، چرا اینقدر خودت را می‌خواهی بکشی که اینها ایمان نمی‌آورند، [۳۳] آن قدر عاطفه داشته است و آن قدر دلش می‌خواسته است که مردم صالح بشوند، خوب بشوند، لکن وقتی که می‌دید که فلان جمعیت اگر باشند مردم را به فساد می‌کشند شمشیر او همان چاقوی طیب است، او طیب عالم است و طیب جامعه است و جامعه را باید با حسن نیتی که دارد اصلاح بکند. شمشیر علی ابن ابیطالب ضربه‌اش می‌فرماید که از عبادت جن و انس هم بالاتر است، [۳۴] برای اینکه اصلاح است، ضربه اصلاحی است، ضربه افسادی نیست. [۳۵].

### جنگ برای اقامه قسط

تمام انبیا از صدر بشر و بشریت، از آن وقتی که آدم، علیه‌السلام، آمده است تا خاتم انبیا، صلی الله علیه و آله و سلم، تمام انبیا برای این بوده است که جامعه را اصلاح کنند و فرد را فدای جامعه می‌کردند. ما فردی بالاتر از خود انبیا نداریم. ما فردی بالاتر از ائمه - علیهم‌السلام - نداریم، این فردها خودشان را فدا می‌کردند برای جامعه. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم «لیقوم الناس بالقسط» غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلمها از بین برود، ستمگریها از بین برود و ضعفها به آنها رسیدگی بشود، قیام به قسط بشود. دنبالش هم می‌فرماید «و انزلنا الحديد» تناسب این چیست؟ تناسب این است که با حدید باید اینها انجام بگیرد، با بینات، با میزان و با حدید «فیه بأس شدید» یعنی اگر چنانچه شخصی یا گروهی بخواهند یک جامعه را تباه کنند، یک حکومتی را که حکومت عدل است، تباه کنند، با بینات با آنها باید صحبت کرد، نشیندند با موازین، موازین عقلی، نشیندند با حدید... پیغمبر اکرم کدام روزش از مسائل سیاسی خارج بوده دولت تشکیل می‌داد، با اشخاصی که بر ضد اسلام، ستمگر بر مردم بودند، با آنها مبارزه می‌کرد، جنگ می‌کرد... مسأله جنگ مسلحانه با اشخاصی که آدم نمی‌شوند و می‌خواهند ملت را تباه کنند. در رأس برنامه‌های انبیا بوده است. ما همه تعلیمات انبیا را کنار گذاشتیم... مگر امکان دارد بدون دخالت در سیاست و دخالت در امور اجتماعی و در احتیاجات ملتها کسی بدون اینکه دخالت کند، قیام بالقسط باشد؟ «لیقوم الناس بالقسط» باشد؟ مگر می‌شد ما و شما با محمد رضا بسازیم که بیا، دیگر ما کاری به شما نداریم - و ما خیلی هم - آمد گفت دیگر که ای مراجع

اسلام ای چه، ای چه، من دیگر از آن کارها دست برداشتیم، همانی که مراجع اسلام را می‌گفت که این سیاه روزها و این کذا و کذا، بدگویی می‌کرد به آنها، همان آمد گفت. چرا آمد گفت؟ برای اینکه دوباره بازی بدهد، خیال می‌کرد حالا دوباره می‌شود بازی داد. بازی یکوقت نخورید، یکوقت این شیاطین نیابند بگویند که به شما چه دخالت در اسلام، دخالت در سیاست، شما بروید سراغ مسأله گفتن‌تان، خیلی هم معزز هستید و اگر چنانچه مسأله می‌گفتید دیگر قتلی واقع نمی‌شد، برای دخالت در سیاست بود که چندین هزار معلول و مقتول دارید. این اشکال اولش به نبی اکرم وارد است، اگر ایشان هم به سرمایه‌دارهای مکه و حجاز کاری نداشت و توی مسجد می‌نشست و مسأله می‌گفت، جنگ پیش نمی‌آمد، کشتار نمی‌شد، عمومی معظمش کشته نمی‌شد. و به سیدالشهدا وارد است، اگر سیدالشهدا می‌رفت پیش یزید و بیعت می‌کرد و مسأله گو، مسأله می‌گفت، با او می‌ساخت و مسأله می‌گفت، یزید خیلی هم احترام می‌کرد و دستش هم می‌بوسید، ولی تکلیف این بود؟ ما وحشت داریم از اینکه چند هزار آدم از ما کشته شده است؟ اگر ما وحشت داریم باید ما اصلاً طریقه‌ی انبیا را کنار بگذاریم، باید آن چیزی که انبیا آوردند، آن چیزی را که خدا امر کرده به آنها که بروید این سردمدارها را دعوت کنید، دعوت همین نبود که بروند بگویند آقا مسلمان شو، اگر چنانچه نشد دیگر بروند سراغ کارشان. نخیر، دعوت می‌کردند با شمشیر توی سرشان می‌زدند تا آدم بشوند کشته می‌دادند و می‌کشتند. مگر شهادت یک امری است که انسان برای آن عقب نشینی بکند. هی گفته بشود به اینکه خوب اگر این طور مسائل نبود، اگر ما با شاه کنار می‌آمدیم دیگر این قدر کشتار واقع نمی‌شد، پیغمبر هم اگر با ابوسفیان کنار می‌آمد نمی‌شد،



[ صفحه ۳۱ ]

سیدالشهدا اگر با یزید، حضرت امیر هم اگر با مخالفینش که مخالف اسلام بودند، کنار می‌آمد دیگر کشتاری نمی‌شد، دیگر جنگ صفینی در کار نمی‌آمد، جنگ جملی در کار نمی‌آمد... کدام روز پیغمبر خالی از این مسائل سیاسی و اجتماعی بود، [خالی] از جنگ بود. پیغمبر نمی‌دانست اگر در احد این قدر کشته می‌شد و در فلان، این همه عزیزان از بین می‌روند؟ لکن تکلیف بود، خدا گفته بود این را، پیغمبر هم نمی‌توانست تخلف کند، امر خدا بود. خدا بینات فرستاده و میزان فرستاده و حدید فرستاده «لیقوم الناس بالقسط» اگر شد با بینات، با میزان، موازین هر چه هست، اگر نشد حدید است، تو سر مردم با حدید زد تا اینکه اینها را آدم کرد، تا جامعه را جامعه‌ی صحیح کرد.

تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده‌اند. تمام. و همه‌ی آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هر چه بزرگ باشد، بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا، وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد این فرد باید فدا بشود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد، که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود. «لیقوم الناس بالقسط» باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا بکند. جانها را دادند. مالها را دادند، زحمتهای کشیدند، نمی‌شود گفت پیغمبر یک شب و روز راحت خوابیده باشد، تمام زمان عمرش صرف این شد که با هر ترتیبی که می‌شود، با قرآن، با احادیث خودش، با کلمات خودش، با موعظه‌های خودش، وقتی که می‌بیند نمی‌شود این، با شمشیر، می‌زند و اشخاصی که می‌خواهند این جامعه را از بین ببرند و ملت را تباه بکنند، آن با شمشیر، وقتی نمی‌شود با بینه و میزان عمل کرد، با حدید عمل

[ صفحه ۳۲ ]

می‌کند. ما همان ادعا می‌کنیم که ما امت رسول الله هستیم و شیعه‌ی علی ابن ابیطالب، ما باید مطالعه بکنیم ببینیم آنها چه کردند. شیعه این نیست که فقط بگویند من شیعه هستم، این است که ببیند چه کردند آنها، دنبال کند همان چیزهایی را که آنها کردند. پیغمبر اکرم چقدر جنگ در زمان او واقع شد برای اینکه اصلاح کند جامعه را، برای اینکه دست ستمکارها را کوتاه کند، دست این سرمایه‌دار چپاولگر را کوتاه کند، دست آن جبارهای ظالم را کوتاه کند، تمام عمرش مشغول این بود در مکه، به آنطور نمی‌توانست، به بینات و به میزان و به موعظه‌ها عمل می‌کرد تا وقتی که در صدد بود، نه اینکه نشسته بود همین طور [در] صدد بود آدم جمع می‌کرد تا وقتی که مدینه مهیا شد و ایشان هم آمدند مدینه، دیگر همه‌اش مسائل، مسائل جنگ بود و مسائل سیاست بود و اینها. اگر امت رسول الله هستیم، این رسول الله، اگر شیعه علی ابن ابیطالب هستیم، علی ابن ابیطالب چقدر در جنگها رفت در رکاب رسول الله بود تا آخر که رسول الله تشریف بردند، بعد یک جنگ باطنی داشت که صلاح این می‌دید که باید اجتماع محفوظ بماند و باید این استقرار پیدا بکند. آن روزی هم که بعد از مسائل ایشان با او بیعت کردند، آن روز هم مطلب خودشان را گفتند. اول برنامه‌شان را گفتند و مهمترین برنامه این بود که من حتی آن چیزهایی که صدق کردید از چپاولگریها برای زنهایتان، آن هم ازتان می‌گیرم. [۳۶] از آنجا که ایشان این ندا را در داد، دیدند نمی‌شود با این زندگی کرد، این باهش زندگی نمی‌شود، این غیر مسأله‌ی قبلی است، شروع کردند به چیز کردن و سه تا جنگ مهم [۳۷] انجام داد حضرت امیر، چقدر کشته شد از مسلمانها، چقدر کشته

[ صفحه ۳۳ ]

شد از آن طرف، همه هم مسلمان بودند مسلمان. آن مسلمان بازیخورده بود، آن طرف مسلمان بازیخورده بودند، این طرف مسلمانان هدایت شده بودند لکن وقتی مسلمانی هم بازی خورد و به جنگ با مسلمانهای هدایت شده برخاست، او هم جوابش حدید است، اگر بینات و میزان نتوانست کار خودش را بکند، جوابش حدید است. [۳۸].

### جنگ برای تهذیب ملتها

همین جنگهایی که پیغمبر اکرم می کردند یا تحمیلی بوده و یا گاهی وقتها هم اتفاق می افتاد که ابتدایی بوده است، همانها هم آثار رحمت الهی بوده است برای اینکه به دنبال تهذیب یک ملتها، آنهایی که تهذیب بردارند باید تهذیب بشوند و آنهایی را که مانع از تهذیب ملتها هستند باید از سر راه برداشته بشوند. این یک رحمتی است، صورتش را انسان خیال می کند که کشتار است لکن واقعش بیرون کردن یک موانعی از سر راه انسانیت است. [۳۹].

### جنگ برای شکستن امپراتوریا

البته به ما هم نسبت می دهند که می خواهند امپراتوری تشکیل دهند. این خیال باطل است زیرا وضع اسلام و حتی جنگهای اسلام برای تشکیل امپراتوری نبوده است، بلکه برای شکستن امپراتوریهای ظالم و روی کار آوردن عدل اسلامی بوده است. [۴۰].

[ صفحه ۳۴ ]

### جنگ برای اجرای عدالت

جنگ در اسلام یک امری بوده است که از آن وقتی که اسلام حکومت پیدا کرد جنگ هم همراهش بود، قبل از آن هم دنبال این بودند که نقشه‌ها را درست کنند، لابد این طور است. همچو که مدینه آمد رسول خدا و حکومت تشکیل شد، جنگ یا جنگ تحمیلی بود یا هر چی بود در جنگ بود تا آخر عمرش. آن روز هم که به لقاء الله می خواست پیوند کند، بیوندد، آن روز هم جیش «اسامه» اش [۴۱] بیرون شهر بود که می خواست جنگ بکند. این جنگ یک چیزی است که برای عدالت، جنگ لازم است. اگر مردم عادل باشند که دیگر جنگی در کار نیست، اگر مردم انسان باشند که دیگر جنگی در آن نیست. [۴۲].

### جنگ برای رفع فتنه و گسترش معرفت الله

جنگهای پیغمبر، رحمت بوده است بر عالم و رحمت بوده است حتی بر کفاری که با آنها جنگ می کرده است. رحمت بر عالم است، برای اینکه فتنه در عالم اگر نباشد، همه عالم در آسایشند. اگر چنانچه آنهایی که مستکبر هستند، با جنگ سر جای خودشان بنشینند، این رحمت است بر آن امتی که آن مستکبر بر او غلبه کرده است، بر خود مستکبر رحمت است، برای اینکه اساس عذاب الهی بر اعمال ماست... عمده‌ی نظر کتاب الهی و انبیای عظام بر توسعه‌ی معرفت است. تمام کارهایی که آنها می کردند، برای

اینکه معرفت الله را به معنای واقعی توسعه بدهند. جنگها برای این است، صلحها

[ صفحه ۳۵ ]

برای این است و عدالت اجتماعی، غایتش برای این است. این طور نیست که دنیا تحت نظر آنها بوده است که می‌خواستند فقط دنیا اصلاح بشود. همه را می‌خواهند اصلاح بکنند. آن مذهبی که جنگ درش نیست، ناقص است اگر باشد. و من گمانم این است که حضرت عیسی - سلام الله علیه - اگر به او مهلت می‌دادند، همین ترتیبی که حضرت موسی - سلام الله علیه - عمل می‌کرد، همان طوری که حضرت نوح - سلام الله علیه - عمل می‌کرد، آن هم با کفار آن طور عمل می‌کرد. این اشخاصی که گمان می‌کنند که حضرت عیسی اصلا سر این کارها را نداشته است و فقط یک ناصح بوده، اینها به نبوت حضرت عیسی (ع) لطمه وارد می‌کنند. معلوم می‌شود - اگر این طور باشد، معلوم می‌شود که یک واعظی بوده، نه یک نبی‌ای بوده است. واعظ غیر نبی است. نبی، همه چیز دارد؛ شمشیر دارد، نبی جنگ دارد، نبی صلح دارد؛ یعنی، جنگ اساسش نیست، برای اینکه اصلاح را در دنیا توسعه بدهد، برای اینکه مردم را نجات بدهد جنگ می‌کند... خدای تبارک و تعالی چون نظرش به اول و آخر است - تا آخر نظر دارد - می‌گوید که «جنگ تا رفع فتنه». [۴۳] غایت، رفع فتنه است؛ یعنی، اگر ما پیروز هم بشویم یک کمی فتنه را کم کردیم، اگر ما به جای دیگر هم پیروز بشویم، باز یک جای کمی - را - پیروزی حاصل شده است. اگر همه‌ی دنیا را هم ما فرض کنید که جنگ بکنیم و پیروز بشویم، باز همه‌ی دنیای عصر خودمان را پیروزی درست کردیم. و قرآن این را نمی‌گوید، قرآن می‌گوید: «جنگ تا رفع فتنه»؛ باید رفع فتنه از عالم بشود. بنابراین غلط فهمی است از قرآن که کسی خیال کند که قرآن نگفته است «جنگ جنگ تا

[ صفحه ۳۶ ]

پیروزی». قرآن گفته است بالاتر از این را گفته، اسلام هم گفته است و بالاتر از این را گفته است. و رحمت است این، نه این است که نعمتی بر مردم است، یک رحمتی است بر تمام بشر، که خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت به مقاتله کرده است، نه اینکه خدای تبارک و تعالی می‌خواهد زحمتی برای مردم ایجاد کند؛ می‌خواهد رحمت درست کند، توسعه‌ی رحمت می‌خواهد عنایت کند. [۴۴].

## تأدیب قدرتمندان

### جنگ برای تأدیب قدرتمندان

اگر در قرآن مطالعه کنید می‌بینید که آن قدر آیات در جنگ هست که وادار به جنگ است، وادار به جنگ با کی؟ با قدرتمندان. قرآن آیاتی زیاد دارد، یکی دو تا نیست، آیات زیاد دارد در جنگ، در کیفیت جنگ و جنگهایی که در صدر اسلام بوده است، بین قدرتمندها و بین پیغمبر اسلام بوده است و قرآن یک کتابی است که از آن تحرک بیشتر استفاده می‌شد تا چیزهای دیگر، یک کتابی است مردم را حرکت داده است، از این خمودی که دارند حرکت داده است و با همه طاغوتها در انداخته است قرآن. [۴۵].

### جنگ برای شکستن استعمار بنی‌امیه

از صدر اسلام تا حالا چه نفوس طیبه‌ای فدایی شدند.

[ صفحه ۳۷ ]

حضرت امیر که جنگ کرد و در صفین هیجده ماه با معاویه جنگ کرد و چقدرها (بیشتر از ده هزار نفر) کشته دادند و کشتند (خیلی بیشتر) معاویه یک مردی بود که می‌گفت که من مسلمانم و من خلیفه پیغمبر باید باشم و نماز جماعت می‌خواند و امام جمعه بود و همه‌ی این کارها را او انجام می‌داد و همه‌ی این ظواهر را انجام می‌داد. معاویه ظواهر را خوب حفظ می‌کرد مثل یزید نبود که ظواهرش هم ناجور بود، ظواهر را حفظ می‌کرد و اظهار اسلام هم می‌کرد، خوب چه شد که حضرت امیر به جنگ او پا شد؟ برای اینکه یک ظالم بود که مردم را استثمار کرده بود، رفته بود زمام را گرفته بود مقابل حکومت اسلام و مردم را داشت به ظلم و تعدی وادار می‌کرد، چپاول می‌کرد مال مردم را، بیت المال را. حضرت امیر تکلیف داشت به اینکه با او جنگ بکند، چه شکست بخورد چه شکست بدهد. حضرت امیر دیگر مبالغات این را نداشت که حالا من که می‌روم، لعل شکست بخورم. وقتی دید که می‌تواند حالا مقابل او بایستد، لشکر کشید و جنگ شد و بالاخره حضرت امیر در اینجا شکست خورد. سیدالشهدا - سلام الله علیه - وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومت می‌کند، تصریح می‌کند حضرت که اگر کسی ببیند که حاکم جائری در بین مردم حکومت می‌کند، ظلم دارد به مردم می‌کند باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند هر قدر که می‌تواند. با چند نفر، با چندین نفر که در مقابل آن لشکر هیچ نبود لکن تکلیف بود آنجا که باید قیام بکند و خودش را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا این که این علم یزید را بخواباند و همین طور هم کرد و تمام شد. خودش را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و همه چیزهای خودش را داد برای اسلام. مگر - ما - خون ما رنگینتر از خون سیدالشهدا است؟ ما

[ صفحه ۳۸ ]

چرا برترسیم از اینکه خون بدهیم یا اینکه جان می‌دهیم؟ آنها هم در ماجرای دفع سلطان جائری که می‌گفت مسلمانم، مسلمانی یزید هم مثل مسلمانی شاه بود اگر بهتر نبود بدتر نبود لکن چون با ملت اینطور می‌کرد و مردمی بود متعدی و ظالم و ملت را می‌خواست زیر بار اطاعت خودش بی‌جهت ببرد، سیدالشهدا لازم دید که سلطان جائر را سراغش برود و لو اینکه جان بدهد. خوب - ما - همین است سیره انبیا، همین بوده است که اگر چنانچه یک سلطان جائر بر مردم حکومت می‌خواهد بکند بایستید در مقابلش و یا به هر جا می‌خواهد منتهی بشود باید برویم سراغش و نهی از منکرش و امر به معروفش کنیم و بکشیم او را پایین از آن تخت باطل. پس ما مبالغاتی نداریم در اینکه کشته می‌دهیم، کشته بدهیم، البته باید هم بدهیم. [۴۶].

### جنگ برای دفاع از فقرا

چقدر آیات ما راجع به جنگها و آداب جنگ و تحریک به جنگ و وادار کردن و امر کردن و الزام کردن به اینکه مسلمین باید بروند سراغ قتال و جنگ، چقدر آیات هست و جنگ با کی بوده است. این یک مسأله سطحی است، این دیگر دقت و علمیت نمی‌خواهد، جنگها با مشرکین بوده است. در حجاز اولی که شروع به جنگ شد، خوب پیغمبر اکرم در مدینه بودند و عده هم کم بود و - عرض می‌کنم - تا اندازه‌ای که توانستند، قبلا که در مکه بودند نقشه کشی بود، مسأله، مسأله درست کردن کار و سازنده کردن بود که افراد را بسازند و آنجا هم مجال این که یک کاری انجام بدهد،

[ صفحه ۳۹ ]

ندادند مشرکین. این مشرکین ثروتمند و قدرتمند هیچ مجال ندادند که پیغمبر دعوت بکند در مکه چندین سال هم مثل حبس بود در آنجا، بلکه همه‌اش در مکه که بود یک حبسی بود برای او... وقتی که ایشان دیگر از مکه یا مایوس شدند یا دیدند که مدینه برای کارشان بهتر است، با مدینه‌ای‌ها روابط پیدا کردند روابط زیرزمینی و سری پیدا کردند و مطلب را مهیا کردند و رفتند مدینه. مدینه رفتند و خیلی طول نکشید که جنگها شروع شد به دعوت قرآن یعنی متن اسلام، یعنی سند اسلام، جنگها در مدینه شروع شد و چندین جنگ، زیاد جنگها بوده است، این جنگها با کی بوده است؟... ببینیم این جنگهای متعددی که در اسلام واقع شده، زمان رسول اکرم بوده (حالا بعد از زمان رسول اکرم باز حرف دیگر است) زمان خود پیغمبر اسلام بوده است که متن اسلام است، دیگر هیچ حاشیه نیست، متن اسلام است، قرآن است و آن که قرآن را آورده است برای مردم، آنی که اینها می‌گویند دین را قدرتمندها درست کردند که آن ضعفا و فقرا را، منافعشان را استثمار کنند و استعمار کنند، ببینیم که آیا این جنگها، جنگ اینطور بوده است که پیغمبر اکرم همدست شده است با قدرتمندها و حمله کرده به فقرا؟ یا با فقرا ساخته و حمله کرد به قدرتمندها؟ هر کس همان ظواهر اول تاریخ را ببیند می‌بیند اینطوری بوده که پیغمبر یک دسته فقیر دورش جمع بوده‌اند، یک دسته بوده‌اند که هیچ جا نداشتند غیر صفة، اصحاب صفة، یعنی یک جایی که توی این حیات یک جایی شما فرض کنید که یک جایی بود به آن صفة می‌گفتند، اینها آنقدر بیجا بودند که اصحاب صفة‌ای داشتند و اصحاب پیغمبر بودند و آنجا می‌خوابیدند، اینقدر بی چیز بودند، چیزی نداشتند اینها، فقرا بودند، اینها بودند که در جنگها یک خرما را (در تاریخ است اینها) یک دانه خرما را این می‌گذاشت

[ صفحه ۴۰ ]

دهانش که یک خرده‌ای چیز پیدا کند درمی‌آورد می‌داد به آن، آن هم می‌گذاشت دهانش بعد درمی‌آورد می‌داد به آن، جنگ هم بود دارایشان این بود، وضع زندگی، آنی که اطراف پیغمبر جمع شده بودند گداها بودند، خوب فقرا و گداها جمع شدند دور پیغمبر، همین فقرا و گداها با تعلیم قرآن در زمان خود رسول اکرم حجاز را فتح کردند، آنهایی که هیچی بودند... تمام جنگهایی که پیغمبر کرده است با این مشرکین عرب، مشرکین طاغی بوده، مشرکین قدرتمند بوده، جنگجو بوده... ما باید ببینیم که آیا این قرآن که متن اسلام است و این پیغمبر که آورنده اسلام و آن وقت اسلام بی‌حواشی بوده و خود اسلام بوده، متن اسلام بوده، این اسلام در آن متن اولیه‌ای که هیچ دیگر تصرفی از هیچ جا در آن نبوده، این آیا مردم را دعوت کرده به اینکه با اغنیا بسازید؟ اغنیا اگر از شما چیزی بردند، این قدرتها اگر آمدند و مال شما را برداشتند، شما دیگر حرف نزنید؟! شما ان شاء الله بهشت می‌روید، حرف نزنید؟! یا همین قرآن مردم را، این گداها را، - عرض می‌کنم - فقیر، آن فقیرها که نه مکان داشتند و یک عده کثیری از آنها روی صفة مسجد یعنی یک جای بی‌سقف، زمین بی‌سقف آنجا زندگی می‌کردند و پهلوی هم می‌خوابیدند و هیچ چیز هم نداشتند که بخورند، یک چیزی یا به آنان می‌دادند یا از این طرف و آن طرف می‌رفتند پیدا می‌کردند می‌خوردند و آن جمعیتی که یک خرما را اینطوری دور می‌زدند، با این جمعیت راه افتاد و حجاز را، قدرتمندها را عقب زد، این افیون است؟ یا این محرک است؟... این اسلام آمده است که بسازند با کسری [۴۷] و مردم را بگویند تبعیت کنید از کسری؟! این آمده است که بسازد با سلطان

[ صفحه ۴۱ ]

روم و بگوید به مردم روم، تعلیم کند که بسازید با اینها؟! یا این آمد و دو تا امپراطوری را شکست داد و عقبشان زد برای اینکه عدل را در عالم و برای این فقرا برای اینکه این فقرا را آنها می‌خوردند جلوییشان را بگیرد؟... می‌آیم سراغ آنهایی که اسلام در زمان خودش یعنی زمانی که متن بوده است و پیغمبر بوده و قرآن، پیغمبر بوده و قرآن، بعدش هم در زمانهای بعدی که اسلام با چیزها، جنگها، جنگهای بین همین طایفه طبقه سه بوده است با امپراتوریه‌ها، منتهی اسلام همچو قدرتی داده بود به این یک عده جمعیت کم، چند هزاری که رفتند امپراتوری روم را فتح کردند و امپراتوری ایران را هم فتح کردند، امپراتوری ایران که وقتی که مثلا در جنگها تجهیز قوا می‌کردند، اسبهایشان چه و عرض می‌کنم زینهای اسب طلا، نمی‌دانم چه بساطی اینها داشتند، همین سر و پا برهنه‌ها را، همینهایی که پیاده می‌رفتند و چندتایشان یک شتر داشتند و البته یکی یک شمشیر داشتند، قدرت داشتند، شمشیر داشتند اما چند نفر با هم یک شتر داشتند و چند نفر با هم مثلا یک اسب، ده تا اسب در یک جمعیشان پیدا می‌شد، اسبی نداشتند، شتر حسابی نداشتند، اسبی نداشتند، آذوقه حسابی نداشتند اما قدرت داده بود اسلام به اینها یعنی تحت تعلیمات متن اسلام و آن کسی که متن اسلام را پیاده کرده بود، یک همچو قدرتی به مسلمین داده بود که همین آدمهایی که دیروز چیزی نبودند و یک عده فقرایی با هم آنجا می‌لولیدند، امروز شمشیر را کشیدند و دو تا امپراتوری که تمام دنیا، آن وقت از اینجا خبری نبوده، آن وقت این دو تا امپراتوری بوده است و یکی روم بوده و یکی ایران بوده است، این دو امپراتوری را، این یک مشت عرب مفلوک و گدا که شمشیر چند تا در این مثلا ده هزار، بیست هزار نفر بوده، اینها همه شمشیر نداشتند، همه زره نداشتند همه چیز

[ صفحه ۴۲ ]

نداشتند، با همین دست خالی راه افتادند لکن قدرت روحی داشتند. [۴۸].

### جنگ برای شکستن اغنیا

جنگهای پیغمبر همه‌اش با اغنیا بود و با گردن کلفتها بود و با ثروتمندها بود. [۴۹].

### جنگ برای ایجاد عدالت اجتماعی

پیغمبر اسلام مردم را بسیج کرد؟ همین سر و پا برهنه‌ها را بسیج کرد بر ضد مشرکین و قتال کرد و جنگها کرد تا مشرکین را دماغشان را به خاک مالید و عدالت اجتماعی را ایجاد کرد... اصحاب صفه که معروف است اینها یک عده‌ای بودند که توی مسجد از باب اینکه منزل نداشتند توی مسجد می‌آمدند روی صفا، یک سکویی آنجا می‌خوابیدند. در جنگهایی که می‌شد اینها نداشتند، چیزی، یک خرما را (اینطور می‌گویند) یک خرما را این دهنش می‌گذاشت درمی‌آورد می‌داد به آن، آن دهنش می‌گذاشت در می‌آورد می‌داد به آن، اینطور بود وضعشان. اینها را پیغمبر بسیج کرد بر ضد این سرمایه‌دارها، بر ضد این قدرتمندها، بر ضد این مشرکین که مردم را غارت می‌کردند. [۵۰].

[ صفحه ۴۳ ]

## جنگ با اشراف قدرتمند

درست وقتی تاریخ انبیا را ملاحظه کنید عکس این است یعنی طاغوتها به مردم غلبه کرده بودند و خداوند در هر عصری یک نفر را از همین قشر پایین، از همین چوپانها، از همین طبقه مستضعف برانگیخت و این طبقه مستضعف را بیدار کرد و بر ضد طاغوتها قیام کرد و فرعون را غرق کرد و از بین برد. و اما اسلام که تاریخش نزدیک به ماست آنها اینقدر دورند. تاریخ نزدیک به ماست، زندگی پیغمبر اکرم معلوم است برای همه چه جور بوده است. معارضهای او و جنگهای او معلوم است با کسی جنگ کرده، پیغمبر اکرم در مکه مکرمه از همین طبقه مردم، البته از اشراف به آن معنا که سادات آن وقت بودند، نه اشراف به آنها معنا که سرمایه‌دار بودند، به آن معنا که سادات بودند، از آنها بود لکن فقیر بود، از طبقه فقرا بودند اینها، تا آخر هم با همین فقر زندگی کردند و مع ذلک این کارها را انجام دادند، از همین طبقه در مکه پیدا شد و اشراف مکه و سرمایه‌دارها و قافله‌دارها و اینها با او مخالفت کردند به اندازه‌ای که نمی‌توانست دیگر آفتابی بشود، توی غار رفت، مدت‌ها در غار محبوس بود آنجا تقریباً، تا کارهای تبلیغات زیر زمینی را اینجا کرد. یک عده‌ای را با خودش همراه کرد و بعد دید اینجا زورش به اینها نمی‌رسد با مردم مدینه بست و بند کرد و تشریف بردند مدینه، در مدینه هم که رفتند وارد نشدند به یک طایفه چیزدار، به همین فقرا، به همین مردم ضعیف. مسجد پیغمبر اکرم هم مثل این مسجدهای شما نبوده است مسجد اعظم [۵۱]، یک جای کوچکی، یک سقفی با این چیزهای خرما، با این چیزهای خرما یک چیزی درست کرده بودند، یک دیوار اینقدری هم برای این که مثلاً حیوانات وارد نشوند با یک چیزی گلی

[ صفحه ۴۴ ]

یا از همینها درست کرده بودند. اما سرنوشت اسلام را در یک همچو مسجدی درست می‌کردند. مسجد بود، همچو نبود که قبه و بارگاه باشد و میان تهی، از آن تأسیسات خالی لکن از همان جا روم و ایران را شکست دادند، هر چه هم بخواهند اینها گریه کنند. این پیغمبر اکرم از همین طبقه پایین به طوری که وقتی هم مدینه تشریف بردند باز اصحابی ایشان داشتند که خانه نداشتند، هیچ خانه نداشتند، در مسجد اینها می‌خوابیدند، یک صفا‌ای بود که اصحاب صفا می‌گفتند، عده‌ای آنجا پهلوی هم همان جا می‌خوابیدند زندگی شان همان بود. زندگی نداشتند وقتی هم می‌خواستند جنگ بروند هر چند نفرشان یک شتر، هر چند نفرشان یک شمشیر، این جوری بود وضعشان. هیچی، هیچ خبری نبود در کار. از این طبقه بودند، در مقابل کی؟ جنگهای پیغمبر با کی بوده؟ آیا پیغمبر آمده این طبقه مستضعف را خواب کند که آنها بکنندش؟! یا آمد و این طبقه ضعیف را، این مستضعفین را برانگیخت؟ جنگهای پیغمبر همه‌اش با همین اشراف بود و با همین باغدارها و با همین سرمایه‌دارها و با همینها و بعد هم با سلاطین و با کسان دیگر. [۵۲].

[ صفحه ۴۵ ]

## جنگهای باطل



### منشأ نزاع‌ها خودخواهی است

اگر تمام انبیا جمع بشوند در یک محلی هیچ وقت با هم نزاع نمی‌کنند اگر اولیا و انبیا را شما فرض کنید که الان بیایند در دنیا، هیچ وقت با هم نزاع نمی‌کنند برای اینکه نزاع مال خودخواهی است، از نقطه نفس انسان پیدا می‌شود که آنها نفس را کشته‌اند، جهاد کرده‌اند و همه خدا را می‌خواهند، کسی که خدا را می‌خواهد نزاع ندارد، همه نزاعها برای این است که این برای خودش یک چیزی می‌خواهد این هم برای خودش یک چیزی می‌خواهد، این دو خودها تراحم می‌کنند، این قدرت را می‌خواهد مال خودش باشد، آن هم قدرت را می‌خواهد مال خودش باشد، تراحم می‌کنند، جنگ در می‌آید. اگر مردم تربیت بشوند به تربیت انبیا که همه کتب آسمانی برای این تربیت آمده است، همه این نزاعها از بین می‌رود، همه این گرفتاریهایی که برای بشر است از بین می‌رود. [۵۳].

[ صفحه ۴۶ ]

### منشأ جنگها ابرقدرتها هستند

در دنیا هم همه فسادها و همه جنگهایی که در عالم تحقق پیدا می‌کند به دست ابرقدرتها، همه جنگهای شیطانی و طاغوتی است. در جنگها هم جنگ طاغوتی هست و جنگ توحیدی. جنگهایی که پیغمبرها می‌کردند، اولیا می‌کردند، مومنین می‌کردند برای این بود که اشخاص سرکش را از آن سرکشها برگردانند و تعدیل کنند، این جنگ، جنگ الهی است و آن جنگهایی که برای احراز مقام است، برای به دست آوردن قدرت است، برای تحمیل بر جامعه‌هاست، برای جنایتکاری این ابرقدرتهاست یا هر قدرتی، این جنگها جنگهای ابلیسی است و جنگهای طاغوت است. [۵۴].

### اساس جنگها حب نفس است

اساس این گرفتاریهایی که بشر به آن مبتلا هست، از زمان آدم صفی الله تا امروز و از امروز تا روز حشر، آنکه بشر به آن مبتلا هست و اساس تمام فسادها و جنگها و ظلمها و تعدیها و تجاوزها بر آن محور است، اساسش حب نفس است که شعبه‌هایی از این حب نفس و مظاهری دارد که اگر ملاحظه بفرمایید، این مظاهر که پایه‌اش حب نفس است، بشر را به تباهی کشیده و می‌کشد و انبیا هم برای اصلاح این امر آمده‌اند و مع الأسف آنطوری که آنها می‌خواستند، موفق نشده‌اند و گمان ندارم که هیچ کس موفق بشود. یک شعبه از این و یک مظهری از این حب نفس، حب ریاست است، حب جاه است، حب غلبه است. از اول عالم تا حالا از این قدرتهای جابر هر چه به مردم رسیده است، از این حب اشتها، ریاست، حب قدرت و از اینها بوده است که اساسش همان حب نفس است. الان هم که ما در یک وضعی باقی هستیم در دنیا

[ صفحه ۴۷ ]

که همه می‌دانید دنیا الان چه خبر است و بر بلاد مسلمانها چه می‌گذرد و بر کشورهای مظلوم چه ظلمها واقع می‌شود، اساس همه



اینها همان حب مسند و ریاست است. حب قدرت است که امریکا را وادار می‌کند که این جنایتهایی که در طول تاریخ بیسابقه است، انجام بدهد و حب سلطه و ریاست است که شوروی را برمی‌انگیزد که اینطور با مردم دنیا و مظلومین دنیا رفتار کند و حب نفس است که کشورهای اسلامی سران کشورهای اسلامی در مقابل جنایاتی که از این قدرتها واقع می‌شود و از وابستگان آنها واقع می‌شود بی‌تفاوتند. اگر چنانچه این حب نفس در این سران کشورهای اسلامی نبود و این حب جاه و قدرت نبود، با این فجایع که واقع شده است، با این ظلمهایی که واقع شده است بر ایران و بدتر از او بر لبنان نمی‌نشستند تماشا کنند.

اگر این حب جاه نبود که ارث شیطان است و از اول شیطان برای همین خصیصه‌ای که داشت، مطرود شد و چون خودش را از آدم بالاتر می‌دانست و خودش را نار می‌دانست و آدم را طین و آن نورانیت آدم را ادراک نکرده بود، موجب این شد که مطرود شد و قسم خورد که همه را مطرود کند، یعنی همه بشر را و الان دارد او موفق می‌شود در مقابل همه انبیا. این حمله‌ای که صدام به ایران کرد، خوب، همه می‌دانید که برای این بود که سردار قادسیه بشود و آن مسائل و این حمله‌ای که اسرائیل بر لبنان در مقابل چشم همه مسلمانان منطقه و دولتهای منطقه کرد، همه می‌دانید که برای قدرت طلبی و جاه طلبی و امریکا هم همین و همه قدرتها هم همین. [۵۵].

[ صفحه ۴۸ ]

### بی‌تقوایی عامل جنگ

اگر تقوا در کار بود و اگر چنانچه هر کسی روی مرز خودش عمل می‌کرد، این همه جنگ و جدال پیش نمی‌آمد. [۵۶].

### تخصص بی‌تعهد علت جنگ

ما می‌دانیم که اگر با دقت ریشه‌یابی کنیم آنچه بر ملت ما گذشته و اکنون می‌گذرد حتی جنگ تحمیلی سرچشمه از دانشگاه غر بزده و متخصصان غیر متعهد و وابسته گرفته است. [۵۷].

### سرکشی نفس منشأ جنگها

آمال نفسانی که پایین‌تر از آمال عقلانی است، عالم را به آتش کشیده، تمام این جنگها و تمام این نزاعهایی که در عالم واقع می‌شود چه در یک عائله واقع بشود یا در همه عالم که آن هم یک عائله است - تمام اینها از همین سرکشی نفس است. [۵۸].

[ صفحه ۴۹ ]

### جنگهای جهانی اول و دوم

#### تجزیه دولت عثمانی در جنگ جهانی اول

شاید بسیاری، بعضی از شما یادشان بیاید جنگ بین المللی را، جنگ اول [۵۹] بین المللی را که با مسلمین و با دولت بزرگ عثمانی چه کردند. دولت عثمانی یکی از دولی بود که اگر با شوروی طرف می‌شد، گاهی او را زمین می‌زد، سایر دول حریف میدان او نبودند. دولت عثمانی یک دولت اسلامی بود که سطره‌اش گرفته بود تقریباً از شرق تا غرب را، آنها دیدند که با این دولت اسلامی به این قوی ای نمی‌شود چاره‌ای کرد، نمی‌شود ذخایر را برد. بعد از اینکه در این جنگ با آن بساط غلبه پیدا کردند، تجزیه کردند دولت عثمانی را به دولتهای بسیار کوچک، کوچک. برای هر یک از آنها هم یا امیری قرار دادند یا سلطانی قرار دادند یا رئیس جمهوری قرار دادند، آنها در قبضه‌ی مستعمره‌چها و ملت بیچاره در قبضه آنها، با این وضع یک دولت عثمانی با آن مرز را زمین زدند و دولتهای اسلامی از خواب بیدار نشدند یا خودشان را به خواب زدند. این دولت عثمانی در

[ صفحه ۵۰ ]

تحت ظل خلافت اسلامی، در تحت ظل اتکا به قرآن مجید آن مرز را داشت، بعد از آنکه تجزیه شد، در زمان ما، در زمان آتاتورک [۶۰] خبیث، اسلام را در آنجا الغا کردند و الان دولت ترکیه دولت مسلم نیست، دولت حسابش از اسلام جداست، مراسم دینی ندارد دولت، احکام دینی دولت ندارد لکن ملت شریف ترکیه مسلم هستند و اینها هستند که در سالهایی که به مکه می‌روند طایفه اینها به نسبت بیشتر از دیگران است. دولت یک همچو دولتی است، آن مرز را به اتکا به اسلام به دست آورد و آنها دیدند که اتکا به اسلام نقطه‌ی بسیار بزرگی است که با این اتکا نمی‌شود دولتهای اسلامی را از بین برد، در ترکیه اسلام را از حساب دولت جدا کردند و حالا می‌بینید که در قبرس که از ترکها کشته می‌شود یک مسلم نیست که متأسف باشد. این تأسف دارد که یک دولتی جوری بکند، طوری رفتار بکند که بعد از آن که در مقابله نصاری زمین بخورد یا از آن کشته داده بشود، دولت اسلامی دیگر بی تفاوت باشند نسبت به او. اگر یک نفر هم اظهار تأسف بکند (یک آخوند پوسیده‌ای مثل من) دول اسلامی که اظهار تأسف نمی‌کنند برای اینکه مجد اسلامی را از دست دادند. [۶۱].

[ صفحه ۵۱ ]

### تجهیزات مفسدین علت جنگها

این جنگهایی که اخیراً یعنی در این صد سال در دنیا اتفاق افتاده است، جنگ اول جهانی، جنگ دوم جهانی، این جنگهایی که در ویتنام در این آخر اتفاق افتاده، این کشتارهایی که از مردم شد برای این بود که اسلحه‌ها در دست غیر صالحها بود، ناشایسته‌ها اسلحه‌ها را به دست داشتند. [۶۲].

### جنگ عمومی جهانی عامل نابودی بشریت

جنگ عمومی مطابق است با قطع نسل بشر. اینطور نیست که جنگ عمومی بکند و آن یکی غلبه کند بر او، او را از بین ببرد و خودش زندگی کند. برای اینکه قضیه جنگهای ذره‌ای است، اتمی است و تمام بشر از بین می‌رود و هیچ عقلی اقتضای این را هم نمی‌کند که یک جنگ عمومی را این جنگ عمومی غیر آن جنگ عمومی اول و دوم بوده. جنگ عمومی اول و دوم جنگ

عمومی بود که این ابزاری را که الان پیدا شده، نبود این ابزار. جنگ اول که خیلی کم بود، جنگ دوم هم بود اما این طور نبود الان وضع جوری شده است که اگر یک جنگ عمومی بخواهد در دنیا پیدا بشود، عقلای دنیا می‌دانند، همین ابرقدرتها می‌دانند که این جنگ مثل آن جنگها نیست. این جنگ، بشر را به نابودی کشیدن است یعنی هم شوروی نابود خواهد شد، هم امریکا نابود خواهد شد هم سایر ممالک نابود خواهد شد. یک همچو جنگ عمومی نخواهد پیدا شد. [۶۳].

[ صفحه ۵۲ ]

### وحشت از جنگ عمومی جهانی

اگر می‌گویند که شوروی مثلا مستقیما دخالت می‌کند در ایران و لشکر سرخ می‌ریزد ایران را می‌گیرد، این دروغ است برای اینکه همچو کاری نمی‌تواند بکند از باب اینکه آن طرفش هم یک قلدری مثل خودش ایستاده است اگر او این کار را بخواهد بکند جنگ می‌شود و الان همه ابرقدرتها می‌دانند که اگر یک جنگ عمومی بشود تمام بشر از بین می‌رود برای اینکه با این سلاحهایی که الان هست دیگر این طور نیست که جنگ، جنگ منطقه‌ای باشد، در یک قطری جنگ بکنند در یک قطر دیگری نباشد، همه منطقه‌های دنیا، همه بلاد دنیا از بین خواهد رفت و هیچ عاقلی اقدام به همچو جنگی نخواهد کرد. ما اگر فرض هم بکنیم که یک لشکر اجنبی وارد بشود به مملکتان، این هم باز همه تجربه کردند در تاریخ که اجنبی اگر بیاید ممکن است وارد بشود و زورش غلبه کند بر یک ملتی لکن نمی‌تواند بماند همیشه، وقتی که آمد و وارد شد، هر فردی از آن را این ملت از بین می‌برد، تمامش می‌کند. [۶۴].

### تجزیه کشورهای اسلامی توطئه دشمنان

این تبلیغات باعث شد که برادران را از هم جدا کردند و ملتهای مختلف ساختند و چیزهایی که در صدر اسلام مطرح نبود، مطرح می‌کنند تا جدا شوند و ضعیف شوند. بدتر از این، مشکل حکومتهاست. در زمان عثمانی که مسلمین حکومت نسبتا قوی داشتند و قدرتی بود که گاهی که ژاپن و با شوروی مبارزه می‌کرد و غلبه می‌کرد، مع الأسف به واسطه همین که اجانب از این وحدت

[ صفحه ۵۳ ]

می‌ترسیدند. وقتی در جنگ اول جهانی غلبه کردند، حکومت عثمانی را تکه تکه کردند و هر کس را بر جایی گماردند و کوشیدند این حکومتها با هم دشمن شوند زیرا می‌دانستند که مسلمین با این خزائن و این جمعیت اگر متحد شوند برای امریکا و برای غرب حطی نیست و شاید مسلمین آنها را تهدید می‌کردند، از این جهت حکومتها را با هم بد کردند و اینها مأمورین آنها بودند. [۶۵].

### تجزیه‌ی مسلمین نمره جنگ جهانی اول

در این جنگ عمومی که غلبه پیدا کردند آنها علیه عثمانی که یک دولت بسیار بزرگی بود و از مصر تا حجاز تا خیلی جاهای

دیگر بود این را تکه تکه کردند و هر جایش را به یک کسی دادند، به یکی از نوکرهای خودشان (یعنی خارجی‌ها) اداره‌شان بکنند. این حکومتها را مقابل هم قرار دادند، سلطان کذا و رئیس جمهور کذا، و رئیس جمهور کذا، همه را مقابل هم قرار دادند همه را دشمن هم کردند، این دشمن آن و آن دشمن این. حالا کنار نشسته‌اند و بردند همه چیز ما را، اینها با هم دشمنی کردند خودشان با هم دشمنی کردند. در هر مملکتی هم احزاب درست کردند، حزبهای مختلف، حزبهایی که همه مخالف هم هستند، این آن را بکوبد و آن این را بکوبد، جبهه‌های مختلف، حزبهای مختلف. من حیث لا یشعر هم و مسلمین مع الاسف به واسطه عدم توجه به عمق مسائل تحت تأثیر واقع شده و می‌شوند. دولت عراق علی حده و دولت ایران علی حده، هر دو مسلم اما با هم دعوا و جنگ دارند. دولت پاکستان علی حده، دولت کذا علی حده و همه‌شان مسلم اما

[ صفحه ۵۴ ]

با هم جنگ دارند. دعوا دارند. [۶۶].

### تجربه شکست متجاوزین در جنگ جهانی دوم

چه بسا یک لشکری، یک جمعیتی پیروز بشوند به یک جمعیت یا ملت دیگر و خوب از عهده برآیند لکن نتوانند حفظ کنند پیروزی خودشان را. بسیاری از این کشور گشاهای بوده‌اند که زده‌اند رفته‌اند و جلو رفته‌اند و فتح کرده‌اند لکن نتوانستند حفظ کنند. وقتی که به یک حدی رسیدند، یک جهاتی پیش آمد که نتوانستند حفظ کنند. شکست خوردند، این باید عبرت بشود برای کسانی که در یک میدان پیروز شدند و باز تتمه دارد، نرسیده‌اند به مقصد. در همین جنگهای عمومی که شده است، یکوقت، یک سرداری با فشار و زور و با لشکر خیلی جرار جاهایی را گرفت و پیش رفت مثل هیتلر، [۶۷] پیش رفت فرانسه را گرفت و - عرض می‌کنم - حمله کرد به شوروی و یک مقداری هم از شوروی گرفت لکن جهاتی پیش آمد که در همان جا شکست خورد و شکستن هم تا آخر تا ملزم شد (به طوری که گفته‌اند) خودش را بکشد. [۶۸].

### نفت عامل تعیین کننده در جنگ جهانی دوم

در این جنگ عمومی دوم که هیتلر پیش برد و فرانسه را گرفت و

[ صفحه ۵۵ ]

خیلی جاهای دیگر و حمله کرد به شوروی و اینها، چرچیل [۶۹] آن سیاستمدار انگلیسی آمد در مجلس انگلستان و شروع کرد راجع به ضعف خودشان و راجع به گرفتاریها و راجع به شکست خوردنها «ما کجا را از دست دادیم و کجا را از دست دادیم کار ما چطور است، مملکت ما چه خواهد شد، زندگی ما چه خواهد شد» خیلی طولانی شکایت و اینکه ما از بین رفتیم، آخرش یک کلمه گفت، گفت لکن پیروزی مال کسی است که روی موجهای نفت سوار است و حدسش هم درست بود و پیروزی هم مال اینها شد که نفتهای ما را بردند. [۷۰].

### جنگ قدرتها برای غلبه بر دیگری

جنگ جهانی، جنگ بود بین دو تا قدرت بزرگ، یک قدرت این طرف بود، یک عده‌ای از دولتها این طرف بودند، یک قدرت آن طرف بود و یک عده‌ای از قدرتمندها آنجا با توپ و تفنگ و چیزهایی که آن وقت بود به جان هم ریختند. هم در جنگ اول، من هر دو آنها را یادم هست و شماها نبودید، آن وقتها هم در جنگ این طور بود که دو تا قدرت بودند که مقابل هم ایستاده بودند، زدند تو سر هم تا یکی غلبه کرد، هم در جنگ دوم که باز دو تا قدرت با هم، یعنی دو گروه از قدرت با هم اختلاف کردند، زدند، همه چیز کردند و از بین بردند. [۷۱].

[ صفحه ۵۶ ]

### خسارات ایران در جنگهای جهانی

مع الأسف ملت‌های ضعیف، کشورهای ضعیف در حال جنگ و در حال صلح، اینها پایمال می‌شوند. گفته می‌شود که خروس، هم در عزا و هم در عروسی ذبح می‌شود، ملت‌های ضعیف هم این طورند من هر دو جنگ بین المللی را یادم هست و گمان ندارم هیچ کدام از شما جنگ بین المللی اول را یادش باشد. ما در جنگ بین المللی هم مشاهده می‌کردیم، من کوچک بودم لکن مدرسه می‌رفتم و سربازهای شوروی را در همان مرکزی که ما داشتیم در خمین، من آنجا آنها را می‌دیدم و مورد تاخت و تاز ما واقع شدیم در جنگ بین المللی اول، جنگ بین المللی دوم را بسیاری از شماها یادتان هست که ما مورد تاخت و تاز این سه قوه واقع شدیم، امریکا، انگلستان، شوروی. سربازهای آنها در همه کشور ما تقریباً پخش بودند. شوروی تقریباً از بیرون تهران تا خراسان، انگلستان در قم و آن جاها و کسان دیگر هم جاهای دیگر. ما مورد تاخت و تاز بودیم به عنوان پل پیروزی. ما باید مورد تاخت و تاز بشویم تا آقایان پیروز بشوند بعد هم که پیروز شدند و حال صلح پیش آمد باز ما ذبح شدیم. کشورهای ضعیف این طورند، در حال صلح مورد تاخت و تازند و ذبح و در حال جنگ هم همین طور. ما حال صلحمان بدتر از حال جنگمان بود در حالی که دنیا در صلح به خیال خودشان آرامش و صلح بود، این قوای بزرگ جنگ نداشتند، فرصت داشتند که همه چیز ما را از دست بدهند، ببرند، بگیرند از ما، ما در طول مدتی که انگلستان و امریکا در این جا دخالت مستقیم داشتند، هیچ چیز خودمان نداشتیم. [۷۲].

[ صفحه ۵۷ ]

### طغیان طبقات بالا سبب بروز جنگ

بعثت برای همین است که همگان را تزکیه کند و این تزکیه برای دولتمردان، برای سلاطین، برای رؤسای جمهوری، برای دولتها و برای سردمداران بیشتر لازم است تا برای مردم عادی. اگر افراد عادی تزکیه نشوند و طغیان پیدا نکنند، یک طغیان بسیار محدود است. یک نفر در بازار یا یک نفر در روستا اگر طغیان بکند یک نقطه محدودی را به فساد ممکن است بکشد، لکن اگر طغیان در کسی شد که مردم او را پذیرفته‌اند، در عالمی شد که مردم آن عالم را پذیرفته‌اند، در سلطانی شد که مردم آن سلطان را پذیرفته‌اند، در رؤسایی شد که مردم آنها را پذیرفته‌اند، این گاهی یک کشور را به فساد می‌کشد و گاهی کشورها را به فساد می‌کشد. این طغیانها که موجب این شد که کشورهایی به تباهی کشیده بشود برای این است که تزکیه نشده است کسی که زمام

امور به دستش است. شما مقایسه کنید صدام را با یک نفر آدم عادی، یک نفر آدم عادی هر چه طغیان بکند و هر چه فرعونیت داشته باشد جز اینکه یک افراد معدودی را به تباهی بکشد یا خانواده خودش را به تباهی بکشد کار دیگری از او نمی‌آید اما صدام را ببینید که طغیان کرده است و طاغی است و این طغیان موجب به فساد کشیدن این مملکت، دو مملکت بلکه یک منطقه ممکن است بشود و اگر این طغیان در رئیسه‌های جمهور بزرگ دنیا باشد، اگر رئیس جمهور امریکا طغیان بکند، طغیان او یک کشورهای بسیار را به فساد می‌کشد. جنگهای بزرگی که در دنیا واقع شد مثل جنگ اول و جنگ دوم برای همین بود که طغیان در آن طبقه بالا بود و آن بالا که مهذب نبودند، طغیان کردند و کشورهای بزرگ را به فساد کشاندند. [۷۳].

[ صفحه ۵۸ ]

### صلح اسلامی و صلح انگلیسی

در جنگ عمومی دوم، بعد از آن که یک دست بر دسته دیگر با هم چیره شدند و شوروی و انگلستان هم با هم بودند در آن وقت، چرچیل اعتقادش این بود که حالایی که ما طرف را شکست دادیم. حمله کنیم به اینهایی که همراه ما بودند، به شوروی حمله کنیم مجلس جلویش را گرفت برای اینکه آنها هم، نه اینکه نمی‌خواستند، آنها می‌دیدند که ممکن است شکست در آن باشد. اینها وضع صلحشان این طوری است. صلح صدامی این سنخ صلح است، نه صلح شماس است که اسلامی است و واقعا صلح را می‌خواهید. [۷۴].

### تفاوت جنگها

#### تشابه منطق کارتر و معاویه

در جنگ صفین وقتی که عمار یاسر برای خاطر جنگ با معاویه در رکاب امیرالمؤمنین کشته شد، بین لشکر معاویه حرف واقع شد که پیغمبر به عمار فرمودند که تو را فرقه یاغی و باغی شهید می‌کنند و حالا لشکر معاویه شهید کرده است عمار یاسر را. پس باید فرقه باغی و طاغی همین معاویه و لشکر او باشند. معاویه گفت که نه این را امیرالمؤمنین کشته برای اینکه او فرستاده او را به جنگ و وقتی که او فرستاد به جنگ پس امیرالمؤمنین او را کشته است. پس فرقه باغیه عبارت از آن دسته هست. منطق کارتر همین منطق معاویه است که گفته است به این که اینها مردم را به کشتن می‌دهند یعنی علمای اسلام مردم را به کشتن می‌دهند. حالا باید ما حساب این را با ایشان بکنیم ببینیم که آیا این منطق ایشان همان

[ صفحه ۵۹ ]

منطق معاویه است یا یک قدری هم بدتر، یا یک منطق صحیحی است. [۷۵].

### فرق بین قیام دنیایی و الهی

دشمنهای ما می‌خواهند برای دنیا بزنند، شما برای خدا می‌خواهید جنگ بکنید یا نهضت‌تان برای خدا بوده است، آنها برای دنیا بوده. این دو تا فرق، فرق بین این دو تا خیلی زیاد است که یک دسته‌ای برای خدا قیام کنند، یک دسته‌ای برای دنیا. آنکه برای

دنیاست تا ببیند شاید دنیایش متزلزل می‌شود فرار می‌کند. آنکه برای خداست تا آخر هم فرار نمی‌کند. [۷۶].

### ظل الله و ظل شیطان اهداف جنگهاست

جنگ علی ابن ابیطالب با جنگ معاویه ماهیتا فرق دارد، ذاتا فرق دارد، یکی شمشیر می‌کشد و ظل الله است، ظل خداست، یکی شمشیر می‌کشد و ظل شیطان است، ماهیتا این دو تا با هم فرق دارند. [۷۷].

### دشمن مردم را بمب باران می‌کند ولی ما نظامیان را

عمده‌ی حرف این است که فرق است مابین قوای مسلح ایران با قوای مسلح عراق، فرق است ما بین فرماندهان قوای مسلح ایران با فرماندهان قوای مسلح عراق، و آن این است که اینها به اسلام فکر

[ صفحه ۶۰ ]

می‌کنند و روی قواعد اسلام می‌خواهند عمل بکنند و لهذا به شهرهایی که دفاع ندارند، به مردم بازار و به مردم و فقرای جاهای دیگر کاری ندارند و فقط اگر چنانچه الزام پیدا کردند که یک مثلا تویی بیندازند، یک بمبی بیندازند، به همان مراکزی که مراکز قدرت شیطانی است اینها هجوم می‌کنند، لکن فرماندهان عراق از خدا بی‌خبرند، اعتقادی به این مسائل ندارند و لهذا توی شهرها می‌اندازند بمبهایشان را، در خرمشهر، در اهواز، در این جاها شهرها را - چیز قرار می‌دادند - هدف قرار می‌دهند و ما دستمان بسته است از این جهت که نمی‌خواهیم مردم عادی و مردم بی‌گناه تلف بشوند و آنها دستشان باز است از باب اینکه اعتقاد به آن چیزهایی که در اسلام مطرح است، آن چیزهایی که انسان «بما انه» انسان می‌فهمد، آن چیزهایی که شرف انسان اقتضا می‌کند، آنها این مسائل پیش‌شان مطرح نیست، آنها همان پیش‌بردن و رفتن و زدن و این طور چیزها، لکن این طور نیست که مملکت ایران نتواند اینها را از بین ببرد، لکن می‌خواهد قدم قدم پیش برود که مبادا بی‌گناهیهای خدا را ناخواسته زیر پا برونند. پس ما باید روی قواعد اسلامی عمل بکنیم. قدم به قدم پیش رفتیم تکه تکه جلو رفتیم و آنها خیال کردند قدرتی در کار نیست، حالا فهمیدند آنها که نه، قدرت هست، لکن قدرتمندان این جا روی یک قواعد عمل می‌کنند و قدرتمندان اشرار روی یک قواعد دیگر عمل می‌کنند و لهذا آنها مراکز جمعیت را هر جا پر جمعیت است آنها به توپ می‌بندند یا نارنجک می‌اندازند، اینها می‌خواهند همان هدفهایی که مربوط به قوای مسلحه آنهاست چیز بکنند. [۷۸].

[ صفحه ۶۱ ]

### ارتش ما به تکلیف عمل می‌کند و ارتش دشمن به نفس

فرق ارتش ما و ارتش آنها این است که ارتش ما دستش بسته است، ارتش ما اسلام برایش تکلیف معین کرده، ارتش آنها دستشان باز است، توپ، موشک زمین به زمین به اصطلاح خودشان می‌اندازند، نه متری، ده متری، یک شهر هم همه‌اش را خراب کنند، آن وقت تبریک می‌شنوند. ارتش ما نمی‌کند این کار را، نمی‌تواند این کار را بکند و نخواهد کرد، ارتش ما فقط موارد جنگی آنها و اشخاصی که مخالف اسلام و قیام بر ضد اسلام کردند، می‌کوبد و خواهد کوبید. [۷۹].

## دشمن به دنبال ویرانی است

صدام گفته است که اگر چنانچه به مقاصد من عمل نکنید من بیشتر از این کشور شما را خراب می‌کنم. تو هر چه توانستی کرده‌ای و هر چه توانی می‌کنی و بیشتر از آن هم نتوانستی که بکنی، نه اینکه نخواستی بکنی. تو اگر بتوانی تمام مسلمین ایران را خواهی کشت. لکن این خیال باطلی بود که کردی و گمان کردی که ملت ایران بی‌تفاوت است اگر تو هجوم بیاوری به کشورش و ارتش ایران ضعیف و ناتوان است. و به تو فهماند ملت و ارتش که مسأله آن طور که تو حساب کرده بودی و آن طور که قدرتهای بزرگ حساب کرده بودند، آن طور نبود و همان وقت که تو هجوم کردی و ناگهان هجوم کردی، جلوی تو را گرفتند و پس از آن یک قدم هم پیش نیامدی و حالا- هم هر روز عقبتر خواهی رفت و اگر نبود خوف اینکه ملت شریف عراق صدمه ببیند، اگر ما هم و ارتش ما هم و ملت ما هم مثل صدام فکر می‌کرد که باید پیش برد ولو به کشتن ملتها، ولو به

[ صفحه ۶۲ ]

کشتن بچه‌ها و زنها و پیرمردها، اگر یک همچو برنامه‌ای بود، امروز می‌دیدید که عراق دیگر کسانی را که بتوانند انجام کاری بدهند ندارد، لکن کشور ما متعهد به اسلام است و ارتش ما متعهد به اسلام است و ارتشی است که از بالای سر شهرهای بزرگ عراق می‌گذرد و در آخرین نقطه عراق در مرز اردن می‌کوبد مراکز نظامی عراق را و یک بمب در شهرهای عراق نمی‌اندازد. این کشور، اسلامی است و این لشکر اسلامی و این قوای مسلحه اسلامی است و آن کسی که می‌کوبد مسلمین را و آواره می‌کند مسلمین عرب را و به تباهی می‌کشد کشور اسلامی را به جرم اسلامیت، آن کس در سلک مسلمین نیست. هر چه هم فریاد بزند که من مسلمم، فریاد بزند که من شهادت می‌دهم، لکن این اسلام نفاق است که بسیاری این شهادتها را می‌دهند و در صدر اسلام هم می‌دادند، لکن منافقینی بودند که بالاتر از سایر کفار بودند. [۸۰].

## رضایت الهی و شیطنی اهداف جنگها

فرق است ما بین ایده شماها و دشمنهای شما. آنها برای قدرتمندی، برای نمایش قدرت، برای شیطان، با اسلام به جنگ برخاستند و شما برای خدا و برای رضای او و برای قوت دادن به اسلام و پیاده کردن احکام اسلام به دفاع برخاستید. شما مدافع از انسانهای مظلوم در طول تاریخ هستید. مدافعات شما از اسلام و پیروزی شما انحصار به پیروزی در میدان ندارد. شما در تمام ابعاد پیروز هستید و شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید و شما در طول تاریخ پیروز هستید و پیروزی شما پشتوانه پیروزی

[ صفحه ۶۳ ]

مستضعفین جهان است در طول تاریخ. شما بی که با آغوش باز و با روی گشاده به طرف الله و به طرف لقاء الله و به طرف شهادت می‌روید پیروز هستید، چه در میدان جنگ پیروز بشوید و می‌شوید و چه خدای نخواسته شکست بخورید و نخواهید خورد. شما آن چیزی را که همراه دارید دشمنان شما ضد او را همراه دارند شما رضای خدا را همراه دارید و آنها سخط خدا را. شما ایمان را همراه دارید و آنها طرفداری از کفر را. شما آرامش قلبی دارید و در این جنگ با آرامش، با خاطر آسوده، با این ایده که اگر شهید بشوم پیروزم و اگر پیروز بشوم هم پیروزم، شما این را دارید و آنها از مرگ فرار می‌کنند. بین این دو طایفه بسیار فرق است، آنکه



مرگ را در آغوش می‌گیرد برای اینکه شهادت است، برای اینکه از اسلام است، برای اینکه دفاع از حق است و آنکه از مرگ فرار می‌کند برای اینکه برای طعمه جنگ می‌کند. [۸۱].

### هدف رزمندگان لقاء الله است

آنها که داوطلب برای جنگها هستند، داوطلبی‌شان برای شیطان است. آنها هم داوطلب می‌شوند. شما هم داوطلب هستید، لکن فرق هست ما بین داوطلبی و ایثار شما با داوطلبی و ایثار منحرفین. آنها برای رسیدن به دنیا و رسیدن به آمال و شهوات نفسانی وارد می‌شوند در میدانها و شما برای شهادت و برای رسیدن به لقاء الله وارد می‌شوید. [۸۲].

[ صفحه ۶۴ ]

### شباهت در صورت اعمال و تفاوت در غایات

صورت اعمال همیشه شبیه به هم است، ظاهر عمل از یک فاجر فاسد ظاهر بشود یا کافر ظاهر بشود از یک مؤمن موحد یا از یک ولی خدا، ظاهر یکی است. شمشیری که ابن ملجم می‌کشد و بهترین خلق الله را شهید می‌کند با شمشیری که بهترین خلق الله می‌کشد و عدو الله را اعدام می‌کند در صورت یکی است، شمشیر است و قدرت عمل است و کشتن آن طرف یا شهید کردن آن ظرف، اما آنچه که ممتاز می‌کند این دو عمل را از هم و همه اعمال صادره از بشر به واسطه او ممتاز می‌شود، آن عبارت از غایات اعمال است. انگیزه‌های اعمال است. این شمشیر برای چه کشیده شد و برای چه زده شد؟ این ندا برای چی بلند شد و برای چی ختم شد؟ اگر شمشیر برای خدا بلند بشود و برای خدا به پایین بیاید، این انگیزه، انگیزه الهی است. ارزشمند است؛ اگر برای شیطان باشد، این ابلیسی است و ارزشمند نیست. [۸۳].

[ صفحه ۶۷ ]

### وجوب دفاع و استقامت

### ضرورت دفاع

### دفاع از اسلام وظیفه همگانی

اکنون وظیفه‌ی عموم مسلمانان و خصوص علمای اعلام و روشنفکران و دانشگاهیهای علوم قدیمه و جدیده است که برای دفاع از اسلام عزیز و حفظ احکام حیات بخش آنکه ضامن استقلال و آزادی است و از میهن بزرگ خود که مهد بزرگان و آزادیخواهان بوده و اکنون در شرف سقوط است از فرصت استفاده کند و گفتنیها را بگویند و بنویسند و به گوش مقامات بین المللی و سایر جوامع بشری برسانند و بر ارتش و سران آن است که خود را از ننگ اسارت در دست اجانب نجات دهند و مملکت خود را از هلاکت و سقوط برهانند. [۸۴].

### دفاع از اسلام مستلزم رنجهاست

ملت باید بدانند که آزادیخواهان جهان به آسانی به آزادی دست نیافته‌اند. پیغمبر بزرگ اسلام (ص) با آن زحمات و رنجهای طاقتفرسا در راه هدف از جهاد با ستمکاران تا آخر عمر دست نکشید، امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - عمر خود را در پیکار با ستمگران که خود را مسلمان معرفی می‌کردند به سر برد. دفاع از حق و اسلام از بزرگترین عبادات است. [۸۵].

### تربیت مجاهد مقابل کفار

اسلام رزمنده می‌خواهد، جنگجو می‌خواهد در مقابل کفار، در مقابل آنهایی که هجوم می‌کنند به مملکت ما، اسلام مجاهد می‌خواهد درست کند، نمی‌خواهد یک نفر آدم عیاش درست کند. [۸۶].

### وجوب دفاع همگانی در برابر هجوم دشمن

اگر خدای نخواستہ زمانی یک هجومی به مملکت اسلامی بشود باید همه مردم زن و مرد حرکت کنند. مسأله دفاع این طور نیست که تکلیف منحصر به مرد باشد یا اختصاص به یک دسته‌ای داشته باشد، همه باید بروند و از مملکت خود دفاع بکنند. [۸۷].

### دفاع تا سر حد جان

امریکای جنایتکار و شوروی بدانند که ما با تمام قدرت در مقابل تجاوز هر دولتی به کشور ما ایستاده و از میهن عزیز و اسلام بزرگ تا سر حد جان دفاع می‌کنیم. [۸۸].

### دفاع تکلیف شرعی و ملی

دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر تکلیف شرعی، الهی و ملی است و بر تمام قشرها و گروهها واجب است. [۸۹].

### دفاع وظیفه همگانی

وظیفه ماست که در مقابل ابرقدرتها بایستیم و قدرت ایستادن هم داریم. [۹۰].

### لزوم مهیا شدن برای دفاع

قضیه جهاد یک قضیه است، قضیه دفاع قضیه دیگر. قضیه جهاد یک شرایطی دارد، برای اشخاص خاصی هست، برای گروه معینی هست با شرایطی، لکن قضیه دفاع، عمومی است. مرد، زن، بزرگ، کوچک، پیر، جوان همان طوری که عقل انسان هم حکم

می‌کند که اگر کسی هجوم آورد برای منزل یک کسی، اهالی آن منزل،

[ صفحه ۷۰ ]

هر یک که هست دفاع می‌کنند از خودشان. اگر چنانچه هجوم آورد کسی به شهر یک کسی، اهالی شهر برای حفظ جهات خودشان دفاع می‌کنند دیگر اینجا هیچ شرطی نیست، همه دفاع باید بکنند. و اگر به کشور ما، کشور اسلامی ما هجوم بکنند و بخواهند تعدی بکنند، تجاوز بکنند، بر همه افراد مملکت، بر همه افراد کشور، چه زن، چه مرد کوچک، بزرگ، اینجا دیگر شرطی نیست، بر همه واجب است که دفاع کنند و لهذا حال دفاع فرق دارد با حال جهاد، حال جهاد شرایط دارد، حال دفاع شرطی ندارد، باید دفاع بکنند حتی یک پیرمردی هم که خیلی کار از او نمی‌آید باید شرکت کند در دفاع، آن قدر که می‌تواند دفاع کند. [۹۱].

### وجوب دفاع از اسلام

امروز جنگ بین اسلام و کفر است و بر همه مسلمین واجب است که دفاع کنند از اسلام. [۹۲].

### دفاع بر همه واجب است

تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را، کشته بشویم تکلیف را عمل کردیم، بکشیم هم تکلیف را عمل کردیم. این همان منطقی است که ما در اول هم که با این رژیم فاسد پهلوی مخالفت می‌کردیم منطق ما همین بود منطق این نبود که ما حتما باید پیش ببریم، منطق این بود که برای اسلام مشکلات پیدا

[ صفحه ۷۱ ]

شده است، احکام اسلام دارد از بین می‌رود، مظاهر اسلام دارد از بین می‌رود و ما مکلفیم که به واسطه‌ی قدرتی که هر چه قدرت داریم مکلفیم که با آنها مقابله کنیم، کشته هم بشویم اهمیتی ندارد، بکشیم هم که انشاء الله موفق خواهیم شد به جنت و به بهشت انشاء الله. شما هیچ وقت از هیچ چیز هراس نداشته باشید. شما برای حفظ اسلام دارید جنگ می‌کنید و او [۹۳] برای نابودی اسلام. الان اسلام به تمامه در مقابل کفر واقع شده است و شما باید از اسلام پایداری کنید و حمایت کنید و دفاع کنید، دفاع یک امر واجبی است بر همه کس، بر هر کس که هر مقدار قدرت دارد باید دفاع بکند از اسلام. [۹۴].

### دفاع اطاعت امر خداست

دفاع بر هر مسلمی، بر هر انسانی دفاع واجب است و ما به حسب امر خدا دفاع کردیم از خودمان و دفاع از اسلام، نه دفاع از کشور خودمان فقط. [۹۵].

### دفاع از اسلام یک امر عمومی

همه توجه داشته باشند که ما وظیفه داریم که این اسلامی که الان به ما رسیده حفظش کنیم، تا آن فرد آخری هم که خدای نخواستہ کشته می‌شود موظف است برای حفظ اسلام، برای دفاع از

[ صفحه ۷۲ ]

ملت، دفاع از کیان اسلامی، دفاع از کشور اسلامی تا آن آخر زن و مرد، بچه و بزرگ مکلفند که دفاع کنند. مسأله دفاع یک امر عمومی است برای همه، هر کس قدرت دارد دفاع کند. به هر مقدار که قدرت دارد دفاع کند از کشور اسلام، باید دفاع کند. اسلام و احکام اسلام آن قدر اهمیت دارد که پیغمبرها برای احکام خدا و برای خدا خودشان را فدا کردند و در اسلام از صدر اسلام به بعد بزرگان اسلام خودشان را فدا کردند برای اسلام. وقتی یک همچون مطلبی است و یک همچون امانتی از جانب خدای تبارک و تعالی به ما سپرده شده است ما موظف هستیم همه‌مان برای حفظش. و نباید بترسیم از اینکه چند نفر کشته شدند. چند نفر را با بمب کشتند، چند نفر را انفجار حاصل شد. هیچ ابدا این حرفها نیست، اسلام نه وابسته به من هست و نه وابسته به تو، اسلام از خداست و همه ما مکلف برای حفظ او هستیم و با قدرت و قوت حفظ می‌کنیم او را... وقتی کشور اسلام مورد تهدید دشمنهای اسلام هست دفاع از کشور اسلام و نوامیس مسلمین بر همه ما، بر تمام ما واجب است، با همه کوشش واجب است... ما برای حفظ اسلام دفاع باید بکنیم. برای حفظ مملکت اسلامی دفاع باید بکنیم... ما که اسلام را خواستیم و می‌خواهیم، اسلام اجازه نمی‌دهد که ما تعدی کنیم به یک کشوری، لکن فرموده که اگر به شما تعدی کردند، بزنید تو دهنشان. [۹۶].

[ صفحه ۷۳ ]

### دفاع حق انسانی

بسیاری از امور است که انسان از آن خوشش نمی‌آید، لکن وقتی که تحقق پیدا کرد می‌بیند خیرش در آن بوده است «عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم» [۹۷] ما و ملت اسلامی ما جنگجو و هجوم‌گر نبوده‌ایم و نیستیم و از این جنگ تحمیلی هم خوشمان نمی‌آمد و کراهت داشتیم که دو طایفه از مستضعفان به تحریک مستکبران و تحریک امریکا و اغفال حزب بعث به روی یکدیگر حربه بگشایند و آتش، لکن همه می‌دانیم و همه هم در جهان می‌دانند که این جرم متوجه به حزب بعث و صدام و صدامیان است. در عین حالی که ما از جنگ گریزان هستیم، لکن دفاع که حق هر انسانی است و واجب است بر هر انسانی دفاع از خود و دفاع از کشور خود و دفاع از دین خود، ما به عنوان دفاع در مقابل این قدرتها ایستادیم. [۹۸].

### عقلی بودن دفاع

دفاع که یک مسأله عقلی است، یک مسأله‌ای است که حتی حیوانات هم اصلا وقتی بخواهند حمله کنند دفاع می‌کنند. دفاع یک مسأله طبیعی است. [۹۹].

[ صفحه ۷۴ ]

### عدم نیاز به مجوز در دفاع

دفاع را احدی از مسلمین نیست که، احدی از علمای اسلام نیست. که - از دفاع - بگوید دفاع در اسلام نیست. دفاع هیچ احتیاج به یک ولی‌ای ندارد، هیچ احتیاج به یک امامی ندارد. تمام مسلمین اجر یک وقت بنا شد برشان هجمه بشود، خودشان باید دفاع کنند، مستقلند در این امر. و کشور ایران مستقلا، ولو این که ولی فقیه هم نگوید، ولو این که علما هم نگویند - با این که می‌گویند آنها هم - مردم مکلف شرعی هستند به این که دفاع کنند و حکم عقلشان این است که از کشور خودشان، از ناموس خودشان، از مال خودشان دفاع کنند. [۱۰۰].

### وجوب تعلیم دفاع

من امیدوارم که شما بپذیرید و شما هم به آن وظایفی که باید عمل کنید، که هم در میدان تحصیل که یکی از امور مهمه است مجاهده کنید و هم در میدان دفاع از اسلام، این از مهماتی است که بر هر مردی، بر هر زنی، بر هر کوچک و بزرگی جزء واجبات است. دفاع از اسلام، دفاع از کشور اسلامی، احدی از علمای اسلام، احدی از اشخاص که در اسلام زندگی کرده‌اند و مسلم هستند، در این جهت خلاف ندارند که این واجب است. آن چیزی که محل حرف است - قضیه - محل صحبت است، قضیه جهاد اولی است، آن بر زن واجب نیست، اما دفاع از حریم خودش، از کشور خودش، از زندگی خودش، از مال خودش و از اسلام، دفاع بر همه واجب است. اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل بشود، از آن جمله قضیه‌ی اینکه ترتیب نظامی بودن، یاد گرفتن انواع نظامی بودن را برای آنهایی که ممکن است، این طور نیست که - ما -

[ صفحه ۷۵ ]

واجب باشد بر ما که دفاع کنیم و ندانیم چه جور دفاع کنیم، باید بدانیم چه جور دفاع می‌کنیم. [۱۰۱].

### وجوب دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی

از امور مهمه‌ای که بر همه ما واجب است دفاع از اسلام، دفاع از جمهوری اسلامی است و آن بستگی دارد به وحدت، هر کس در هر لباسی باشد و در هر مکانی باشد و زبانش - به - جریان پیدا کند برای اینکه ولو به واسطه‌هایی بخواهد ایجاد اختلاف بکند بین شما، این از جنود ابلیس است و مطرود است پیش خدا و مسئول است پیش خدا ولو این که یک آدمی باشد که نماز شبش ترک نمی‌شود. این مسأله، مسأله مهمی است، مسأله وحدت بین شما و وحدت همه قشرهای مختلف ایرانی یک امر مهمی است برای حفظ کیان اسلام که واجب است بر همه‌ی ما، چنانچه بر همه ما واجب است که به هر طور می‌توانیم دفاع کنیم از اسلام. امروز قضیه، قضیه دفاع است، دفاع از یک قدرتهایی که می‌خواهند حمله کنند، می‌خواهند به هر طوری شده است باز شما را و ما را برگردانند به اسارت اولی و این دفعه اگر اینها خدای نخواستہ یک قدرتی پیدا کنند، مثال سابق نیست، آنها اساس اسلام را از بین می‌برند برای اینکه دیدند اسلام است که می‌تواند کار بکند و در مقابل بایستد. و این یک فریضه‌ای است بر همه ما، از اهم فرایض است حفظ اسلام؛ یعنی حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر است؛ اساس اسلام اول است، دنبال او اساس احکام اسلام است. بر همه‌ی ما، بر همه‌ی شما به مقداری که قدرت داشته باشیم. به مقداری که توانایی داشته باشیم واجب است

[ صفحه ۷۶ ]

که جدیت کنیم در این که این دفاع مقدس را ما به طور شایسته عمل بکنیم. [۱۰۲].

### جهاد در رأس تمام احکام اسلام

«قل ان كان اباؤكم و ابناؤكم و اخوانكم و ازواجكم و عشيرتكم و اموال اقترتموها و تجارة تخشون كسادها و مساكن ترضونها احب اليكم من الله و رسوله و جهاد في سبيله فتربصوا حتى ياتي الله بامرہ و الله لا يهدى القوم الفاسقين»؛ [۱۰۳] خطاب به مصلحت اندیشان و سازشکاران و متأسفان برای شهادت جوانان و از دست رفتن مالها و جانها و خسارتهای دیگر وارد شده و جالب آنکه بعد از حب خدای تعالی و رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل الله را ذکر فرموده و تنبه داده که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و تذکره داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید، از ذلت و اسارت و بر باد رفتن ارزشهای اسلامی و انسانی نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت ازدواج و عشیره. و بدیهی است که همه‌ی اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است. [۱۰۴].

### ضرورت آمادگی دفاعی

#### ضرورت بیست میلیون تفنگدار در کشور

قوای خودتان را مجهز بکنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید و به

[ صفحه ۷۷ ]

دوستانتان تعلیم دهید، به همه اشخاصی که همین طوری راه می‌روند تعلیمات نظامی بدهید، مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد. یکی از ابواب فقه باب رمی است، باب تیر اندازی است، آن وقت تیراندازی بوده، حالا هم تیر اندازی هست به یک طور دیگری.

در اسلام با اینکه رهان، [۱۰۵] یعنی یک چیزی را بگذارند برای چیزی که نظیر قمار بازی می‌شود حرام است، برای تیراندازی حرام نیست، برای اسب دوانی حرام نیست. سبق و رمایه [۱۰۶] یکی از مسائل فقه است برای اینکه برای همه افراد مستحب است که سواری را یاد بگیرند. حالا اتومبیل سواری و رانندگی را یاد بگیرند و برای همه است که تیراندازی را یاد بگیرند، فنون جنگی را یاد بگیرند. باید ملت ما جوانهایشان مجهز باشند به همین جهاز و علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند مجهز به جهازهای مادی و سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند. این طور نباشد که یک تفنگی که دستشان آمد ندانند که با آن چه کنند. باید یاد بگیرند و یاد بدهند. جوانها را یادشان بدهید، همه جا باید این طور بشود که یک مملکتی بعد از چند سالی که بیست میلیون جوان دارد، بیست میلیون تفنگدار داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته باشد و یک چنین مملکتی آسیب پذیر نیست و الان هم الحمد الله آسیب پذیر نیست. الان هم ما پشتیبانمان خداست و ما برای او نهضت کردیم، برای پیاده کردن دین او نهضت کردیم، و خدا با ماست و من امیدوارم که شکست برای شما نباشد. [۱۰۷].

[ صفحه ۷۸ ]

## لزوم تجهیز به سلاح و صلاح

دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر تکلیف شرعی، الهی و ملی است و بر تمام قشرها و گروهها واجب است. در این موقع حساس که ملت با دشمنان سرسخت و ابرقدرتها خصوصا امریکا که با مداخله جنایتکارانه خودش در طول سلطنت غاصبانه محمد رضا پهلوی، ملت ما را از رشد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بازداشت و ذخایر این ملت فقیر را به یغما برد، مواجه است، اگر غفلت شود و با قدرت و پشتکار در مقابل دشمنان بشریت خود را مهیا نکند و با بسیج عمومی که به خواست خداوند متعالی هیچ قدرتی نمی‌تواند با آن مقابله کند مهبیای دفاع از کشور اسلام نشود، خود را و کشور خود را با دست خود به تباهی کشانده است. من از آنچه تا کنون به همت مردان و زنان با شرف و رزمنده شده است، امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی با تأیید خداوند متعالی موفق شوند و دوره تعلیمات و تمرینهای عملی نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته و به طوری که سزاوار یک ملت اسلامی به پاخاسته است، به پایان رسانند.

بکوشید تا هر چه بیشتر نیرومند شوید در علم و عمل و با اتکال به خدای قادر، مجهز شوید به سلاح و صلاح، که خدای بزرگ با شماست، که دست قدرتی که قدرتهای شیطانی را درهم شکست پشتیبان جامعه الهی است. [۱۰۸].

[ صفحه ۷۹ ]

## ترس دشمن از آمادگی رزمی ما

ما امروز که مواجه هستیم با قدرتهای بزرگ و شیطنتهای بزرگ، ما باید مهیا بشویم برای دفاع البته این احتمال بسیار کم است که ما یکوقت محتاج به دفاع نظامی بشویم، کم است احتمال، برای اینکه قدرتهای بزرگ هم می‌دانند که نباید حالا هجوم کنند لکن هر چه احتمال کم است لکن از باب اینکه دفاع از یک مملکتی است، دفاع از اسلام است، این محتمل، بزرگ است از این جهت ما باید مهیا بشویم. مهیا شدن یکی این است که با قوه، چه قوه افرادی و چه قوای دیگر باید مهیا بشوند چنانچه قرآن کریم دستور داده است و مهیا شدنمان هم به طوری باشد که با این مهیا شدن بترسند آنهایی که بنای، خیال هجمه دارند، دشمنانتان بترسند از قوه شما. اگر بنا شد که در یک کشور سی و چند میلیونی، بیست میلیون قیام کردند برای اینکه مهیا کنند خودشان را از برای دفاع، ولو آن تمه هم در وقتی که مقتضی شد و محتاج به دفاع شد آنها هم باید بکنند لکن حالا که می‌خواهیم ما مهیا بشویم، باید این بیست میلیون یعنی همه جوانها، همه اشخاصی که از شان کاری برمی‌آید باید خودشان را مهیا کنند، آن روزی را ملاحظه کنند که یک وقت دشمن رو آورد به طرفشان، هم باید تجهیزات مهیا بشود به قدری که بترساند دشمنها را و هم باید قوای افراد، قوای نظامی، قوای چریکی، قوای پارتیزانی باید مهیا بشود و هم قوه ایمان باید زیاد بشود... من امیدوارم که شما هم آن چیزهایی که در نظام هست و یا در چریکی هست و یا در پارتیزانی هست و در این چیزها که هست، به شایستگی، به خوبی یاد بگیرید و هم تجهیزات به مقداری که امکان دارد برای یک مملکت، آن تجهیزات را هم دولت فراهم خواهد کرد برای یک موقع که لازم است. هم تجهیزات داشته باشید که بحمد الله ایران دارد، تجهیزات مدرن دارد ایران، و از همه اینها بالاتر قدرت ایمان است

[ صفحه ۸۰ ]

که خودتان را تربیت کنید، تزکیه کنید، توجه به این نباشد که من با قدرت خودم می‌خواهم کی را بزنم زمین و فرض کنید غلبه

کنم. توجه این باشد که با قوه الهی پیش بروید یعنی دستتان را، چشمتان را، نفستان را، همه چیزهایی که در اختیار شماست اینها را تبدیل کنید از قوای شیطانی به قوای الهی. انسان اگر غفلت کند، قوایش قوای شیطانی است، چشمش هم شیطانی است، دستش هم شیطانی است، لکن اگر تربیت کند خودش را همه الهی می‌شود، همه قوای شما قوه الهی می‌شود و قوه الهی غلبه خواهد کرد. [۱۰۹].

### آمادگی همگانی

ملت شریف و رزمنده ما باید برای خدای تبارک و تعالی با تمام توان خود و با اتکال به قدرت خدای متعال مهیا شود و آماده نبرد با دشمنان خود گردد. نیروهای انتظامی، ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران به حال آماده باش باشند و سپاه بیست میلیونی که خود را مجهز نموده‌اند امروز برای فداکاری اسلام مهیا باشند که در موقع لزوم از کشور اسلامی خود دفاع کنند. [۱۱۰].

### نظام بیست میلیونی بازدارنده توطئه‌ها

انشاء الله یک نظامی بیست میلیونی شما داشته باشید تا بتوانید از این توطئه‌ها که الآن برای مملکت ما در کار است جلوگیری بکنید. [۱۱۱].

[ صفحه ۸۱ ]

### بسیج عمومی آماده‌ی فداکاری برای اسلام و کشور

ارتش بیست میلیونی و بسیج عمومی که با سازماندهی خود ملت مجهز می‌شوند، آماده‌ی فداکاری در راه اسلام و کشور است. [۱۱۲].

### تربیت رزمنده برای نگهبانی جمهوری اسلامی

رحمت و برکات خداوند بزرگ بر بسیج مستضعفان که بحق پشتوانه انقلاب اسلامی است و به کوشش ارزنده خود ادامه داده و بحمد الله تعالی با همت جوانان برومند و داوطلبان گروه میلیونی، رزمنده تربیت و امید آن است که با شرکت فعال قشرهای معظم ملت و شور و شعفی که در جوانان عزیز از برکت اسلام مشاهده می‌شود ارتش بیست میلیونی که نگهبان جمهوری اسلام و کشور عزیز از شر جهانخواران متجاوز است تحقق یابد. [۱۱۳].

### ضرورت فراگیری آموزشهای دفاعی

با تشکر و تقدیر از اقدامات خدا پسندانه بسیج مستضعفین در راه هدف مقدس اسلام و استقلال کشور، و آزادی ملت‌های دربند و با تشکر از کوششهای آنان در کوتاه کردن دست چپاولگران، امید است با تحصیل اخلاص در همه امور، چه تعلیم و تعلم و تقویت فرهنگ اسلامی و آموزش کافی فنون مختلف نظامی و چه در راه بسیج توده‌های مظلوم و مستضعف جهان بر ضد استکبار جهانخوار، تا قطع طمع آنان نه تنها از کشورهای اسلامی، که از همه ممالک تحت



[ صفحه ۸۲ ]

ستم جهان و چه در راه تقویت هر چه بیشتر بسیج برای حراست از اسلام بزرگ و ایران عزیز و با صبر و شکیبایی در این مقاصد بزرگ، این خدمت گرانقدر را رنگ الهی داده و از عبادت بزرگ قرار دهند [۱۱۴].

### لزوم تفکر دفاعی برای جوانان

باید هر جوانی یک نیرو باشد برای دفاع از اسلام. [۱۱۵].

### ضرورت تعلیمات نظامی

اسلام در بعد نظامی، به همه‌ی کسانی که صلاحیت دفاع از کشور را دارند برای مواقع اضطراری تعلیم نظامی می‌دهد و در این مواقع بسیج عمومی اختیاری و احیاناً اجباری می‌کند و در حال عادی برای دفاع از مرزها و تنظیم شهرها و ایمنی جاده‌ها و حفظ نظم و انتظام، نیروی مؤمن ورزیده تربیت می‌کند. [۱۱۶].

### ضرورت دفاع از انقلاب اسلامی در دو مرکز عملی

امروز یکی از ضروری‌ترین تشکلهای، بسیج دانشجو و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند، فرزندان بسیجی‌ام

[ صفحه ۸۳ ]

در این مراکز، پاسدار اصول تغییر ناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند، امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می‌پذیرد. و مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده‌ی این دو پاسگاه علمی است. حوزه‌ی علمیه و دانشگاه باید چهار چوبهای اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می‌بوسم و می‌دانم که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند، به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. بار دیگر تأکید می‌کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت. [۱۱۷].

### استقامت در قرآن

#### رسول اکرم بالاترین موجود در استقامت

در قرآن کریم یک آیه در دو سوره وارد شده است که در یک سوره یک ذیل کوچکی دارد، در یک سوره بدون آن ذیل است. در یک سوره وارد شده است «فاستقم كما امرت» [۱۱۸] امر به رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌فرماید که استقامت داشته باش در آن اموری که مأموری. در یک سوره دیگری که سوره هود است وارد شده است که «فاستقم كما امرت و من تاب معك» که هم به خود رسول

[ صفحه ۸۴ ]

اکرم امر می‌فرماید که: استقامت و پایدار باش در آن مأموریتی که داری و کسانی هم که ایمان به تو آوردند و برگشتند به خدا با تو، آنها هم استقامت کنند. در این دنیا کسانی که برای شرافت خودشان، برای شرافت اهل ملتشان، برای شرافت اسلام اموری را انجام می‌دهند، کارهایی را انجام می‌دهند اگر در دنبالش استقامت داشته باشند، پابرجا باشند، آنها را حوادث نلرزاند، اینها به مقاصد می‌رسند، برای اینکه استقامت یک امر مهمی است و مشکلی. در سوره دومی که سوره هود است که دارای آن ذیل است که همه ما مأموریم به استقامت و در رأس، رسول اکرم است، ایشان در این سوره و در این آیه از ایشان وارد شده است که فرموده‌اند: «شبیبتی سوره هود لمکان هذه الایه» به حسب این روایت از ایشان نقل شده است که فرموده‌اند: «سوره هود من را پیر کرد، برای این آیه. برای اینکه همه مأمورین را، همه ملت‌های اسلامی را، همه افراد مسلم را امر فرموده است به اینکه در مأموریتی که دارید استقامت کنید، پا بر جا باشید، متزلزل نشوید، چه بسا افرادی که ابتداء در یک امری وارد می‌شوند لکن بعضی مشکلات وقتی پیش آمد نمی‌توانند خوددار باشند، نمی‌توانند استقامت کنند و چه بسا اشخاصی که مستقیم هستند استقامت می‌کنند، پایداری می‌کنند تا آخر تعلیمی که خدای تبارک و تعالی به مسلمین داده است، این است که باید در مأموریت‌های خودتان استقامت داشته باشید، پایداری داشته باشید... رسول اکرم در عین حالی که بالاترین موجود بود در استقامت و حضرت امیر - سلام الله علیه - در روایتی وارد شده است که ما در جنگها هر وقت که فشار بر ما می‌آمد به رسول خدا پناه می‌بردیم. در عین حال خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که: «فاستقم»

[ صفحه ۸۵ ]

کما امرت» امر می‌کند که پایدار باش! نلرزاند تو را چیزی، آنجایی که می‌رسد به اینکه تو و امت پایدار باشید. پیغمبر می‌فرماید که: «من به واسطه این آیه پیر شدم» برای اینکه استقامت مشکل است و من گر چه می‌توانم استقامت کنم و افرادی هم می‌توانند، ولی همه ملت اطمینان نیست که بتواند مستقل باشد، مستقیم باشد. استقامت در امر از خود امر مشکلتراست. چه بسا پیرویهایی که برای یک ملتی پیش می‌آید برای اینکه استقامت در آن امر که موجود شده است ندارند، سستی می‌کنند آن پیروزی از دستشان می‌رود. [۱۱۹].

### وجوب مقابله با طاغی

شارع مطهر فرموده‌اند - که - در قرآن کریم که اگر یک طایفه‌ای بر طایفه دیگر از مسلمین بخواهند طغیان کنند و تجاوز، بر همه مسلمین واجب است که این جنایتکار و طاغی و یاغی را با او جنگ بکنند و اگر برگشت به اطاعت خدا، آن وقت بنشینند با او صحبت بکنند... اگر امروز همه قدرتمندان و همه یاهو سرایان تبلیغاتی به ضد شما و به ضد جمهوری اسلامی قلمفرسایی می‌کنند یا سخنرانی یا توطئه، لکن نمی‌توانند روی حق پرده پوشی کنند. شما بحقید، همان طوری که امام سیدالشهدا بحق بود و با عده قلیلی مقابله کرد و در عین حالی که به شهادت رسید و فرزندان او هم به شهادت رسیدند، لکن اسلام را زنده کرد و یزید و بنی‌امیه را رسوا کرد. شما هم شیعیان همان حضرت هستید، شما هم در این نبردهای بزرگی مثل نبرد آبادان و مثل تنگه چرابه و مثل بستان کاری کردید که اعجاز

[ صفحه ۸۶ ]

بود، اعجاز بود از باب اینکه یک جمعیت کم با عده و عده کم و با ایمان بزرگ این اعجاز را آفریدند و صدام که این کار غلط را به تخیلاتی که کرده بود انجام داد، الان پشیمان شده است و به همه دولتها برای کمک دست دراز کرده است و از همه کشورها کمک خواسته است و همه هم، تقریباً اکثر قریب به اتفاق هم به او کمک می‌کنند و همه کمک‌هایی را که آنها کرده‌اند نتوانسته‌اند یک ایمانی برای او بفرستند، برای اینکه در خودشان هم نبود.

اشتباهشان در همین است که خیال می‌کنند زیادی جمعیت و زیادی اسلحه کار انجام می‌دهد و نمی‌دانند که آن چیزی که کار را انجام می‌دهد بازوی قوی افراد است. افراد کم با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاء الله، اینهاست که پیروزی می‌آورد. پیروزی را شمشیر نمی‌آورد پیروزی را خون می‌آورد. پیروزی را افراد و جمعیت‌های زیاد نمی‌آورد پیروزی را قدرت ایمان می‌آورد «ما اکثر الضجیح و اقل الحجیح» [۱۲۰] حاجی خیلی می‌رود به مکه، لکن آنکه حج الهی را به جا می‌آورد، آن کم است. و سپاه پاسدار و بسیج و همه اینها، ارتشی و اینها، آن اقلیتی هستند در جنگ و آن اقلیتی هستند در نبرد که «کم من فئه قليلة غلبت فئه كثيرة باذن الله» [۱۲۱]. [۱۲۲].

### استقامت در رأس امور

این نهضت یک امر الهی است و خدا فرموده است «فاستقم

[ صفحه ۸۷ ]

كما امرت و من تاب معك» همان طوری که پیغمبر اکرم از هیچ آمد و فتح کرد و نورش همه جا را گرفت، شما ملت هم بعد از آن رژیم فاسد، از هیچ شروع کردید، یعنی هر چه بود خرابی بود و شما شروع کردید برای درست کردن آن. اما رفیق نیمه راه نباشید، این طور نباشد که ما تا اینجا رفته‌ایم حالا از این جا دیگر برویم سراغ کارهای دیگرمان. در رأس امور این است که ما این امر الهی را که «فاستقم كما امرت و من تاب معك» این امر الهی را ما اجرا کنیم. [۱۲۳].

### نگرانی پیامبر از عدم استقامت امت

پیغمبر در یکی از فرمایشاتشان می‌فرمایند که «شیتنی سوره هود» آیه‌ای که در - سوره ی - سوره هود وارد شده است در سوره شورا هم به استثنای یک کلمه وارد شده است لکن سوره هود را ایشان می‌فرماید که «شیتنی» برای اینکه در آنجا امر به استقامت خود رسول خدا و کسانی که با او هستند هست، تابعین او. این است که استقامت ملت را هم پیغمبر سنگینی‌اش را در دوش خودش می‌دید و نگرانی‌ای که پیغمبر داشت نسبت به اینکه استقامت نکند ملت، نکند امت، این بود که، به حسب احتمال قوی این بود که ایشان را وادار کرد به اینکه این کلمه را بفرمایند. استقامت در هر امر و این دنبال این است که انسان توجه به خدای تبارک و تعالی داشته باشد و به پیامبران خدا و خصوصاً پیامبر خاتم که اینها چه نحو زندگی کردند و با چه مصیبت‌هایی استقامت کردند و در این بیست و چند سال که پیغمبر اکرم در بین این مردم بود چه مصیبت‌هایی از همین مردم دید و چه مصیبت‌هایی را پیش بینی کرد و توجه به اینکه او ولی

[ صفحه ۸۸ ]

امر این ملت است و استقامت این ملت هم از او خواسته شده است و «فاستقم کما امرت و من تاب معک» این است که موجب نگرانی رسول خداست. [۱۲۴].

### توصیه به استقامت در دفاع

ما باید امروز تحمل کنیم، صبر باید بکنیم. «فاستقم کما امرت و من تاب معک» این چیزی بود که پیغمبر اکرم گفت: «من شیبتنی سوره هود» من به واسطه این، آن هم به خاطر اینکه «من تاب معک» بود برای اینکه می‌دید نمی‌تواند استقامت شد ما باید استقامت کنیم، باید حفظ کنیم، باید صبر کنیم. [۱۲۵].

### استقامت برای رفع فتنه از عالم

«جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم»؛ یعنی، باید کسانی که تبعیت از قرآن می‌کنند، در نظر داشته باشند که باید تا آن جایی که قدرت دارند ادامه به نبردشان بدهند تا اینکه فتنه از عالم برداشته بشود. این، یک رحمتی است برای عالم و یک رحمتی است برای هر ملتی، در آن محیطی که هست. [۱۲۶].

[ صفحه ۸۹ ]

### رسول خدا نگران استقامت امت

پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - نگران بود راجع به این که آیا ملتش استقامت می‌کنند یا نه؟ تا آن حد که در روایت است که فرموده که «شیبتنی سوره هود» برای این آیه‌ای که آمده است که «فاستقم کما امرت و من تاب معک» در عین حالی که این آیه در سوره دیگری هم (سوره شوری هم) آمده لکن آن ذیل را ندارد، سوره هود که این ذیل را دارد فرموده است. این به نظر می‌رسد که نگران بوده است از اینکه مبدا ملتش، امتش مبدا خدای نخواسته استقامت نکنند. [۱۲۷].

### ضرورت استقامت

#### استقامت شرط پیروزی

این تحول روحی که برای شما ملت حاصل شده است، حفظ کنید، استقامت کنید، نگه دارید این تحول انسانی که بالاتر از تحولاتی فعال خارجی است، این تحولی که شما را برای رسیدن به آمال مشتاق کرد که خون بدهید، این تحول انسانی که شما برای برادراتان حاضرید جان بدهید و حاضرید مال بدهید و حاضرید وقت صرف کنید، این تحول مهم بود، این تحول بالاتر از اصل مبارزه بود.

تحول نفسانی، تحول روحی، تحول انسانی، این تحول را حفظ کنید، مستقیم باشید، استقامت کنید، دشمن در توطئه است. دشمن

در حال توطئه و نقشه است. اگر استقامت نکنید، اگر این تحول را حفظ نکنید، شاید خدای نخواستہ دشمن پیروز شود. این تحول روحی، این تحول انسانی، این تحولی که اساس پیروزی شما بود، این تحول را حفظ کنید تا پیروز شوید. خداوند ان شاء الله به شما

[ صفحه ۹۰ ]

سلامت و سعادت عنایت کند و استقامت که بالاترین نعمت است. قیام برای خدا و استقامت در آن قیام. تا این جا قیام کردید و پیروز شدید، اگر استقامت کنید پیروز خواهید شد، اگر استقامت کنید این عده‌ای که در صدد توطئه هستند ریشه کن خواهند شد. [۱۲۸].

### استقامت برای حفظ نهضت

الان استقامت ملت با شما روحانیون است، یعنی خطاب «فاستقم کما امرت». [۱۲۹] یک نهضت حاصل شده، استقامت لازم دارد، یک جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده، استقامت در مقابل او لازم است باید نگهش دارید و همه اشخاصی که با شما هستند هم به عهده شماست که استقامتشان را حفظ کنید. [۱۳۰].

### استقامت در دفاع از اسلام

ملتی که بخواهد شرافت خودش را حفظ کند، اسلام را که مبدأ همه شرافتهاست بخواهد حفظ کند، این ملت باید علاوه بر جهاد استقامت در جهاد داشته باشد. استقامت معنایش این است که اگر گرفتاریهایی پیدا شد در جهاد، اگر در جنگهایی که پیش می‌آید برای یک ملتی که می‌خواهد شرافتمند باشد، می‌خواهد اسلام را و نهضت اسلامی را به ثمر برساند، از مشکلات هراس نداشته باشد، در مشکلات سستی نکند، این امر خداست. خدای تبارک و تعالی

[ صفحه ۹۱ ]

که دفاع را بر همه ملت و بر همه مسلمین واجب کرده است و ما هم الان در این امر واقع شده‌ایم که دفاع می‌کنیم از شرافت خودمان، دفاع می‌کنیم از اسلام عزیز. همان که امر فرموده است که دفاع کنید، به همه ملتها امر فرموده است که پایدار باشید، استقامت کنید... استقامت در امر از خود امر مشکلتر است. چه بسا پیروزیهایی که برای یک ملتی پیش می‌آید برای اینکه استقامت در آن امر که موجود شده است ندارند، سستی می‌کنند آن پیروزی از دستشان می‌رود. [۱۳۱].

### استقامت برای حفظ دین

از پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - منقول است که فرمود سوره هود مرا پیر کرد که فرموده است تو و پیروانت استقامت کن. [۱۳۲] ما و شما که افتخار پیروی آن حضرت و ادعای آن را داریم، باید در حفظ دین مقدس و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی استقامت کنیم و مشکلات را با استقبال و استقامت انقلابی رفع نماییم. [۱۳۳].

### پیروزی از پیامبر در استقامت

ما باید آن مقاومت و روح اسلامی را حفظ کنیم و آن سختیها که به خود پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - وقتی که در مکه

[ صفحه ۹۲ ]

و مدینه بودند و بر حضرتش گذشته است، به یاد آوریم. باید فکر کنیم که پیغمبر چه کرده است، او یک بشر است، اما وظیفه دارد و خدا به او امر کرده است که باید استقامت کنی. همان طور که پیغمبر به استقامت و مقاومت مأمور است، هر کس که همراه اوست و به او گرویده است مأموریت دارد استقامت کند. «فاستقم کما امرت و من تاب معک» [۱۳۴] [۱۳۵].

### صدر انقلاب با استقامت

استقامت کند ملت ما، استقامت کند دانشگاه ما، استقامت کند حوزه‌های علمی قدیمی ما، استقامت کنند ارتش و همه چیز ما، ملت ما، که استقامت اسباب این می‌شود که ادامه پیدا کند این نهضت و انقلاب و به همه جا سرایت کند... ما در این انقلابی که، یعنی ملت ما در این انقلابی که کرده است، تا حالا استقامت کرده است و بحمدالله تا حالا پیروز شده است. شما پیروزید در دنیا، شما مطرح شده‌اید در دنیا. در همه گوشه‌های دنیا، دولتهای دنیا از شما یک نحوهراسی دارند که مبادا یکوقت ملت‌هایشان مثل شما بشود. شما تا حالا پیروزید، استقامت کنید تا پیروزی نهایی به دست‌تان بیاید. [۱۳۶].

[ صفحه ۹۳ ]

### استقامت برای مقابله با مشکلات

ما باید محکم بایستیم و خودمان را برای مقابله با مشکلات احتمالی آینده مهیا کنیم. ما نمی‌توانیم شرافت اسلامی - انسانی خود را از دست بدهیم. [۱۳۷].

### تحمل مشکلات برای مقابله با آمریکا

همان طور که امریکا برای توطئه آماده است، ما هم باید برای مبارزه و مقابله آماده باشیم. مادامی که بخواهیم مستقل باشیم و زیر بار وابستگی نرویم، باید تحمل این مشکلات و قدرت مبارزه با آن را پیدا کنیم. [۱۳۸].

### استقامت انجام خوب وظایف شغلی است

ما باید در امورمان مستقیم باشیم، همان طوری که رسول خدا به حسب روایاتی که وارد شده است فرموده است که این آیه شریفه‌ای که وارد شده است که «فاستقم کما امرت و من تاب معک» [۱۳۹] یعنی به آن چیزهایی که امر به تو شده است، دستور داده شده است استقامت کن و کسانی هم که همراه تو هستند، مؤمنین به تو هستند، آنها هم استقامت کنند. در روایات است که پیغمبر فرمود: «شیتنی سوره هود» - برای این آیه - سوره هود مرا پیر کرد برای این آیه‌ای که وارد شده است که استقامت کن و همه کسی هم همراهت است استقامت کنند، فتح یک کشوری آسان است نسبتاً، حفظ او مشکل است. شما دست به هم دادید

همه‌تان (خدا همه را تأیید کند) و ظلم را، دست ظالم را، دست ستمکاران را، دست خارجیها

[ صفحه ۹۴ ]

را از کشورتان قطع کردید. امروز نه شرق در اینجا دخالتی می‌تواند بکند و نه غرب، در حالی که در رژیم سابق اصل خود کشور به حساب نبود، منافع خارج حساب بود. امروز که شما هستید و خودتان هستید و کشور مال خود شما هست و منافع کشور از خود شما و از برادران شماست، بخواهید که آنها دیگر نتوانند رخنه کنند. استقامت باید بکنید، پایداری باید بکنید. پایداری به این است که هر کس در هر شغلی که هست آنجا را خوب عمل بکند. همان طوری که پاسدارها و ارتش ما در جبهه‌ها پایداریشان به این است که جنگ را خوب عمل بکنند و پیش ببرند. پایداری کشاورز این نیست که جنگ بکند، پایداری کشاورز این است که کشاورزی خوب باشد. پایداری بانکدارها این است که خوب عمل بکنند و پایداری افرادی که پرسنل اداره مالیه هستند، [پایداری] آنها این است که خوب عمل بکنند، ناراضی درست نکنند... ما باید دنبال این باشیم که این آیه شریفه را که فرموده است که «فاستقم کما امرت و من تاب معک» پیغمبر که فرمود که من ریشم سفید شد برای اینکه «و من تاب معک» پهلوش است یعنی پیغمبر مأمور شده است که اشخاصی هم که همراه او هستند، اشخاصی هم که ایمان به او آوردند، آنها هم استقامت کنند و آن شما هستید. باید استقامت کنید و ادامه بدهید به این نبردی که کردید. نبردی که با همه کشورهای مخالف اسلام و با ابرقدرتها کردید باید ادامه بدهید و ادامه به این است که هر کس در هر جا هست کار خودش را خوب انجام بدهد. [۱۴۰].

[ صفحه ۹۵ ]

### استقامت برای استقرار اسلام

آیا پیغمبر اکرم (ص) در مقابل سختیها عقب نشینی کردند؟ آیا حاضر به تسلیم و سازش شدند؟ ما هم که کار انبیا و پیغمبر اکرم (ص) را انجام می‌دهیم باید بایستیم، باید مقاومت کنیم تا اسلام استقرار پیدا کند و عدالت برقرار شود و دست ظالمها کوتاه گردد. این را باید دنبال کرد. مردم زمان حضرت رسول (ص) و اصحاب او مقاومت کردند و از سختیها نهراسیدند تا پیروز شدند... مردم باید محکم بایستند و از اسلام و کشور دفاع کنند و از توطئه‌ها به خود هراس راه ندهند که اگر کمی عقب بنشینند، باید دست از اسلام بکشیم و تکلیف ما بر خلاف این است.

مردم انقلاب کردند، باید پای زحماتش هم بنشینند. مردم، پیغمبران و پیغمبر اسلام (ص) را و ابراهیم (ع) را در نظر بگیرند، ببینند که با آنها چه مخالفتها شد، ولی دست از هدفشان نکشیدند. اگر ما مسلمانیم، باید دنباله رو آنها باشیم. دنباله روی از آنان که فقط روزه و نماز و مسجد نیست. دنباله روی از آنان مبارزه برای حفظ اساس اسلام است. باید برای حفظ اساس اسلام تا آخر ایستاد و پیشروی کرد. [۱۴۱].

### استقامت در برابر همه قدرتها

شما هیچ وقت نترسید و مستقیم و پای بر جا بایستید و در مقابل همه قدرتها استقامت کنید و خداوند با شماست و شماها را ان شاء الله حفظ می‌کند از شر اشرار و مملکت شما را نجات می‌دهد و مهم این است که از شما راضی باشد حق تعالی. [۱۴۲].

[ صفحه ۹۶ ]

### ایستادگی برای امحاء باطل

پیامبر اکرم - صلی الله علیه - و ائمه‌ی هدی در چه غربت‌هایی برای دین حق و امحاء باطل، استقامت و ایستادگی نموده‌اند و از تهمت‌ها و اهانت‌ها و زخم زبان‌های ابولهب و ابوجهل‌ها و ابوسفیان نهراسیده‌اند و در عین حال شدیدترین محاصره‌های اقتصادی در شعب ابی‌طالب، به راه خود ادامه داده‌اند و تسلیم نشدند و سپس با تحمل هجرت‌ها و مرارت‌ها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگ‌های پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه و کارشکنی‌ها به هدایت و رشد همت گماشته‌اند که دل صخره‌ها و سنگ‌ها و بیابان‌ها و کوه‌ها و کوچه‌ها و بازارهای مکه و مدینه پر است از هنگامه‌ی پیام رسالت آنان. [۱۴۳].

### نقش مساجد در جنگ و دفاع

#### مساجد پایگاه سیاست و دفاع

مسیحیون خیال نکنند که اسلام هم، مسجد هم مثل کلیساست. مسجد وقتی در آن نماز برپا می‌شده است تکلیف معین می‌کرده‌اند، جنگ‌ها از آن شالوده‌اش ریخته می‌شده است، تدبیر ممالک از مسجد شالوده‌اش ریخته می‌شده است. مسجد مثل کلیسا نیست. کلیسا یک رابطه فردی ما بین افراد و خدای تبارک و تعالی (علی زعمهم) است لکن مسجد مسلمین در زمان رسول خدا (ص) و در زمان خلفایی که بودند. مسجد مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبه جمعه مطالب سیاسی، مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سیاست مدن، اینها همه در مسجد درست می‌شده است، شالوده‌اش در مسجد ریخته می‌شده است در

[ صفحه ۹۷ ]

زمان رسول خدا و در زمان دیگران و در زمان حضرت امیر - سلام الله علیه. [۱۴۴].

#### مسجد محل اجتماع و دعوت به جنگ با کفار

مسجدها محلی بوده است که از همان مسجد ارتش راه می‌افتاد برای جنگ با کفار و با قلدرها، از همان توی مسجد. آنجا خطبه خوانده می‌شد، دعوت می‌شدند مردم به اینکه فلان مثلا آدم متعدی در فلان جا قیام کرده بر ضد مسلمین یا مال مردم را چپاول می‌کند، قلدری می‌کند، انحرافات دارد و از همان مسجد راه می‌افتادند و می‌رفتند طرف دشمن، از همان جا قراردادها حاصل می‌شد. [۱۴۵].

#### مسجد مرکز گسیل نیرو برای سرکوبی کفار

مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش حرکت‌های اسلامی بوده از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در بیرق اسلام بوده است همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز



حرکات و مرکز جنبشها بوده است. [۱۴۶].

[ صفحه ۹۸ ]

### مسجد مرکز طراحی عملیات جنگی

جنگهایی که در اسلام شده است بسیاری از آن از مسجد طرحش ریخته می‌شد. حضرت امیر - سلام الله علیه - به حسب خطبه‌هایی که در نهج البلاغه جمع شده است - بعضی - خطیب بزرگ و فخر خطباست و با آن خطبه‌های بزرگ مردم را تجهیز می‌کردند برای دفاع از اسلام و همین طور دستورهای اخلاقی و دستورهای عقیدتی و همه چیز در این کتاب مقدس هست. [۱۴۷].

### مسجد محل عبادت خدا و جنگ با کفار

در صدر اسلام همان مسجدی که عالم در آن بود، همان مسجد هم ارتشی بود و سردارهای سپاه هم همان جا بودند و با هم نماز می‌خواندند و با هم اطاعت می‌کردند و با هم، هم جنگ می‌کردند. یک همچنین وضعی داشت. [۱۴۸].

### مسجد مرکز تجهیز سپاهیان

همان طوری که پیغمبر توی مسجد زندگی می‌کرد و توی همان مسجد با مردم معاشرت می‌کرد و از همان مسجد هم تجهیز می‌کرد جیوش را برای کوبیدن قدرتها، از همین جمعیت پیغمبر را انتخاب فرمود بر ضد آنهایی که می‌خواستند چه بکنند. [۱۴۹].

[ صفحه ۹۹ ]

### مسجد مرکز اجتماع سیاسی و نظامی

در صدر اسلام از همین مسجدها جیشها، ارتشها راه می‌افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی - اسلامی بوده مسجد، هر وقت یک گرفتاری پیدا می‌شد صدا می‌کردند که «الصلوة بالجماعة» اجتماع می‌کردند، این گرفتاری را طرح می‌کردند، صحبتها را می‌کردند. مسجد مرکز اجتماع سیاسی است و از این یک قدری وسعتش زیادتر، می‌شود نماز جمعه. [۱۵۰].

### نظامیان اسلام آباد کننده مساجد

ارتش اسلام هر جا رفته است و سردارهای اسلام هر جا پا گذاشتند همان جایی که پا گذاشتند اول مسجد درست کردند، وقتی به قاهره رسیدند اول خط کشیدند برای مسجد. و هر جا این طور بود، مسجد مطرح بود، معبد مطرح بود و ارتش اسلام برای آباد کردن مساجد و محرابها کوشش می‌کردند. [۱۵۱].

### مساجد مرکز تصمیم گیری دفاعی

در صدر اسلام هم نماز جمعه و مساجد چنین وضعی داشتند که اجتماعات وسیله‌ای بودند برای رفع گرفتاری‌های مسلمین تصمیم

گیری در مقابله با دشمنان اسلام... من امیدوارم که نماز جمعه‌ها آن محتوای اصیل خود را باز یابد و قهرا سایر مسلمین هم زمانی که دیدند مدت‌ها از این نعمت بزرگ الهی غافل بوده‌اند به فکر برگزاری صحیح آن می‌افتند اگر چه دولتها مخالف آن باشند

[ صفحه ۱۰۰ ]

در صدر اسلام، هر وقت مسلمین می‌خواستند به جنگ عزیمت کنند، از مساجد تجهیز می‌شدند و هر وقت که کار مهمی داشتند، در مساجد آن را مطرح ساخته و درباره مسائل سیاسی به بحث و گفتگو می‌نشستند. [۱۵۲].

### مساجد سنگر دفاع از اسلام

اسلام مساجد را سنگر قرار داد و وسیله شد از باب اینکه از همین مساجد، از همین جمعیتها، از همین جماعات، از همین جمعه‌ها و جماعات، همه اموری که اسلام را به پیش می‌برد و قیام را به پیش می‌برد مهیا باشد. [۱۵۳].

### مساجد محل طراحی جنگها

در صدر اسلام مسائل سیاسی در مسجد به وسیله آنهایی که امام جمعه بودند حل و فصل می‌شد و نقشه‌های جنگ در آن جا کشیده می‌شد و مع الأسف ما را رساندند به آنجا که در خطبه‌های جمعه جز چند کلمه موعظه و تحذیر از اینکه نبادا در امور دخالت کنید چیزی نبوده است. [۱۵۴].

[ صفحه ۱۰۱ ]

### مسجد النبی مرکز بسیج نظامی و سیاسی و اجتماعی

این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم (ص) مرکز جنگ‌ها و مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر - صلی الله علیه و آله - همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد، مسائل سیاسی اش بیشتر بوده. هر وقت می‌خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را و بسیج کنند مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می‌کردند این امور را. [۱۵۵].

### مساجد مرکز طراحی مسائل سیاسی و دفاعی

در صدر اسلام مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسی داشته است، از مسجد راه می‌انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آن جایی که باید بفرستند. از مسجد مسائل سیاسی طرح ریزی می‌شد. [۱۵۶].

[ صفحه ۱۰۵ ]

## فداکاری

### پیامبر الگوی فداکاری

ما سوگمندان و مفتخرانه عزیزانی را در راه هدف که واژگونی رژیم طاغوتی و برپا داشتن پرچم پر افتخار اسلام است فدا کردیم و این درست راه اسلام و برنامه‌ی مسلمین راستین در صدر اسلام بوده و در طول تاریخ خواهد بود «ولکم فی رسول الله اسوة حسنه» پیغمبر بزرگ اسلام همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز درآورد و ما به حکم پیروی از آن بزرگوار باید همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید برقرار ماند. [۱۵۷].

### فداکاری یاران پیامبر

ایشان وقتی مسجد را درست کرد، آن هم نه یک مسجدهای مجلل، یک مسجد خیلی بهتر درست کرد، روی صفا آن مسجد که

[صفحه ۱۰۶]

یک صفا‌ای بود که هیچی هم نداشت آن جا، بسیاری از اصحاب حضرت از آنها که یاران او بودند، آن جا می‌خوابیدند چون منزل نداشتند در جنگهایی که می‌شد یک خرما را از قراری که در تاریخ است این می‌گذاشت دهانش درمی‌آورد دهان او، دهان به دهان. این طور اینها فاقد بودند، مع ذلک اینها بودند که رفتند و قریش را و سایر گردن کلفت‌های ظلمه را سر جای خودشان نشانند. [۱۵۸].

### فداکاری زنان در جنگهای صدر اسلام

زنان در صدر اسلام با مردان در جنگها هم شرکت می‌کردند اما می‌بینیم و دیدیم که زنان همدوش مردان بلکه جلوتر از آنان در صف قتال ایستادند، خود و بچه‌های خود و جوانان خودشان را از دست دادند و باز هم مقاومت کردند. [۱۵۹].

### پیامبر در جنگها نبی رحمت بود

خود رسول الله (ص) ایشان خودشان در جنگها، خودشان وارد میدان نمی‌شدند که آدم بکشند، وضع این طور بوده است که نبی رحمت بودند، حتی یک نفر را می‌گویند کشته نشده است به دست ایشان، لکن حضرت امیر با آن وضعی که در جنگ داشته است، از آنها نقل کرده‌اند که ما در شداید پناه می‌بردیم به ایشان، یک همچو - که - آن سردار بزرگ که در دنیا نظیر ندارد. به حسب نقل - کرده‌اند - که از ایشان می‌شد، می‌فرماید که - شداید - وقتی جنگ شدید می‌شد

[صفحه ۱۰۷]

ما پناه می‌بردیم به رسول الله. یک همچو قوه‌ای بوده است، قدرت الهی بوده. این یک دستور کلی است که آن زمان، آنها کرده‌اند و به سعادت رسیدند و به سعادت رسانده‌اند. [۱۶۰].

## خطر پذیری برای اسلام

صدر اسلام، سربازهای اسلامی برای اسلام جانشان را به خطر می‌انداختند یعنی خطر نمی‌دیدند، خطر برای خودشان نمی‌دیدند برای اینکه مردن را خطر نمی‌دانستند. جوانهای ما این طور شده بودند و الان هم هستند. [۱۶۱].

## رحیم و شدید بودن سربازان اسلام

اگر بخواهید پیشرفت بکنید و همه چیزتان ان شاء الله اسلامی بشود و پیروزی نظیر پیروزیهای صدر اسلام بشود، کاری بکنید که خودتان هم ساخته بشوید، همان طور که سربازهای صدر اسلام در عین حالی که سربازی می‌کردند، وظایف صوریه اسلام را هم به تمام معنا به جا می‌آوردند، همان طوری که شمشیر می‌کشیدند و می‌کشتند. دشمنهای اسلام را با خودشان به طور رأفت، به طور دوستی، برادری رفتار می‌کردند. همین دستور قرآن کریم است که از اوصاف مؤمنین صدر اسلام و اینها نقل می‌فرماید که اینها رحیم هستند بین خودشان «رحماء بینهم» خودشان با هم با رحمت رفتار می‌کنند «اشداء علی الکفار» وقتی به کفار می‌رسند شدت. حضرت

[صفحه ۱۰۸]

امیر وقتی که مواجه می‌شود با لشکر معاویه که از کفار هم بدتر بودند، با خوارج که آنها هم به همین طور بودند، با کمال شدت، بعد از اینکه می‌دید هدایت نمی‌شوند، سفارش می‌کرد که شماها ابتدا به جنگ نکنید، به لشکر خودش فرمود شماها ابتدا به جنگ نکنید ولو حق با شماست، بگذارید آنها ابتدا کنند وقتی آنها ابتدا می‌کردند، گاهی هم یکی دو تا کشته می‌شدند، آن وقت اجازه می‌داد و با کمال قدرت تا آخر می‌کوبید. خوارج را همچو سرکوب که از آنها چند نفری توانستند فرار کنند و خوارج هم همانها بودند که بعد هم توطئه کردند و حضرت امیر را به شهادت رساندند. [۱۶۲].

## روحیه قوی، فداکاری و شهادت طلبی

صدر اسلام با یک همچو روحیه‌ای که شهادت را می‌خواستند، آن طور پیشرفت کردند و در نیم قرن تقریباً معموره را، معموره دنیا را، دنیای متمدن آن وقت را فتح کردند و الا عددشان، یک عده‌ای بودند حجازی و نه فنون جنگی به آن معنای مدرنش را که روم و ایران می‌دانستند، می‌دانستند و نه ابزارش را داشتند، ابزار که هیچ نداشتند حتی هر چند نفرشان یک شتر، هر چند نفرشان یک شمشیر، یک بندی از چیز خرما، لیف خرما درست کرده بودند شمشیر را با آن بند بسته بودند اینجا. لکن روح، روح الهی بزرگ بود، آن روحی بود که وقتی نیزه را (آن در یک جنگی مرد) آن مخالف گذاشت به این جای آن و فشار داد، این دید که خواهد مرد، با این فشار داد خودش را از توی نیزه، یکی نیزه توی شکمش رساند، خودش را، او را هم کشت، خودش هم

[صفحه ۱۰۹]

مرد. یک همچو روحیه، یک همچو روحی یا مثلاً به قلعه‌های بزرگ وقتی که می‌رسیدند و کشته می‌دادند، کشته می‌دادند بعد

برای رفتن بالا- نیزه‌ها را زیر یک سیر می‌گذاشتند، سیر رویش، یکی رویش می‌نشست می‌رفت بالا، اگر کشته هم می‌شد، که می‌شد تا در را باز می‌کرد. این روحیه، یک روحیه است که روحیه الهی است. [۱۶۳].

### فداکاری برای خداوند یوم الله است

روزی که پیغمبر اکرم (ص) هجرت کردند به مدینه، این روز یوم الله است. روزی که مکه را فتح کردند یوم الله است. یوم قدرت نمایی خداست که یک یتیم را که همه ردش کرده بودند، نمی‌توانست زندگی بکند، تو وطن خودش، تو خانه‌ی خودش، بعد از چندی فتح مکه به دست او شد و آن قلدرها و آن ثروتمندها و آن قدرتمندها همه در تحت سیطره‌ی او واقع شد و فرمود «انتم الطلقاء» می‌گویند آزادتان کردم، بروید. این یوم الله است. یوم خوارج، روزی که امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - شمشیر را کشید و این فاسدها را، این غده‌های سرطانی را درو کرد این هم یوم الله بود. این مقدسهایی که پینه بسته بود پیشانی‌شان لکن خدا را نمی‌شناختند، همینها بودند که کشتند امیرالمؤمنین را. قیام کردند در مقابل امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - از لشکر خودش بودند، قیام کردند در مقابل او برای خاطر آن قضایایی که در صفین واقع شد و امام (ع) دید که اگر اینها باقی باشند، فاسد می‌کنند ملت را. تمامشان را کشت الا بعضی که فرار کردند. این یوم الله بود. روزهایی که خدای تبارک و تعالی برای تنبیه ملتها یک چیزهایی را وارد می‌کند، یک زلزله‌ای وارد می‌کند، یک

[صفحه ۱۱۰]

سیلی وارد می‌کند، یک طوفانی وارد می‌کند که شلاق بزند به این مردم که آدم بشوید، اینها هم یوم الله است. چیزهایی است که به خدا مربوط است. [۱۶۴].

### روح فداکاری سربازان صدر اسلام

دو شرط در پیشرفت هست. یک شرط این است که برای خدا باشد، اگر چنانچه یک قیامی برای خدا باشد خدای تبارک و تعالی کمک می‌کند. از کمی جمعیت نترسید، ولی بحمدالله جمعیتها زیاد است. در صدر اسلام یک جمعیت سی هزاری به دو تا امپراتوری که به همه جهازهای سلاحی مجهز بودند و یکی شان هفتصد هزار نفر یا هشتصد هزار نفر نظامی مجهز به جنگ آورده بود، اینها با سی هزار نفر غلبه کردند. یکی از سردارهای اسلام آن وقت گفت که شصت هزار نفر جلو آمدند پیشاهنگند از دشمن و دنبال آنها هم هشتصد یا هفتصد هزار نفر دشمن هست، ما اگر یک ضربه‌ای به اینها تزیم اینها جری می‌شوند. این سردار گفت که سی نفر همراه من بیاید شب می‌رویم و به این شصت هزار نفر شیخون می‌زنیم، سی عدد. تمام لشکرشان هزار نفر بود گفتند که آخر شصت هزار نفر هم آدم مقابل دو هزار نفر نمی‌شود. بالاخره راضی‌اش کردند این را که شصت نفر ببرد، هر آدم مقابل هزار نفر. شب، شیخون زدند و تار و مارشان کردند، شکستان دادند، شکستی که بعد منتهی شد به اینکه آن لشکر بعد را هم اینها شکست دادند.

چه بود که شصت نفر آدم، شصت هزار نفر آدم را، شصت نفر

[صفحه ۱۱۱]

آدمی که مجهز به آن جهازها نبودند، شصت هزار آدم را که به آن جهازها مجهز بودند شکست دادند. برای این بود که اینها یافته بودند این مطلب را که ما اگر کشته بشویم به شهادت می‌رسیم. با این روحیه قوی، که ما بکشیم سعادت‌مندیم، کشته بشویم هم سعادت‌مندیم، با این روحیه قوی با همچو روحیه‌ای پیش رفتند و شکست دادند. در عین حالی که لشکر اسلام در آن وقت یک لشکر بسیار ضعیفی است از حیث قوای مادی، و تجهیزات جنگی هم نداشتند، هر چند نفرشان گاهی یک شمشیر، یک شتر، اسب کم و گاهی وقت‌ها یک روز، یک شبانه روز را با یک خرما یک نفر آدم زندگی می‌کرد و در یک نقلی هست که در یک جنگی یک خرما را این می‌گذاشت دهن خودش یک قدری شیرین می‌شد، می‌داد به رفیق خودش، او می‌داد به رفیقش، او به رفیقش، او می‌داد، او می‌داد تا آخر، اما روحیه قوی بود. قدرت روحی، آن قدرت روحی است که انسان را پیروز می‌کند، هر چه تجهیزاتشان زیاد باشد و هر چه هی عیش و نوش داشته باشند، روحیه‌شان ضعیف است. [۱۶۵].

### جوانمردی قوای مسلح مثل صدر اسلام

جوانمردی ارتش و سایر قوای مسلحه مثل سپاه پاسداران و دیگران ما را به یاد جوانمردیهای صدر اسلام انداخت. در صدر اسلام با اینکه - قوا - قوای دشمن با قوای اسلام قابل مقایسه نبودند، در جنگ روم، هفتصد یا هشتصد هزار آنها بودند و سی هزار هم لشکر اسلام و آن طلعه لشکر که پیشروها هستند، شصت هزار نفر بودند، دو مقابل تمام لشکر اسلام، خالد بن ولید که یکی از

[صفحه ۱۱۲]

سردارهای اسلام بود گفت: ما باید یک ضربه‌ای به اینها بزنیم تا اینکه روحیه‌شان را از دست بدهند - حالا به این تعبیر که من می‌گویم - و ما سی نفر می‌رویم با این طلعه که شصت هزار نفرند، سی نفرمان می‌رویم با آنها جنگ می‌کنیم. بالاخره عده‌ای قبول نمی‌کردند - چه - بالاخره بنا شد شصت نفرشان بروند و جنگ کنند، شیخون بزنند. شصت نفر رفتند و شب شیخون زدند و آن شصت هزار نفر را - تار کردند - تار و مار کردند، از بین بردند. [۱۶۶].

### فداکاری در قناعت

شماها همان سربازهای صدر اسلام هستید، همانها که با مشرکین مقابل بودند و با آنهايي که می‌خواستند اسلام تحقق پیدا نکند، توطئه می‌کردند، امثال ابوسفیان و دوستان ابوسفیان، آنها هم می‌خواستند که پیغمبر اسلام موفق نشود به اینکه اسلام را در جزیره العرب تحقق بدهد. تمام همشان این بود که اسلام تحقق پیدا نکند برای اینکه اسلام را با همه منافع خودشان مخالف می‌دیدند. این طور می‌دیدند که اگر پیغمبر اسلام غلبه کند، آنها دیگر آن ظلمها را، آن غارتگریها را نمی‌توانند بکنند، از این جهت مجهز شدند و همه قشرها را تجهیز کردند بر ضد رسول خدا (ص) و بحمدالله موفق نشدند امروز همان معنی است، همان معنایی که در صدر اسلام بود. و مواجهه اسلام بود با کفر و پیغمبر اکرم تجهیزاتی نداشتند. اینها عددشان کم، تجهیزاتشان کم و آن طرف دارای ثروتهای زیاد، تجهیزات زیاد مع ذلک چون خدا می‌خواست، چون اتکالشان به خدا بود، از این جهت غلبه کردند. افراد کم بر افراد زیاد غلبه کردند و

[صفحه ۱۱۳]

افرادی که هیچ تجهیزات صحیحی نداشتند، بر افرادی که، قشرهای مختلفی که از اطراف جزیره العرب جمع شده بودند که نگذارند اسلام محقق بشود، افراد کم و تجهیزات کم، بر افراد زیاد و تجهیزات زیاد غلبه کردند برای اینکه اتکالشان به خدا بود. یک نفر از اینهایی که با اراده تابع اراده خدا می‌رفت، عده‌ای از آنها را از بین می‌برد. [۱۶۷].

### فدای اسلام شدن فرزندان اسلام

در صدر اسلام در رکاب رسول الله و امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - عده کثیری از فرزندان اسلام از دست رفتند، لکن اسلام را حفظ کردند. [۱۶۸].

### عقیده و ایمان

#### شکست قدرتها در برابر قدرت ایمان

پیغمبر اکرم که ایمان به قدرت مطلق خدای تبارک و تعالی داشت، در صورتی که عددشان کم بود و چیزی نبود و فقیر هم بودند و از همین فقیرهای بیچاره بودند لکن قدرت ایمان داشتند و قیام کردند و قدرتها را یکی بعد از دیگری شکستند و همه را دعوت به توحید کردند، توحید را در جامعه رشد دادند و در یک زمان کمی، مسلمین که در جنگ وقتی که می‌رفتند چند نفرشان یک شتر داشتند،

[صفحه ۱۱۴]

در یک جنگ مثلا مهمی شاید ده تا اسب داشتند، نداشتند چیزی، ده تا شمشیر داشتند، چند نفرشان یک شتر داشتند مع ذلک چون قوت ایمان داشتند، دو تا امپراتوری را در یک صف کمی، یکی امپراتوری روم را که آن وقت مهم بود و یکی هم ایران که مهم بود (این دو تا امپراتوری آن وقت در دنیا مقدم بر همه بودند) آنها را شکستند و غلبه بر آنها کردند و اسلام را بردند تا روم - عرض بکنم که - اروپا هم رساندند. عمده همان روح ایمان است که بر انسان باید چه باشد. [۱۶۹].

#### جنگ با زحمت برای اطاعت خدا

ماها باید خودمان را بسازیم یعنی توجه کنیم به اینکه بزرگهای ما، پیشوای ما چه کرده‌اند، برای اسلام چه کرده‌اند، برای مسلمین چه کرده‌اند، چه می‌خواستند بکنند. پیغمبر اکرم که سیزده سال در مکه رنج کشید، حبس بود، زجر کشید، توهین شد، هزار جور فشار بود، در آنجا صبر کرد، صبر کرد و دعوت کرد اشخاصی را، بعد هم که ملاحظه فرمود که نمی‌شود در آنجا کار را پیش برد هجرت کردند به مدینه. در آنجا خوب، افرادشان یک سری آمدند جمع شدند، ده سال هم که در آنجا بودند تمام همشان بر این بود که با این قلدرها جنگ بکنند و اینهایی که ظالم بودند، اینهایی که منافع ملتها را می‌خواستند بخورند، با اینها جنگ کرد تا اینها را آن مقداری که شد ساقط کرد ولی صبر می‌کرد. این مسلمین که در آن وقت جنگ می‌کردند، جنگهایشان جنگهایی بود که وقتی انسان تاریخ را می‌بیند تعجب می‌کند چطور اینها با این عدد کم آن طور شهامت داشتند...

[صفحه ۱۱۵]

پیغمبر (ص) در بعضی از جنگها شکست می‌خورد شکست خورد در بعضی جنگها، حضرت امیر در جنگ با معاویه شکست خورد، حضرت سیدالشهدا را کشتند، اما اطاعت خدا بود، برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود از این جهت هیچ شکستی در کار نبود، اطاعت کرد، تمام شد با اینکه خوب شکست هم داد همه را، همه‌ی سلطنت معاویه و اینها را، به هم زد همه اوضاع را، تا حالا هم الان هست. [۱۷۰].

### فداکاری اسلامی با ایمان خالص

من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که ماها را بیدار کند و ما را به صورت صدر اول اسلام در آورد و ملت‌های ما را مثل ملت صدر اول اسلام کند که خالص ایمان بود و خالص قدرت ایمانی بود و قدرت اسلامی بود که غلبه کردند یک جمعیت چند هزار نفری بر یک امپراتوری که بیشتر از تمام جمعیت این مسلمین که می‌خواستند جنگ برونند، در مقابل این جمعیت آنها پیش قدمهایشان بودند و در عقب آلف و الوف زاید بر این داشتند، این پیش قدمهایشان در مقابل تمام جمعیت اسلام بود و مع ذلک اینها غلبه بر آنها کردند و این نبود جز اینکه ایمان بود که غلبه پیدا می‌کرد و در ایران هم این معنا پیدا شد. [۱۷۱].

[ صفحه ۱۱۶ ]

### قدرت ایمان شاخصه ارتش اسلام

ارتش اسلام در صدر اسلام با آنکه ارتشی ضعیف بود به حسب ساز و برگ، شاید هر چند نفر یک شمشیر داشتند، هر چند نفر یک اسب داشتند لکن چون قوت ایمان داشتند در ظرف کمتر از نیم قرن بر تمام قدرتهایی که در آن وقت بود، غلبه کردند، تمام قدرتها را خاضع کردند. [۱۷۲].

### ایمان به خدا رمز پیروزی ارتش اسلام

رمز پیروزی لشکر اسلام در صدر اسلام با اینکه هیچ ابزار جنگی می‌شود بگویی نداشتند، قیام الله بود. نهضت برای خدا، ایمان به خدا پیروز کرد پیغمبر اکرم را. مأیوس نشدن، استقامت کردن در راه خدا پیروزی را نصیب پیغمبر کرد. اصحاب رسول اکرم (ص) در صدر اسلام قدرت ایمان داشتن و با قدرت ایمان به پیش رفتند به طوری که با جمعیت بسیار کم و با نداشتن ابزار جنگ بر دو امپراتوری بزرگ آن روز دنیا روم و ایران غلبه کردند. نهضت کردند و برای خدا نهضت کردند و استقامت کردند. [۱۷۳].

### قدرت ایمان رزمندگان عامل شکست دشمن

در جنگ روم طلیعه جنگجویان روم شصت هزار بودند و تمام جمعیت مسلمین سی هزار نفر بودند و پشت سر آن طلیعه هفتصد هزار نفر رومی بودند. یکی از سرداران اسلام گفت سی نفر با من

[ صفحه ۱۱۷ ]



بیاید تا من شب بروم و با این شصت هزار جمعیت جنگ کنم، بعد از اینکه اصرار کردند به او (بر حسب تاریخ) شصت نفر رفتند، شصت نفر مسلم با شصت هزار نفر جنگجوی رومی که تا دندان مسلح بودند، رفتند و آنها را شکست دادند و هفتصد هزار نفر جمعیت رومی به دنبال آن شکست خورد و رفت. ایمان بود که قدرت ایمان بود که این کار را کرد و شما دیدید که قدرت ایمان هم در ایران همین کار را کرد. [۱۷۴].

### امداد الهی پشتیبان ارتش اسلام

عقیده و ایمان است که در صدر اسلام هم بوده است. در آن وقت مسلمانان ده تا پانزده نفرشان یک شتر داشتند، لشکرهای رسول الله و لشکر مسلمین هر چند نفرشان یک شمشیر داشتند آن هم یک شمشیر کهنه، اما با این حال بر امپراتوری ایران و روم غلبه کردند. عده پیشقراول روم شصت هزار نفر و دنبال آن هفتصد نفرند ۸۳۰ هزار نفر بودند. یکی از سرداران اسلام گفت که سی نفر با من بیایند تا با این شصت هزار نفر مقابله نمایم. ولی بر حسب تاریخ بنابراین شد که شصت نفر باشند که یک نفر مقابل هزار نفر بروند و بعد هم رفتند و پیروز شدند و این به این خاطر بود که ملائکه پشت سرشان بودند و خداوند به آنها توجه کرد. خداوند شما را موفق کند. [۱۷۵].

[ صفحه ۱۱۸ ]

### ایمان قرآنی غلبه دهنده بر ابرقدرتها

در صدر اسلام همین قرآن بود که مردم را تجهیز کرد و دو تا امپراتوری بزرگ را با یک عده معدود عربی که اسلحه نداشتند، هر چند تایشان یک شتر داشتند، هر چند تایشان یک شمشیر، آن هم آن شمشیرهای آن وقت در مقابل یک قدرتهایی که در آن وقت روم داشت و آن قدرتهایی که در آن وقت ایران داشت... اصحاب حضرت هم یک دسته‌شان که اصحاب صفه بودند آنهایی بودند که منزل هم نداشتند و می‌آمدند روی سکویی در آنجا می‌خوابیدند و زندگیشان همین بود. اینها را برداشت برد و آنها را از بین برد. این فقرا را، این مستضعفین را، اینهایی که درجه سه بودند و حتی خانه را نداشتند، حتی در جنگ یکی‌شان یک خرما وقتی پیدا می‌کرد دهن خودش می‌گذاشت و درمی‌آورد به دهن رفیقش می‌گذاشت و او درمی‌آورد و به دهن رفیقش و... یک خرما را این طوری دور می‌زدند، اینها بودند که پیغمبر تجهیز کرد و در جنگهای با قریش، آنها با همه بساطی که داشتند و اینها با همه فقر و فلاکتی که داشتند، لکن ایمان داشتند. [۱۷۶].

### غلبه معنویت بر مادیت

آن هم که در صدر اول است و بالاتر از همه به حسب نظامش هست، با سایرین در یک طبقه نشسته‌اند، با هم دوستند، رفیقند، صحبت می‌کنند و تفاهم دارند با هم و لهذا یک لشکر و یک ارتش، آن وقت که اسمش را نمی‌شد ارتش بگذارید یک عده عرب بودند که اینها چندتایشان یک شمشیر داشتند، چند تایشان یک اسب داشتند، اینها غلبه کردند بر این دو تا امپراتوری بزرگ که امپراتوری روم بود و ایران، بزرگترین امپراتورها آن وقت اینها بودند. این یک مثنی عرب

[ صفحه ۱۱۹ ]

از باب اینکه قوی بودند، ایمان داشتند و از ملت بودند و این طور نبود که بخواهند برای استفاده یک کاری بکنند، می‌خواستند خدمت بکنند اینها، در مقابل آنها ایستادند و از آن طرف با اینکه عدد زیاد بود و تجهیزات زیاد بود - و عرض می‌کنم که - اسبها کذا و زین اسب طلا و اینها لکن روحیه نداشتند، اینها را در یکی از جنگها می‌بستندشان در ذوالسلاسل دیگر، می‌بستند اینها را که مبادا فرار کنند، با زنجیر می‌آوردند که جنگ بکنند. عربها شمشیر را کشیده بودند و ریختند همه اینها را بین بردند و یک عدد کمی با تجهیزات ناقص، یعنی ناقص که نمی‌شود اصلا اسم تجهیزات روی آن بگذاری یک چند تا شمشیر و یک چند تا اسب و یک چند تا شتر و اینها برای اینکه روحیه اینها روحیه مادی بود، ضعیف، روحیه آنها روحیه معنوی بود و قوی. [۱۷۷].

### روحیه ایمانی مسلمانان عامل غلبه بر کفر

صدر اسلام هم یک دسته از اعرابی که نه نظامی داشتند و نه پرورش نظامی شده بودند و نه ساز و برگ داشتند، آنها از شما دستوری تر بودند، هر چند تایشان یک شمشیری با یک چیز خرما بند، بندشان بود لیفهای خرما، هر چند تایشان هم یک اسبی و یک شتری. وضع این طوری بود عدد هم بسیار کم... شصت هزار جمعیت را شصت نفر مؤمن، شصت نفر که برای خدا داشت کار می‌کرد این طلیعه را شکست دادند، اسباب این شد که این سی هزار جمعیت بر روم غلبه کرد. بر ایران هم که غلبه کرد، در صورتی که آنها همه چیز داشتند. آنها یراقهای اسبهایشان از قراری که گفتند

[ صفحه ۱۲۰ ]

طلا- بوده است لکن ایمان نداشتند، میانشان تهی بود. هر چه بود یک صورت بود، هر چه بود یک ساز و برگ بود اما میان تهی بود، این روحیه در آنها نبود که ما اگر بکشیم هم بهشت می‌رویم. اگر کشته بشویم هم بهشت می‌رویم، این روحیه در آنها نبود، در اینها بود و این روحیه غلبه کرد. [۱۷۸].

### غلبه ایمان بر اسلحه

در تاریخ دیدید که مسلمین صدر اسلام با یک عده کم اما مجتمع و با ایمان غلبه کردند. در ظرف کمتر از نیم قرن بر تقریبا معموره آن وقت غلبه کردند برای اینکه با هم بودند و اسلحه ایمان دست آنها بود. کی ما می‌خواهیم این اسلحه ایمان را - که کنار گذاشته شده است - به دست بگیریم و با این قدرتها با اسلحه ایمان مقابله کنیم؟ شما دیدید که یک ملتی که عددش کم و هیچ اسلحه نداشت و هیچ ابزار جنگی نداشت و هیچ نظامیگری نداشت ابزار ایمان داشت و با ابزار ایمان غلبه کرد بر یک قدرت شیطانی که همه قدرتها دنبال او بودند، نه همان ابرقدرتها، همه قدرتها دنبال او بودند. این قدرت ایمان بود که یک مشت مردم را که هیچ نداشتند غلبه داد، این همان قدرتی بود که در صدر اسلام با یک ابزار کم و یک عدد کم غلبه کردند بر روم با آن بساط بر امپراتوری ایران با آن همه ابزار و با آن چیز، آنها تهی بودند از ایمان و اینها دست پر بودند در ایمان، غلبه کردند. [۱۷۹].

[ صفحه ۱۲۱ ]

### ارتش با ایمان خدا پرست شکست ندارد

در این جنگهایی که از صدر اسلام واقع شده یک امور آموزنده است، خیلی امور آموزنده برای ماهاست. در یکی از افرادی که به حسب تاریخ یک فرد با یک فرد دیگری مقابل شده بود، آن طرف که دشمن بود نیزه را زد به سینه یا شکم این مسلمان از آن طرف بیرون و او توی این نیزه دوید و او را کشت، یعنی نیزه تو شکمش بود فشار داد و همان تو نیزه آمد اینجا رسید و او را کشت. در یک جنگ قلعه‌ای که قلعه داشتند آنها، مسلمین بیرون قلعه بودند و آنها در داخل قلعه می‌خواستند این می‌خواستند اینها فتح کنند آن قلعه را، راه نبود درها بسته و دیوارها بلند، یکی‌شان داوطلب شد که من روی سپر می‌نشینم سپر و نیزه‌ها را بگذارید زیرش و بلند کنید تا من برسم به دیوار، من می‌روم تو این قلعه و راه را باز می‌کنم. همین کار را کردند، رفت آن طرف و در عین حالی که اهل قلعه هم، خوب، افرادی بودند، قلعه را باز کرد. وقتی روحیه قوی باشد، اعتماد به خدا داشته باشد، وقتی یک جمعیتی به خدا اعتماد داشته باشد این جمعیت پشتوانه‌اش خداست و جمعیتی که پشتوانه‌اش خداست شکست ندارد. [۱۸۰].

### اعتقاد به معاد منشأ پیروزی

این قوه ایمان است یعنی یک مؤمنی که اگر بکشد، بهشت می‌رود و از اینجا بهتر است و اگر کشته بشود، بهشت می‌رود و از اینجا بهتر است، با یک همچو حربه‌ای که حربه ایمان است. این دیگر ترسی از این ندارد که کشته بشود. این شهادت را برای خودش یک سعادت می‌داند. آنهایی که مقابل شما هست، برای دنیا

[ صفحه ۱۲۲ ]

می‌زنند، آنهایی که اعتقاد به ماورای طبیعت ندارند، اعتقاد به قیامت ندارند، اعتقاد به بهشت و جهنم ندارند، آنها برای همین دنیاست، می‌خواهند دنیایشان درست بشود. خوب کسی که می‌خواهد دنیایش درست بشود، اگر بمیرد، هیچ این نمی‌تواند بزند تا آنجایی که بمیرد، این می‌خواهد هی خودش را حفظ کند که غلبه کند و دنیایش چه بشود. اما این آدمی که برای خدا، این آدمی که برای مقصد الهی قدم برمی‌دارد و وارد میدان می‌شود، این آدم برای دنیا نیست تا اینکه لرزه‌ای در قلبش بیاید، این برای خداست. شما الآن که مهیا هستید و رفقای شما، دوستان شما و آنهایی که تربیت می‌خواهند بشوند به این تربیت اسلامی، به این تربیت نظامی، اینها این حربه اسلام که، سلاح اسلام که عبارت از ایمان است، باید به این هم مجهز بشوند و اگر به این مجهز شدند، این، طرفشان را می‌ترساند. [۱۸۱].

### سلاح معنوی رمز پیروزی

سر پیشرفتی که در صدر اسلام شد این است که سربازان اسلام با تعداد کمی که داشتند در مقابل تعداد زیادی از سربازان دشمن که یکی ایران و یکی روم بود و بسیار هم مجهز بودند، ایستادند و پیروز شدند، زیرا سلاح معنوی داشتند، یعنی اعتقادشان بر این بود که ما اگر برویم و کشته شویم، باز هم سعادت‌مند هستیم و اگر بکشیم هم ما سعادت‌مندیم. [۱۸۲].

[ صفحه ۱۲۳ ]

## پیروزی ایمان بر تجهیزات بی‌ایمان

لشکر روم و ایران را عده‌ای از اهل ایمان با سلاحهای شکسته و با تجهیزات کمشان و تعداد قلیلشان شکست داده‌اند. [۱۸۳].

### امداد غیبی در لشکر اسلام

در صدر اسلام هم یک عده قلیل را بر عده‌ای کثیر پیروز کرد و همچو رعبی در قلبها انداخت که نتوانستند مقاومت کنند در مقابل سی هزار جمعیت عرب که هر چند تایشان یک شمشیر داشت و هر چند تایشان یک شتر داشت و آنها هفتصد هزار جمعیت بودند که شصت هزارشان طلیعه بود و غلبه کردند اینها بر آنها، چه بود؟ این جز این بود که یک دست غیبی در کار است؟! نباید بیدار بشوند آنهایی که توجه به معنویات ندارند و به این غیب ایمان نیاورده‌اند؟ نباید بیدار بشوند؟ [۱۸۴].

### جانبازی به خاطر ایمان

اسلام را اگر بشناسند و بفهمند این اسلام چی هست و یک قدری تاریخ اسلام و قضایایی که در صدر اسلام واقع شد، شما ببینید در یک جنگی که واقع شده است وقتی که یک قلعه‌ای را بسته بودند و کفار در آن نشسته بودند و خوب، آن وقت هم که وسایلی نبود که بروند بالا و بمباران کنند باید این قلعه فتح بشود، خوب، دیوارهای بلند و کذا. یکی از سردارهای اسلام گفت که: نیزه‌ها را زیر سپر بگذارید من می‌نشینم روی سپر، من را بالا کنید تا بروم به

[ صفحه ۱۲۴ ]

دیوار برسم می‌روم آنجا با آنها در داخل جنگ می‌کنم، در را باز می‌کنم. یک نفر برای یک جمعیتی که یک قلعه را داشتند همین کار را کردند، این نیزه‌ها را زیر سپر گذاشتند او نشست روی سپر با این نیزه‌ها بلند کردند تا به برج رسید، به دیوار رسید آن شخص رفت در آن جا و جنگ کرد و در را باز کرد. این اسلام است که این کار را می‌کند، این ایمان است که این کار را می‌کند. [۱۸۵].

### ایمان و وحدت رمز پیروزی

صدر اسلام اسلحه و مهمات غلبه نکرد بر دو تا امپراتوری به آن عرض و طول، برای اینکه اسلحه نداشتند مسلمین، هر چند تایشان یک شتر داشتند، چند تایشان یک اسب، شاید در همه لشکرشان چند تا اسب بود، شمشیر کندی یا تیزی. آن طرف چه امپراتوری ایران و چه امپراتوری روم دارای همه چیز بودند تمام ساز و برگهای جنگی که در آن وقت در اختیار آنها بود مجهز به همه‌ی جهازهای جنگی بودند، لکن فقط یک چیز را نداشتند و آن ایمان، چون ایمان نداشتند باید در بعضی از جنگها آنها را امر می‌کردند که ببندند به هم این ارتش خودشان را که فرار نکنند، با زنجیر اینها را به هم می‌بستند از قراری که در تاریخ هست و می‌آوردند در جبهه جنگ. امروز هم برادرها شما بدانید این را که مخالفین ما همه چیز دارند الا ایمان و شما ایمان دارید که فوق همه چیز است و بحمدالله همه چیز هم دارید. [۱۸۶].

[ صفحه ۱۲۵ ]

## ایمان و تعهد مؤمنین عامل پیروزی

در صدر اسلام جناح مؤمنین با ساز و برگ اندک و ایمان و تعهد بسیار بر جناحهای کفر مجهز به همه نوع ساز و برگ فراوان روز و قدرتهای شیطانی پیروز گردیدند. [۱۸۷].

## فتح جبهه‌ها با تکبیر اهل ایمان

فرق است ما بین یک جمعیتی که در شبی که فردا برای او خطر است و می‌خواهد به لشکر کفر هجوم ببرد به مناجات خدا می‌ایستد با آن کسانی که وقتی که می‌خواهند به جنگ بیایند اول با فشار است و بعد هم که محال آنها را می‌بینند آلات لهو و لعب در آنجا هست. فرق است ما بین آنهایی که برای خدا قیام کرده‌اند و آنهایی که برای طاغوت. شما در راه خدا دارید جنگ می‌کنید و این علامت ایمان شماس است و آنها در راه طاغوت دارند جنگ می‌کنند و این علامت کفر آنهاست. مادامی که این مطلب در بین شما باقی است - توجه به خدا و یاری خواستن از مبدأ قدرت - شما قدرتمند هستید.

شما را این وحدت کلمه در زیر سایه توحید و در زیر پرچم اسلام به این فتحها و پیروزیها می‌رساند. این تکبیرهایی که در شبی که برای شهادت کمر بستید می‌گویید، اینها پشتیبان شماس است. جنود غیبیه همان طور که در صدر اسلام پشتیبان لشکر اسلام بود و آن لشکر کوچک اسلام بر لشکر روم با آن بساط و بر لشکر ایران آن وقت با آن بساط غلبه کرد. به واسطه آن تأییدات غیبی و ملائکه الهی بود. شما امروز همان وضعیت را دارید برای خدا قیام کردید و مقابل مستکبرین و مقابل کفار و مطمئن باشید که جنود غیبیه با شماس و هر یک شما در مقابل چندین نفر از آنها می‌تواند عرض اندام کند.

[ صفحه ۱۲۶ ]

شما می‌دانید که تمام کشورها تقریباً پشتیبان صدامند و به او هم پول می‌رسانند و هم اسلحه می‌رسانند و هم نفرات می‌فرستند بسیاریشان، و ما بحمدالله نه احتیاج به پول دیگران داریم و نه احتیاجی به پرسنل دیگران داریم و نه احتیاج به تأیید دیگران. ما که اتکایمان به خداست از کی تأیید بخواهیم؟ ما که اتکایمان به مبدأ غنی مطلق است از کی خواستار جهات مادی بشویم؟ ما که با تکبیر این جبهه‌ها را فتح می‌کنیم از کی بخواهیم که با ما همراهی کند؟ ما از خدا می‌خواهیم. ما از خدا می‌خواهیم که با آن جنود غیبیه که دارد و با آن ملائکه الله که هست به ما کمک بفرماید و می‌فرماید، لکن شرط این است ما به عهد خود باقی باشیم، عهدی که با اسلام داریم، حفظ اسلام، حفظ کشور اسلامی، حفظ نوامیس اسلامی. ما باید این توجه را هیچ وقت از خود بیرون نکنیم، از مغز خود بیرون نکنیم که ما بندگان خدا هستیم و در راه او و در سبیل او حرکت می‌کنیم و پیشروی می‌کنیم. اگر شهادت نصیب شد سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد سعادت است. [۱۸۸].

## در نبرد، نیت میزان است

خود شمشیر فی نفسه چیزی نیست، شمشیر حضرت علی ابن ابیطالب با شمشیر ابن ملجم یک شمشیر، یک جور بودند، شاید شمشیر او تیزتر هم بود لکن او که این شمشیر را به کار می‌برد این میزان است. آنکه یک ضربت را با عبادت ثقلین مساوی می‌داند و افضل، با آن ضربتی که همین موجودی که یک ضربتش افضل از عبادت ثقلین است به خاک و خون می‌کشد، آن میزان است، آن

که

[ صفحه ۱۲۷ ]

ضربت‌ها را وارد می‌کند میزان است. [۱۸۹].

### رعب خداوند در دل دشمنان

در صدر اسلام خدا یک قسم از چیزهایی که پیروز می‌کرد کشور اسلامی را، همین بود که رعب در دل مقابلین آنها القا می‌فرمود. [۱۹۰].

### ننگ درخواست از غیر خدا

فرق ما بین یک دولت اسلامی و یک ارتش اسلامی، با یک دولت غیر اسلامی و ارتش غیر اسلامی، این است که اینها اگر چنانچه خدای نخواستہ شکست هم بخورند، دستشان را پیش دیگری دراز نمی‌کنند، اینها عار این را که به دیگران بگویند بیاید و به ما کمک کنید، تحمل نمی‌کنند، اینها مسلمند اینها پیش خدا و به درگاه خدا دست دراز می‌کنند و کسی که به پیشگاه خدا دست خودش را دراز کرد همه را پشت سر می‌گذارد. [۱۹۱].

[ صفحه ۱۲۸ ]

### رزمندگان پیروان حضرت ابراهیم

اینهایی که پیش می‌برند برای اینکه اینها دنبال حضرت ابراهیم - سلام الله علیه - هستند، اینها لبیک گفتند به حضرت ابراهیم - سلام الله علیه. آنها که می‌خواهند پیش ببرند چی می‌گویند؟ آنها به عفلق [۱۹۲] گفتند، خوب، نمی‌شود یک کسی که به عفلق چیز می‌کند، لبیک می‌گوید یا به کسی که به ابراهیم - خلیل الله - لبیک می‌گوید، اینها یک جور باشند. این است که آنها فراری هستند و اینها اگر چنانچه یقوت اقتضا بکند تا هر جایی که صلاح باشد خواهند رفت. [۱۹۳].

### صعود به قله ایمان

اینان آیا ندیده‌اند که در ظرف مدت کوتاهی جوانان غیور ایران در سایه‌ی معنویت اسلام از پرتگاه‌هایی که قدرت‌های نفتخوار و مفتخوار برای سقوط آنان ایجاد کرده بودند به صورتی معجزه آسا نجات یافته و به قله‌ی بلند ایمان و تعهد به اسلام صعود نموده‌اند و با شجاعت و شهامت کم نظیر بر کفر جهانی و عفلقیان تاخته و آنان را از کشور عزیز خود بیرون رانده‌اند. [۱۹۴].

### شهادت طلبی

### شهادت اولیا در جنگها

زمان پیغمبر هم این طور بود. پیغمبر هم وقتی که یک حکومتی را می‌خواست کنار بزند، این کفار قریش را می‌خواست کنار بزند،

[ صفحه ۱۲۹ ]

خوب جنگ‌ها را کرد و در یک جنگ‌هایی موفق شد و در یک جنگ‌هایی هم شکست خورد و آدم کشته شد و اشخاص بزرگ مثل عموی پیغمبر [۱۹۵] مثلاً کشته شد، در جنگ چیز [۱۹۶] عمار یاسر کشته شد، آن مرد بزرگوار، آن قدر کشته دادند. در این اصل هیچ اشکالی برای ما نیست که ما کشته می‌دهیم. [۱۹۷].

### شهادت راه انبیا و اولیاست

اسلام عزیزتر از آن است که ما خوف داشته باشیم که خودمان یا جوانانمان در راه او شهید شود، اسلام شهیدان زیاد داشته است امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - شهید اسلام است و برای اسلام شهادت پیدا کرد. حسین بن علی - سلام الله علیه - در راه اسلام شهید شد. ما باکی از شهادت نداریم، ما باکی از کشته دادن نداریم. [۱۹۸].

### داوطلبی برای شهادت

آنی که ما پیش بردیم همین بود، اینطور روحیات بود که برای شهادت داوطلب بودند، یعنی از مرگ نمی‌ترسیدند. همان طوری که صدر اسلام هم پیشرفت مسلمین همین بود، ما بسیار اشخاص ارزنده را از دست دادیم لکن چون برای اسلام بود ان شاء الله روح

[ صفحه ۱۳۰ ]

همه‌ی آنها شاد است و همه‌ی آنها در سعادت و تحت لوای خدای تبارک و تعالی هستند. [۱۹۹].

### استقبال از شهادت

این معنایی که در صدر اسلام هم بوده است که اصحاب پیغمبر - برای شهادت - استقبال شهادت می‌کردند، برای شهادت به هم پیشی می‌گرفتند، اصحاب حضرت سیدالشهدا برای شهادت استقبال می‌کردند، پیشی می‌گرفتند، این روی همین ایمان راسخ بوده است مکه شهادت این مطلبی نیست که انسان بکلی از بین برود تا این که دیگر غیر از این خبری نباشد. [۲۰۰].

### فوز دانستن شهادت

همان طوری که در صدر اسلام جنگجویان اسلام می‌گفتند ما اگر بکشیم بهشت است و اگر کشته بشویم بهشت است، شهادت را برای خودشان فوز می‌دانستند، در ملت ما پیدا شده. به دست کی؟ به دست خدا، مگر امکان دارد که یک بشری، یک انسانی، افرادی بتوانند این کارها را بکنند. این تحول امکان ندارد، خدا کرد این کار را. مسلمانها چه وقت می‌خواهند که یک همچو روحیه‌ای پیدا بکنند که شهادت را برای خودشان فوز بدانند و بایستند مقابل اشخاص خائن، و خیانتکار را سر جای خود بنشانند.

[۲۰۱].

[ صفحه ۱۳۱ ]

### تحول ملت ایران به شهادت طلبی

ایران متحول شده بود به یک ملت صدر اسلامی، یک جوانهایی مثل جوانهای صدر اسلام که شهادت را برای خودشان فوز می‌دانستند می‌گفتند شهید هم بشویم سعادت‌مندیم. مسأله این بود و مسأله این هست. [۲۰۲].

### اعتقاد به کشتن و کشته شدن

سربازهای صدر اسلام که می‌گفتند که ما جنگ می‌کنیم کشته شویم نفع با ماست و بکشیم هم نفع با ماست، اینها را این جوری کرده بودند. [۲۰۳].

### سیدالشهدا احیاگر اسلام

در کشتن حضرت سیدالشهدا هیچ اشکال نبود برای اینکه مکتب را داشتند آنها را از بین می‌بردند و شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید شد مکتب اسلام زنده شد و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد و سیدالشهدا هم چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوده می‌کنند با اسم خلافت اسلام، خلافتی می‌کنند و ظلم می‌کنند و این منعکس می‌شود در دنیا که خلیفه‌ی رسول الله است دارد این کارها را می‌کند، حضرت سیدالشهدا تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند و محو کنند آثار معاویه و پسرش را. پس کشتن، شهادت سیدالشهدا چیزی نبود که برای اسلام ضرر داشته باشد. نفع داشت برای اسلام، اسلام را زنده کرد. [۲۰۴].

[ صفحه ۱۳۲ ]

### تعهد اسلامی سبب پیروزی

اسلام در صدر اول با یک جمعیت کمی و با یک دست خالی که هیچ ساز و برگ جنگی نداشتند قریب نیم قرن گذشت و معموره را فتح کردند، و چه شد که مسلمین بعدها با اینکه جمعیت‌هایشان خیلی زیاد و ساز و برگ جنگی هم دارند و از حیث ذخایر هم غنی هستند و مع ذلک همه چیزشان را از دست داده‌اند. این چه شد که آنها آن طور و ما این طور. علت این است که در صدر اسلام افرادی که با رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - بیعت کرده‌اند و بودند، اینها افراد کمی بوده‌اند لکن متعهد به مسلک خودشان و معتقد به اسلام و برای آنها طرح نبود اینکه زندگی بکنند ولو با هر ذلت و زحمت، اینها شهادت را برای خودشان سعادت می‌دانستند و این روحیه که در آنها بود آنها را غلبه داد بر روم و ایران دو امپراتوری بسیار بزرگ، که آن دو امپراتوری روم و ایران هر دو قویتر از حلالی این دو معموره است و بعدها مسلمین کم کم آن قدرت ایمان را از دست دادند و وارد شدند در شئون دنیا و دلبستگی به همین مادیات... همان روحیه که در صدر اسلام بود و مسلمین دنبال شهادت می‌رفتند، جنگ می‌رفتند و اگر از جنگ برمی‌گشتند شاید پیش خودشان معلوم بود، این تا یک حدودی در ایران پیدا شد به طوری که جوانهای برومندی که اول جوانی‌شان بود و هست چه در آن وقتی که من نجف بودم و چه حالا که ایران هستم و چه قبل از این پیروزی و چه بعد، اینها از من



می‌خواهند که دعا کنم شهید بشوند و جدا دعا می‌خواهند و بعضیها تأسف می‌خورند، اظهار تأسف می‌کنند که ما نشدیم. [۲۰۵].

[ صفحه ۱۳۳ ]

### شهادت برای حفظ اسلام

در صدر اسلام، سی‌هزار تاشان یک روم و یک ایران را به هم کوبید و - عرض کنم که - فتح کرد. آنها هم برای همین بود که اسلام را سعادت می‌دانستند، چه زنده باشند چه نباشند، شهادت را برای خودشان زندگی ابدی می‌دانستند. [۲۰۶].

### فتح و پیروزی با شهادت طلبی

صدر اسلام با یک همچو روحیه‌ای که شهادت را می‌خواستند، آن طور پیشرفت کردند و در نیم قرن تقریباً معموره را، معموره دنیا را، دنیای متمدن آن وقت را فتح کردند و الا عددشان، یک عده‌ای بودند حجازی و نه فنون جنگی به آن معنای مدرنش را که روم و ایران می‌دانستند، می‌دانستند و نه ابزارش را داشتند، ابزار که هیچ نداشتند حتی هر چه نفرشان یک شتر، هر چند نفرشان یک شمشیر، یک بندی از چیز خرما، لیف خرما درست کرده بودند شمشیر را با آن بند بسته بودند اینجا. لکن روح، روح الهی بزرگ بود. [۲۰۷].

### فداکاری در راه قرآن

صدر اسلام پیغمبر اکرم شاهد شهدای بسیار بزرگ بوده است و حضرت امیر - سلام الله علیه - هم شهید شد و هم شاهد شهدای بزرگ بود. بعد از او هم حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - هم شهید شد و هم شاهد شهدای بزرگ بود. اسلام همیشه از این فداییها داشته است و قرآن کریم که به همه ما و به همه بشر حق دارد سزاوار است که ما در راه او فداکاری کنیم. [۲۰۸].

[ صفحه ۱۳۴ ]

### تقدیم شهدای بزرگ

اسلام از این شهدا و بالاترین شهید در راه هدف تقدیم کرده است. اسلام مثل خود رسول اکرم و مثل امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - و ائمه معصومین و علمای بزرگ در طول تاریخ را فدای این راه و هدف نموده، چه باک از اینکه این فرزندان اسلام که شهادت برای آنها افتخار و برای ملت ما افتخار آفرین است از دست بدهد. اگر میزان هدف است و اگر میزان اسلام است و پیاده کردن احکام قرآن است. این هدف به جای خودش هست و هر یک از اینها که شهید بشوند با آنکه بر ما ناگوار است لکن برای هدف مفید است. [۲۰۹].

### رزمندگان پیروان سیدالشهدا

قوای مسلح پیروان شهید جاویدی هستند که تاریخ می‌گوید هر یک از جوانان و یاران او که به شهادت می‌رسیدند، رخسار

مبارکش افروخته‌تر و آثار شجاعت و تصمیم در او بارزتر می‌گردید و یادگار شجاعان صدر اسلام هستند که پرچم از دست هر یک از فرماندهان می‌افتاد دیگری پرچم را می‌گرفت و به رزم در راه هدف ادامه می‌داد. [۲۱۰].

### پیروزی خون بر شمشیر

اشتباهشان در همین است که خیال می‌کنند زیادی جمعیت و زیادی اسلحه کار انجام می‌دهد و نمی‌دانند که آن چیزی که کار را

[ صفحه ۱۳۵ ]

انجام می‌دهد بازوی قوی افراد است. افراد کم با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاء الله، اینهاست که پیروزی می‌آورد. پیروزی را شمشیر نمی‌آورد پیروزی را خون می‌آورد. پیروزی را افراد و جمعیت‌های زیاد نمی‌آورد پیروزی را قدرت ایمان می‌آورد «ما اکثر الضجیح و اقل الحجیح» [۲۱۱] حاجی خیلی می‌رود به مکه، لکن آنکه حج الهی را به جا می‌آورد، آن کم است. [۲۱۲].

[ صفحه ۱۳۹ ]

## احکام فقهی جنگ و دفاع

### دفاع فردی

#### دفع تجاوز به اندازه‌ی توان

مسئله ۱- اشکالی نیست که انسان حق دارد محارب و مهاجم و دزد و مانند اینها را از خود و حریم و مالش هر اندازه که می‌تواند، دفع نماید. [۲۱۳].

#### دفاع به هر وسیله ممکن

مسئله ۲- اگر دزد یا غیر دزد بر شخصی در خانه‌اش یا غیر خانه‌اش، هجوم آورد تا ظالمانه او را بکشد، بر او واجب است به هر وسیله ممکن (از خود) دفاع نماید، ولو اینکه به قتل مهاجم، منجر شود و تسلیم شدن و پذیرفتن ظلم برایش جایز نیست. [۲۱۴].

[ صفحه ۱۴۰ ]

#### مقابله تا حد کشته شدن مهاجم

مسئله ۳- اگر به متعلقین کسی از قبیل پسر یا دختر یا پدر یا برادر یا بقیه کسانی که به او تعلق دارند حتی خدمتگذار مرد و زن او، هجوم آورد که ظالمانه او را بکشد جایز بلکه واجب است از او دفاع کند ولو اینکه به کشته شدن مهاجم منجر شود. [۲۱۵].

**دفع مهاجم ولو به کشته شدن او**

مسئله ۴- اگر به حریم او - زوجه‌اش باشد یا غیر او - هجوم برد که تجاوز نماید دفع او با هر وسیله‌ای که ممکن است واجب می‌باشد ولو به کشته شدن مهاجم منتهی شود، بلکه اگر به عرض حریم به کمتر از تجاوز، هجوم آورد، ظاهراً وظیفه همین است. [۲۱۶].

**دفاع از مال ولو به قتل مهاجم**

مسئله ۵- اگر به مال او یا مال عیالش هجوم آورد، دفع او به هر وسیله‌ای ممکنی برایش جایز است ولو اینکه به قتل مهاجم، منتهی شود. [۲۱۷].

**دفاع و رعایت مراتب**

مسئله ۶- در تمام آنچه ذکر شد بنابر احتیاط واجب است که از مرتبه‌ی پایین‌تر اقدام به دفاع کند و به مرتبه‌ی شدیدتر از آن برسد، الا سهل فلا سهل؛ پس اگر با آگاه نمودن و یک نوع اختطاری، مانند احاح نمودن مثلا، دفع می‌شود باید همان را انجام دهد، و اگر جز با داد زدن و تهدید ترس آور، دفع نمی‌شود باید همین کار را انجام داده

[ صفحه ۱۴۱ ]

و به آن اکتفا نماید. و اگر به جز با دست دفع نمی‌شود باید به آن اکتفا نماید. و یا با عصا دفع می‌شود به آن اکتفا نماید. و یا به شمشیر دفع می‌شود، در صورتی که دفع او، با ایجاد جراحت در او ممکن باشد باید به همان اکتفا نماید. و اگر دفع او جز با کشتن ممکن نیست به هر وسیله‌ی کشنده، (قتل او) جایز است و البته مراعات تربیت در صورتی واجب است که ممکن باشد و فرصت داشته باشد و ترسی از غلبه‌ی مهاجم نباشد، بلکه اگر با رعایت ترتیب، ترس فوت وقت و غلبه دزد داشته باشد، (رعایت ترتیب) واجب نیست و وسیله قرار دادن چیزی که قطعاً او را دفع می‌نماید جایز است. [۲۱۸].

**نقص مالی و بدنی بر مهاجم**

مسئله ۷- اگر از حد لازم تجاوز نکند و بر مهاجم نقص مالی یا بدنی یا قتل واقع شود، هدر می‌باشد و ضمانتی بر فاعل نیست. [۲۱۹].

**اقدام اضافه‌تر از حد دفاع**

مسئله ۸- اگر از آن حدی که به نظر خودش، و واقعا در دفع او کافی است تجاوز کند، بنابر احتیاط ضامن می‌باشد. [۲۲۰].

**نقص عضو مدافع**

مسئله ۹- اگر بی‌واسطه یا با واسطه از طرف مهاجم نقصی بر مدافع، واقع شود، (مهاجم) ضامن جرح یا قتل یا مال و مانند آن می‌باشد. [۲۲۱].

[ صفحه ۱۴۲ ]

### دفاع در برابر هجوم منجر به قتل

مسئله ۱۰- اگر بر او هجوم آورد که او را به قتل برساند، یا بر حریمش هجوم کند واجب است دفاع نماید ولو اینکه بداند که کشته می‌شود، چه رسد به اینکه کمتر از کشته شدن باشد، و چه رسد به اینکه گمان یا احتمال (کشته شدن را) بدهد. و اما (دفاع در رابطه با) مال واجب نمی‌باشد؛ بلکه احوط آن است که در صورت احتمال قتل - چه رسد به اینکه آن را بداند - تسلیم شود. [۲۲۲].

### فرار برای دوری از کشتار

مسئله ۱۱- اگر با فرار و مانند آن خلاصی از کشتار ممکن باشد احتیاط آن است که با فرار تخلص پیدا کند. بنابراین اگر به حریم او هجوم آورد و به یک نحوی غیر از کشتار، خلاصی ممکن باشد، احتیاط تخلص به همان نحو است. [۲۲۳].

### وجوب مقاتله در برابر هجوم

مسئله ۱۲- اگر به هدف قتل او یا حریمش هجوم بیاورد مقاتله با او واجب است ولو اینکه بداند که مقاتله در دفع او فایده‌ای ندارد؛ و برای شخص، تسلیم او شدن جایز نیست چه رسد به اینکه گمان یا احتمال دفع او را بدهد. و اما در رابطه با مال واجب نیست بلکه احوط ترک آن است. [۲۲۴].

[ صفحه ۱۴۳ ]

### شک در قصد هجوم مهاجم

مسئله ۱۳- بعد از آن که ولو با قرائنی که موجب اطمینان باشد، محقق شد که مهاجم قصد هجوم به او را دارد، بدون اشکال برایش جایز است دفاع نماید، و آیا با گمان یا احتمالی که موجب خوف است، (دفاع) جایز است (یا نه)؟ ظاهر آن است که هر گاه بر فرض قصد او به خاطر شجاعت و قدرتی که دارد و یا به خاطر آنکه (تمام راههای دفاع بسته نیست و) به یک نحوی دفاع برایش ممکن است، ایمن از ضرر او باشد، (با صرف گمان و احتمال، دفاع) جایز نیست، و اگر ایمن از ضرر او نیست، دفاع دارای اشکال می‌باشد. [۲۲۵].

### اشتباه در قصد مهاجم

مسئله ۱۴- اگر احراز کند که مهاجم قصد خود این شخص یا عرض یا مالش را نموده و دفاع کند و ضرری به او برساند یا جنایتی بر او وارد کند سپس معلوم شود اشتباه کرده، ضامن می‌باشد اگر چه گناهکار نیست. [۲۲۶].

## دفاع ولو به غرض دیگری

مسئله ۱۵- اگر دزد یا محاربی قصد هجوم به او نماید و این شخص به خلاف آن معتقد باشد. سپس بر او حمله کند نه به خاطر دفاع بلکه برای غرض دیگری، ظاهر این است که ضامن نمی‌باشد ولو اینکه او را بکشد، اگر چه تجردی کرده است. [۲۲۷].

[ صفحه ۱۴۴ ]

## مهاجم ضامن خسارت وارده

مسئله ۱۶- چنانچه دو نفر دزد یا مانند آنها بر همدیگر حمله نمایند، پس اگر یکی از آنها هجوم آورد و دیگری مدافع باشد شخصی که ابتدا هجوم آورده است ضامن می‌باشد و مدافع ضامن نیست گرچه چنان باشد که اگر او شروع نمی‌کرد این شروع می‌نمود. و اگر هر دو هجوم بیاورند ظاهر آن است که اگر هر کدام جنایتی بر طرفش وارد کند، ضامن است و اگر یکی از آنها خودداری کند و دیگری هجوم بیاورد و جنایتی بر او وارد سازد ضامن می‌باشد. [۲۲۸].

## ضرر رساندن به مهاجم

مسئله ۱۷- اگر دزد و مانند او بر او هجوم آورد لیکن بداند که او به خاطر مانعی - مانند نهر یا دیوار - نمی‌تواند آنچه را که قصد کرده، اجرا نماید، باید از او خودداری کند و ضرر رساندن به او به صورت جراحت یا جان (و کشتن) و یا غیر آنها جایز نیست، و اگر به او ضرر برساند ضامن است. و همچنین است اگر نتوانستن مهاجم به خاطر ضعفش باشد. [۲۲۹].

## اگر هجوم کننده پشیمان گردد

مسئله ۱۸- اگر به او هجوم آورد و قبل از رسیدن به او پشیمان شود و اظهار ندامت کند هیچ گونه ضرر رساندن به او جایز نیست، و اگر ضرر برساند ضامن است ولی اگر بترسد که این اظهار ندامت، حيله باشد و بترسد که اگر او را مهلت دهد فرصت از دست برود،

[ صفحه ۱۴۵ ]

بعید نیست که جایز باشد؛ لیکن اگر مهاجم راست گفته باشد، مدافع ضامن می‌باشد. [۲۳۰].

## دفاع از روبرو و پشت سر

مسئله ۱۹- اگر محارب و مانند او، رو به این شخص باشد در صورت امکان با مراعات ترتیب کما اینکه گذشت، دفاع جایز می‌باشد و اگر پشت به او کرده، روگردان است ضرر وارد کردن به او جایز نیست و واجب است که از او خودداری نماید؛ پس اگر به او ضرر برساند ضامن می‌باشد. [۲۳۱].

## دفاع در نیرنگ مهاجم

مسئله ۲۰- اگر پشت کردن او به خاطر آماده کردن نیرو است در صورتی که آن را بداند یا اطمینان داشته باشد، دفع او جایز است. و اگر معلوم شود اشتباه کرده، آنچه را که ضرر رسانده است ضامن می‌باشد. [۲۳۲].

### احراز هجوم مهاجم

مسئله ۲۱- اگر گمان کند یا احتمال عقلایی بدهد که پشت کردن او به خاطر آماده کردن نیرو است، و به همین جهت بر خود یا عرضش بترسد؛ و همچنین بترسد که اگر او را مهلت دهد وقت دفاع (و فرصت) از دست برود مهاجم در صورت تجهیز نیرو، بر او غلبه می‌کند، ظاهر این است که - به شرط اینکه در صورت امکان ترتیب

[ صفحه ۱۴۶ ]

را رعایت کند -، دفع او جایز است، و اگر معلوم شود اشتباه کرده است در صورتی که موجب ضمان را انجام داده باشد، ضامن می‌باشد. و در مورد مال، مخصوصاً در مانند جرح و قتل، احتیاط ترک آن است. [۲۳۳].

### قتل و جرح دزد دستگیر شده

مسئله ۲۲- اگر دزد یا محارب را بگیرد و او را ببندد یا او را بزند و از قصدش معطلش کند، اضرار به او با زدن یا قتل یا جرح، جایز نیست و اگر چنین کرد ضامن است. [۲۳۴].

### کمک گیری برای دفع مهاجم

مسئله ۲۳- اگر دفع مهاجم برایش ممکن نباشد در مورد ترس بر جان یا عرض واجب است از دیگری کمک بخواهد ولو اینکه ظالم بلکه کافر باشد؛ و در مورد مال (کمک خواستن) جایز است. [۲۳۵].

### کمک خواستن از ظالم در دفاع

مسئله ۲۴- اگر بداند آن شخص ظالمی که از او جهت دفاع از خود یا عرضش کمک می‌خواهد، از حد لازم دفاع تجاوز می‌کند، کمک خواستن از او جایز بلکه واجب است؛ و در صورت جمع بودن شرایط، (نهی از منکر) باید او را از تعدی نهی کند. پس اگر از آن حد تجاوز کرد، خود ظالم ضامن می‌باشد. ولی اگر دفع مهاجم،

[ صفحه ۱۴۷ ]

به غیر کمک خواستن از ظالم ممکن باشد، توسل به او جایز نیست. [۲۳۶].

### ضمانی بر قطع عضو مهاجم

مسئله ۲۵- اگر مدافع در حالی که دزد به او رو آورده، او را بزند و عضوی از او را قطع نماید و دفاع متوقف بر آن باشد، ضمانی

در آن بر او نیست و نه در سرایت آن گر چه به مرگ منتهی شود (ضامن نمی‌باشد). و اگر دزد بعد از کتک خوردن به منظور خلاص شدن و فرار پشت به او کند. واجب است که از او خودداری شود، پس اگر او را بزند و مجروح سازد یا عضوی از او را قطع نماید یا او را به قتل برساند، ضامن می‌باشد. [۲۳۷].

### نقص عضو مهاجم در حال فرار

مسئله ۲۶- اگر مدافع یک دست مهاجم را در وقتی که رو به او است قطع کند و دست دیگرش را در حال پشت کردن (و فرار) قطع نماید و جراحت هر دو دست بهبود پیدا کنند، در مورد دست دوم قصاص ثابت است، و اگر جراحت دست دوم خوب شود ولی جراحت دست اولی سرایت کند، سرایت آن ضامن نمی‌آورد، و اگر دست اول خوب شود و دومی سرایت کند و بمیرد، قصاص در جان ثابت است. [۲۳۸].

[ صفحه ۱۴۸ ]

### دفاع جمعی

#### دفاع با بذل مال و جان

مسئله ۱- اگر دشمنی که از او براساس اسلام و اجتماع مسلمین ترس باشد، بلاد مسلمین و یا مرزهای آن را مورد هجوم قرار دهد، بر مسلمانها واجب است که از آن به هر وسیله‌ای که ممکن است با بذل مال و جان، دفاع نمایند. [۲۳۹].

#### اذن در دفاع

مسئله ۲- این دفاع مشروط به حضور امام - علیه‌السلام - و اذن او و اذن نایب خاص یا عام او نیست، پس بر هر مکلفی بدون هیچ قید و شرطی واجب است به هر وسیله‌ای که باشد، دفاع نمایند. [۲۴۰].

#### دفاع از بلاد مسلمین

مسئله ۳- اگر ترس تسلط بیشتری بر بلاد مسلمین و توسعه‌ی استیلا و گرفتن بلاد آنها یا اسیر نمودن آنها باشد دفاع به هر وسیله‌ای که ممکن است واجب می‌باشد. [۲۴۱].

#### وجوب دفاع منفی در برابر دشمن

مسئله ۴- اگر بر قلمرو اسلام از استیلا‌ی سیاسی و اقتصادی که منجر به اسارت سیاسی و اقتصادی مسلمین و مرهون شدن اسلام و مسلمین و ضعیف شدن آنها می‌شود، ترس باشد، با

[ صفحه ۱۴۹ ]

وسایله‌های مشابه و مقاومتهای منفی، دفاع واجب است؛ مانند نخردن کالاهای آنان، و ترک استفاده از آن، و ترک رابطه و معامله با آنان مطلقاً. [۲۴۲].

### وجوب قطع روابط با دشمن

مسئله ۵- اگر در روابط اقتصادی و غیر آن بر قلمرو اسلام و بلاد مسلمین، ترس باشد که بیگانگان بر آن تسلط سیاسی یا غیر آن که موجب استعمار آنان یا استعمار بلادشان ولو از حیث فرهنگی می‌شود، پیدا کنند، بر همه‌ی مسلمین واجب است که از چنین روابطی اجتناب کنند، و این گونه روابط، حرام می‌باشد. [۲۴۳].

### ترس از استیلا سیاسی دشمن

مسئله ۶- اگر روابط سیاسی دول اسلامی با بیگانگان موجب استیلائی آنان بر بلاد مسلمین یا نفوس و اموالشان شود یا موجب اسارت سیاسی مسلمین گردد، بر رؤسای دولتها حرام است که چنین روابط و مناسباتی داشته باشند؛ و پیمانهایشان باطل است. و بر مسلمین واجب است آنها را ارشاد کنند و آنان را ولو با مقاومت منفی، و ترک اینگونه روابط ملزم نمایند. [۲۴۴].

### دفاع از دول اسلامی از هجوم بیگانگان

مسئله ۷- اگر ترس آن باشد که بیگانگان به یکی از دول اسلامی، هجوم برند بر تمام دول اسلامی واجب است به هر وسیله‌ی

[صفحه ۱۵۰]

ممکن از آن دفاع کنند کما اینکه بر سایر مسلمین (نیز) واجب است. [۲۴۵].

### حرام بودن پیمان دول اسلامی با بیگانه

مسئله ۸- اگر یکی از دول اسلامی، پیمانی بست که با مصلحت اسلام و مسلمین مخالف است، بر سایر دول (اسلامی) واجب است که با وسایل سیاسی یا اقتصادی، مانند قطع رابطه‌ی سیاسی و بازرگانی با آن دولت کوشش کنند تا آن پیمان را به هم بزنند. و بر سایر مسلمین واجب است که با هر گونه مقاومت منفی که در امکانشان است در این کار، اهتمام بورزند، و چنین معاملاتی در شرع مقدس اسلام حرام و باطل می‌باشد. [۲۴۶].

### ترک روابط با دول اسلامی حامی دشمن

مسئله ۹- اگر بعضی از رؤسای دول اسلامی یا بعضی از نمایندگان دو مجلس موجب نفوذ سیاسی یا اقتصادی بیگانگان بر مملکت اسلامی گردند، به طوری که از این نفوذ بر اساس اسلام یا بر استقلال مملکت ولو در آینده ترس باشد، (این رئیس مملکت یا نماینده) خائن است. و فرضاً هم که متصدی شدن آن مقام برایش حق باشد از مقامش - هر مقامی باشد - معزول است. و بر امت اسلامی است که ولو با مقاومت منفی مانند ترک معاشرت و ترک معامله با او و روگردان شدن از او به هر وجهی که ممکن است او را مجازات نمایند، و در اخراج او از تمام شئون سیاسی و محروم نمودن و از حقوق اجتماعی، اهتمام ورزند. [۲۴۷].



[ صفحه ۱۵۱ ]

### دفاع از واجب

سؤال: راجع به توضیح پیکار اوج گیرنده‌ی مسلحانه‌ای که در سرزمین مقدس فلسطین جریان دارد و اقدامات وحشیانه صهیونیستی و نتایج آن که بر ضد امت عربی و اسلامی به کار می‌رود نظر شریف حضرتتان را بیان فرمایید تا خلق مسلمان ما در همه کشورها، کلیه نیروهای مادی و معنوی خود را بسیج کرده سرانجام در جهاد مقدس شرکت نمایند.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

همان طور که قبلاً خاطر نشان ساخته‌ایم، این امر در این اوضاع و شرایط که بر اسلام و مسلمین می‌گذرد امری است واجب. پس از گردن نهادن به احکام مقدس اسلام هیچ امری را بر مسلمانان واجب‌تر از این نمی‌دانم که با جان و مال خویش در راه گرامی داشتن اسلام به دفاع پردازند. هنگامی که می‌بینید خونهای برادران و خواهران بی گناه شما در سرزمینهای مقدس فلسطین جاری است و هنگامی که مشاهده می‌کنید سرزمینهای ما به دست صهیونیستهای تبهکار ویران گشته، در این شرایط هیچ راهی جز ادامه جهاد نمی‌ماند و بر همه مسلمانان واجب است که کمک‌های مادی و معنوی خود را در این جهاد مقدس

[ صفحه ۱۵۲ ]

صرف کنند و خداوند پشتیبان این اراده است. «والله من وراء القصد». [۲۴۸].

### دفاع از میهن

شما جوانان تحصیلکرده در هر جا هستید وظایف خطیری دارید؛ وظیفه دفاع از اسلام که به عهده هر فرد مسلم است، وظیفه‌ی دفاع از میهن و استقلال آن که وظایف حتمیه‌ی اسلامی است. [۲۴۹].

### دفاع، تکلیف شرعی

دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است و بر تمام قشرها و گروهها واجب است. [۲۵۰].

### دفاع، واجب شرعی الهی

دفاع از مملکت اسلامی، دفاع از نوامیس مسلمین از واجبات شرعی الهیه‌ای است که بر همه ما واجب است. [۲۵۱].

### دفاع، واجب کفایی

مسأله دفاع از اسلام و کشور اسلامی و اموال و نوامیس مسلمین، از واجبات کفایی است و همه ما به حسب امکاناتی که در

[ صفحه ۱۵۳ ]

اختیار داریم لازم است احتیاجات جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها را که آن نیز کمک به دفاع است برآورده نماییم. [۲۵۲].

### لزوم دفاع از مسلمین

دفاع از نوامیس مسلمین و دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه‌ی حیثیات مسلمین امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم. [۲۵۳].

### اذن در دفاع

سؤال: آیا برای دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی اجازه‌ی امام یا مرجع تقلید لازم است یا خیر؟  
جواب: دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی به هر نحو ممکن بر تمام مکلفین واجب است و مشروط به اجازه نیست. [۲۵۴].

### دفع دشمن واجب کفایی

سؤال: آیا نبرد با دشمن متجاوز بر مردم همان شهر یا کشور واجب است یا بر همه‌ی مسلمین؟  
جواب: دفع دشمن متجاوز بر

[ صفحه ۱۵۴ ]

تمام مسلمین واجب کفایی است. [۲۵۵].

### لزوم دفاع از اسلام در هر ماهی

سؤال: در چه صورت حرمت ماههای حرام شکسته و مسلمین می‌توانند جنگ کنند؟  
جواب: در جنگ دفاعی هر موقع که دفاع واجب باشد باید بر آن اقدام شود اگر چه در ماه حرام باشد. [۲۵۶].

### دفاع بر همه واجب است

سؤال: وظیفه‌ی زنان مسلمان در امر جهاد حق علیه باطل چیست؟  
جواب: جهاد بر زنها واجب نیست ولی گذشت که دفاع بر هر شخصی در حدود توانایی و امکانات واجب است. [۲۵۷].

### کمک و دفاع مسلمانان لازم است

سؤال: اگر دشمن کافر صهیونیستی، منطقه‌ای از کشور اسلامی را اشغال نظامی کند و مسلمانان ساکن آن منطقه با علم بر اینکه اگر مقاومت کنند، زیانهایی برای آنان از قبیل زندان و بازرسی خانه‌ها و امثال آنها را خواهد داشت، آیا بر آنان واجب است که به

[ صفحه ۱۵۵ ]

دفاع از خود قیام کنند؟ و حتی در صورتی که یقین داشته باشند که دفاعشان منجر به شهادت خواهد شد آیا بر آنان واجب است که مجاهدین اسلامی را که عملیات نظامی انجام می‌دهند، از جهت مادی و معنوی کمک کنند یا خیر؟  
جواب: دفاع واجب است و بر مسلمانان لازم است آنها را کمک کنند. [۲۵۸].

### شرایط دفاع

#### جبهه بر بالغین واجب است

سؤال: آیا پسری که هنوز به سن بلوغ نرسیده، می‌تواند در جبهه‌ها شرکت نماید؟ و آیا اجازه‌ی پدر و مادر شرط است؟ اجازه‌ی والدین در مورد افراد بالغ چگونه است؟  
جواب: مادامی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد، رفتن به جبهه بر بالغین واجب است و رضایت والدین شرط نیست و بر غیر بالغ واجب نیست ولو با اجازه‌ی ولی شرعی اقدام نماید. [۲۵۹].

#### عدم الزام حضور بیماران در جبهه‌ها

سؤال: اینجانب جوانی هفده ساله هستم و مدت ده سال است که مبتلا به مرض صرع می‌باشم، با توجه به فتوای امام که شرکت در جنگ تحمیلی واجب کفایی است، آیا شرکت اینجانب در جبهه

[ صفحه ۱۵۶ ]

الزامی است؟ لازم به تذکر است که پدرم مرا به خاطر این بیماری از رفتن به جبهه باز می‌دارد.  
جواب: اگر از جهت مرض، از شرکت در جبهه معذور هستید، الزامی ندارید. [۲۶۰].

#### خدمت پشت جبهه برای ناتوانان

سؤال: وظیفه کسانی که قدرت نظامی ندارند در شرایط جنگ چیست؟  
جواب: می‌توانند در پشت جبهه خدماتی را که توان آن را دارند عهده‌دار شوند. [۲۶۱].

#### نرفتن به جبهه تابع مقررات

سؤال: جوانی هستم ۲۲ ساله علاقه زیادی به جبهه رفتن دارم ولی پدری دارم ۸۰ سال سن دارد و ۱۲ سال است سگته نموده و یک طرف بدنش فلج است و نمی‌تواند راه برود و تمام کارهای وی با من است چون تنها اولاد پسر وی می‌باشم، و اگر یک روز نباشم کسی نیست کارهای وی را انجام دهد، لطفا تکلیف اینجانب را در رفتن به جبهه یا ماندن در خانه و کمک کردن به پدر روشن فرمایید.

جواب: اگر از نظر مقررات رفتن به جبهه بر شما لازم نشده به پدر خود کمک کنید. [۲۶۲].

[ صفحه ۱۵۷ ]

## وجوب آموزش و آمادگی دفاعی

### وجوب یادگیری فنون نظامی

سؤال: آیا یادگیری فنون نظامی واجب است؟

جواب: بسمه تعالی. بر همه واجب کفایی است و با اقدام عدد کافی، از دیگران ساقط می‌شود. [۲۶۳].

### تجهیز جوانان

باید ملت ما جوانهایشان مجهز باشند به همین جهاز و علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند مجهز به جهازهای مادی و سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند. این طور نباشد که یک تفنگی که دستشان آمد ندانند که با آن چه کنند. باید یاد بگیرند و یاد بدهند. جوانها را یادشان بدهید. [۲۶۴].

### آمادگی ملت

ملت ما باید مجهز باشند، جوانهای ما باید تدریب [۲۶۵] کنند، مجهز باشند برای اینکه ما ممکن است در آتیه یک جنگهای طولانی تری داشته باشیم و برای اسلام باید جنگ بکنیم، برای اسلام باید فداکاری بکنیم. [۲۶۶].

[صفحه ۱۵۸]

### تعلیم فنون نظامی بالاترین ارزش

شما عزیزان و جوانان بزرگوار باید بدانید که حفظ و حراست اسلام و کشور اسلامی و دین حق از بزرگترین طاعاتی است که از صدر عالم تاکنون انبیای معظم و اولیای بزرگ - صلوات الله علیهم اجمعین - در راه آن کوشش جانفرسا نموده و از هیچ فداکاری دریغ ننموده‌اند و تربیت و تعلیم و تعلم فنون نظامی در راه این هدف، ارزنده‌ترین ارزشهاست و تا شما جوانان بیدار و سایر قشرهای ملت بزرگ با این شور و شعور در صحنه حاضرید به کشور و جمهوری اسلامی آسیبی نخواهد رسید. [۲۶۷].

### وجوب مقدمات دفاع

اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل بشود، از آن جمله قضیه‌ی اینکه تربیت نظامی بودن، یاد گرفتن انواع نظامی بودن را برای آنهاست که ممکن است، این طور نیست که - ما - واجب باشد بر ما که دفاع کنیم و ندانیم چه جور دفاع کنیم، باید بدانیم چه جور دفاع می‌کنیم. [۲۶۸].

### بسیجی شدن ملت

ملتی که در خط اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - و مخالف با استکبار و پول پرستی و تحجر گرایی و مقدس

نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چرا که در هنگامه‌ی خطر ملتی سربلند و جاوید

[ صفحه ۱۵۹ ]

است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد. [۲۶۹].

### وجوب کفایی حضور در جبهه

#### لزوم حضور در جبهه

اشخاص اگر چنانچه یکوقت احتیاج به آنها شد باز بروند به جبهه‌ها، اگر احتیاج باشد واجب است بروند، اگر احتیاج نباشد، نه، لازم نیست. گاهی وقتها هم، آنها می‌گویند نباید بیایند و کمک کنند. [۲۷۰].

### وجوب کفایی حضور در جبهه‌ها

وقتی اعراض نفوس مسلمین در معرض خطر است، برای همه ما واجب است که اگر به اندازه کافی ندارند آنها جمعیت، پاشیم برویم، آنکه می‌تواند باید پا بشود برود، برای همه واجب است. [۲۷۱].

### ارجحیت حضور در جبهه‌ها

سؤال: با توجه به نیاز مبرم جبهه‌ها به طلاب علوم دینی عزیمت ایشان به جبهه یا ادامه درس کدامیک ارجحیت دارد؟  
جواب: بسمه تعالی. رفع نیازمندیهای جبهه در حال حاضر

[ صفحه ۱۶۰ ]

مقدم است. [۲۷۲].

### حضور در جبهه‌ها واجب کفایی

سؤال: در چه صورت شرکت در جبهه اسلام بر همگان واجب است؟  
جواب: در موقعی که اسلام یا بلد اسلامی مورد هجوم واقع شد و به قدر کفایت نیروی مدافع در جبهه حاضر نشده باشد. [۲۷۳].

### اطمینان از کفایت نیرو در جبهه

سؤال: اگر انسان شک کند که مجاهدین حق به حد کافی هستند یا نه، آیا شرکت در جبهه بر او واجب است یا نه؟  
جواب: تا اطمینان به وجود نیروی کافی در جبهه حاصل نشود شرکت واجب است. [۲۷۴].

### رفع نیاز جبهه اولی است

سؤال: اینجانب در کارگاهی مشغول فعالیتهای صنعتی هستم و هدفم ابتکار و کمک به صنایع کشور است و قبلا هم طرحی در زمینه‌ی استفاده از انرژی خورشیدی هم داشته‌ام که فعلا ناتمام مانده، آیا مصلحت اقتضا می‌کند که کارم را رها کرده و به جبهه‌ها بروم؟

جواب: تا وقتی که جبهه‌ها نیاز به

[ صفحه ۱۶۱ ]

نیرو دارد، شرکت در جبهه واجب است. [۲۷۵].

### عدم حضور در جبهه تابع مقررات

سؤال: من در دادگاه ویژه اراضی کار می‌کنم و خیلی مشتاقم که به جبهه بروم ولی از طرف دادگاه انقلاب از من جلوگیری می‌شود البته بخاطر حساس بودن کار و اینکه شخص وارد دیگری نیست، وظیفه‌ام چیست؟ حرف آنها را قبول کنم و بمانم یا به جبهه بروم، به نظر آن حضرت اولویت با کدام است؟

جواب: بسمه تعالی. اگر از نظر مقررات، رفتن به جبهه بر شما لازم نشده وظیفه‌ی استخدام را انجام بدهید. [۲۷۶].

### عمل بر طبق مقررات جبهه

سؤال: طلبه‌ای هستم که در جبهه به سر می‌برم، آیا واجب است که بمانم در حالی که ایام درسی شروع شده و اغلب محصلین به مدرسه‌ها برمی‌گردند؟

جواب: با فرض اینکه در جبهه هستید باید طبق مقررات جبهه عمل کنید. [۲۷۷].

### لزوم رفع کفایت نیرو در جبهه

سؤال: طبق فرمان وجوب کفایتی نسبت به شتاب جوانان به جبهه جنگ، آیا تحصیل علوم دینی ارجح است یا قتال با کفار در جبهه؟

[ صفحه ۱۶۲ ]

در صورت ارجحیت رفتن به جبهه آیا اذیت پدر و مادر جایز است یا نه؟

جواب: مادامی که جبهه‌ها نیاز به نیروی مادی یا معنوی دارد و از جانب مسئولین اعلان کفایت نشده شرکت در جبهه‌ی دفاع، واجب و مقدم است و رضایت والدین شرط نیست و طلاب محترم علوم دینی باید در صورت توانایی نیاز معنوی و ارشادی جبهه‌ها را رفع نمایند. [۲۷۸].

### وجوب حضور در جبهه تا حد کفایت

سؤال: نحن من لبنان، هاجرنا الى طلب العلم في مدينة قم المقدسه و قد شرفنا الله بتقليد كم و الرجوع اليكم، فهل الوجوب الكفائي بالذهاب الى جبهة الحرب في ايران ضد البعث الكافر، يشملنا ام لا؟

جواب: مادامت الجبهات بحاجة الى المدافعين عن الاسلام و اهله و بلادهم يجب الحضور فيها على من يقدر على القيام بهذا الواجب الدينى من غير فرق فى ذلك بين مسلم و مسلم. [۲۷۹] [۲۸۰].

[ صفحه ۱۶۳ ]

### وجوب رفتن به جبهه با تشخیص مسئولان

سؤال: برای کسانی که به تحصیل علوم اسلامی یا علوم جدید اشتغال دارند یا به انجام وظایف دیگر برای خدمت به جمهوری اسلامی مشغولند آیا رفتن به جبهه جنگ مقدم است یا آنکه به کار خود ادامه دهند لطفا وظیفه شرعی را بیان نمایید.  
جواب: در حال حاضر تمام افرادی که قدرت دارند به جبهه بروند باید به مقامات مسئول مراجعه نمایند و چنانچه تشخیص دادند که جبهه به آنها نیاز دارد واجب است به جبهه بروند و بر هر کار دیگری مقدم است. [۲۸۱].

### اجازه همسر برای جبهه

سؤال: اینجانب کارمند یکی از ادارات شیراز دارای همسری هستم که در حال حاضر حامله می‌باشد و به دنبال پیام مهم جنابعالی در مورد عملیات رمضان، همسر را راضی نمودم که به جبهه اعزام شوم و پس از گذشت سه روز همسرم اعلام نارضایتی نموده و اعلام می‌دارد که اگر به جبهه بروی بکلی دست از خوردن و آشامیدن کشیده و خوراکم را گریه خواهم کرد و حال اینکه دکتر هم گفته است که باید خود را تقویت کند.  
چون اینجانب مقلد جنابعالی هستم می‌خواستم کسب تکلیف نمایم که می‌توانم بدون رضایت همسرم به جبهه‌ی جنگ حق علیه باطل اعزام شوم و خودم بیش از اندازه مایل هستم که به جبهه بروم.  
جواب: بستگی به نیاز جبهه دارد،

[ صفحه ۱۶۴ ]

و در صورت نیاز باید به مراکز اعزام نیرو مراجعه نمایید و رضایت همسر معتبر نیست. [۲۸۲].

### تشخیص مسئولین برای حضور در جبهه

سؤال: اینجانب پدر یک شهید و دارای همسر و ۳ پسر زیر پانزده سال می‌باشم و مخارج زندگی خانواده‌ام را از طریق مغازه‌ای که دارم تأمین می‌کنم؛ از آنجایی که حاضر نشدم اسلحه‌ی فرزند شهیدم بر زمین بماند، در بسیج سپاه پاسداران جهت اعزام به جبهه نام نویسی کرده‌ام، ولی بعضی از بزرگان می‌گویند: «تو با این وضع نباید به جبهه بروی و خانواده‌ی خود را بدون سرپرست بگذاری» ضمناً از نظر نیروی بدنی به طور کامل سلامت نبوده و ناراحتی قلبی دارم. تقاضایم این است که تکلیف شرعی مرا مرقوم فرمایید!  
جواب: بستگی به نیاز جبهه‌ها دارد و تشخیص آن با مسئولین است. [۲۸۳].

### اولویت در نیاز جبهه‌ها

سؤال: اینجانب کارگر معدن هستم که مایلیم به جبهه جنگ حق علیه باطل بروم، اما موانعی از این قبیل بر سر راهم هست: پدر و مادرم به غیر از من فرزند دیگری ندارند و هر کدام حدود شصت سال سن دارند و خودم پنج فرزند خردسال دارم که بزرگترین آنها هفت ساله و کوچکترین آنها یک ساله است که من این هشت نفر را

[ صفحه ۱۶۵ ]

باید از راه کارگری نان بدهم. لازم شد که از آن رهبر عزیز سؤال کنم که آیا با این شرایط می‌توانم به جبهه بروم یا خیر؟  
جواب: مادامی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد، شرکت در جبهه‌ی دفاع واجب است. [۲۸۴].

### حضور در جبهه واجب کفایی

سؤال: آیا وجوب دفاع از عهده‌ی افرادی که یک بار مدت سه ماه یا ۵ ماه شرکت کرده و مراجعت کرده‌اند ساقط می‌شود یا نه؟  
جواب: ساقط نیست و در صورت نیاز جبهه‌ها بر همه لازم است بروند و تشخیص آن با مسئولین مربوطه است و وجوب به نحو واجب کفایی است. [۲۸۵].

### وجوب دفاع از بلاد مسلمین

سؤال: در چه صورتی شرکت در جهاد بر زیارت بیت الله مقدم است؟  
جواب: در مواقعی که اسلام یا بلاد مسلمین در معرض خطر هجوم دشمنان اسلام قرار گیرد و دفاع از آن متوقف بر تأخیر زیارت بیت الله الحرام باشد. [۲۸۶].

[ صفحه ۱۶۶ ]

## اذن والدین

### رضایت والدین برای حضور در جبهه‌ها

سؤال: آیا داوطلب شدن جهت اعزام به ارسال جبهه‌ها موکول به اذن پدر یا مادر یا هر دوی آنها هست یا خیر؟  
جواب: بسمه تعالی. اگر رفتن شما به جبهه متعین نشده رضایت والدین را تحصیل نمایید. [۲۸۷].

### اعزام به جبهه و اذن والدین

سؤال: اساساً در این موقعیتی که برای باز پس گرفتن شهرها از دست متجاوزان، نیروی انسانی زیادی لازم است به طوری که هر کس برای ثبت نام برود او را اعزام می‌کنند آیا اذن پدر و مادر شرط است؟  
جواب: بسمه تعالی. اذن شرط نیست ولی اگر اذیت می‌شوند تحصیل رضایت آنها را بکنند. [۲۸۸].

### لزوم و وجوب حضور در جبهه‌ها



سؤال: در شرایط حاضر رضایت والدین برای رفتن به جبهه لازم است یا خیر؟

جواب: بسمه تعالی. تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد رفتن به جبهه واجب است و اجازه والدین شرط

[ صفحه ۱۶۷ ]

نیست. [۲۸۹].

### عدم اذیت والدین

سؤال: اگر کسی از والدین خود برای جبهه اذن بخواهد، و آنان در جواب چنین بگویند: اگر به ما باشد رضایت نمی‌دهیم ولی اگر می‌خواهی بروی برو. آیا این اذن کافی است یا نه؟  
جواب: بسمه تعالی. اگر اذیت نمی‌شوند اشکال ندارد. [۲۹۰].

### پرهیز از اذیت والدین

سؤال: اگر شخصی پدر و مادری دارد که آنها از آغاز با این انقلاب و موضع‌گیریهای آن در قبال هر موضوع مخالف بوده و یکسره غیبت سران مملکت اسلامی را می‌کنند و به ایشان افترا می‌بندند و هر حرکت حزب الله را محکوم به خیانت می‌کنند، و اسلام را بدون روحانیت می‌خواهند و نیز آن جوان را از همکاری با بسیج و سپاه پاسداران یا به جبهه رفتن منع می‌کنند و حتی آن اسلام به اصطلاح صحیح خودشان را نیز انجام نمی‌دهند، مثلاً پدر ریش خود را با تیغ می‌تراشد، اما ظاهراً به فرزند خود علاقه‌مندند و آن هم در صورتی است که مطابق میل ایشان رفتار نمایند با تمام این صفاتی که این مادر و پدر دارند تکلیف شرعی این فرزند در قبال اطاعت یا غیر آن در مورد والدین خودش چیست؟ آیا جایز است که در خانه بماند یا بدون اجازه ایشان به جبهه رفته و احیاناً شهید شد آیا این شهادت مقبول می‌باشد یا خیر؟ خواهشمند است مرا در این

[ صفحه ۱۶۸ ]

مسأله راهنمایی نمایید مسألت مرا اجابت بفرمایید.

جواب: بسمه تعالی. رضایت ایشان در کارهای فرزند اعتبار ندارد ولی فرزند، کاری که موجب اذیت والدین است انجام ندهد، و در هر صورت شهید می‌باشد. [۲۹۱].

### دفاع از اسلام اذن نمی‌خواهد

سؤال: هل ان الذی یرید الجهاد فی سبیل الله و الدفاع عن ديار الاسلام مع الكفایة یجب علیه ان یتأذن والدیه ولو مع بعد هم وعدم علمهم؟ و علی فرض ان الشرع لا- یجوز الذهاب من دون اذنه، فهل سماحتکم تعطون الاذن فی الذهاب فیحق لنا الذهاب الی الجبهات؟

جواب: الدفاع عن الاسلام و المسلمین و بلادهم واجب کفائی و لا یجب فی مثله الاستیذان من الابوین [۲۹۲] [۲۹۳].

[ صفحه ۱۶۹ ]

### رعایت حال والدین

سؤال: دانش آموز سال سوم راهنمایی هستم؛ برای شرکت در مبارزه‌ی حق علیه باطل در بسیج ثبت نام کرده‌ام ولی پدر و مادرم می‌گویند که: «تو زود است به جبهه بروی!» و بدین طریق مانع رفتن من به جبهه شده و مرتب در خانه دعوا داریم و مرا از خانه بیرون می‌کنند و باعث آزار من می‌شوند، خواهشمند است بفرمایید تکلیفم چیست؟

جواب: مراعات حال والدین خود را بنمایید. [۲۹۴].

### حضور در جبهه موکول به نظر مسئولین

سؤال: قبل از فرمان صریح حضرت‌تعالی در مورد رفتن به جبهه‌ها در یک مجله فرموده بودید که جوانان در این مورد با بی‌اعتنایی به فرمان پدر و مادر موجب اذیت ایشان نشوند، آیا حالا که این نیاز (رفتن به جبهه) بیشتر شده، باز هم همین فرمایش مورد نظر است؟ و آیا بعضی جوانان این حق را دارند که طبق فرمان آن حضرت در باب دفاع، بدون اعتنا به نظر پدر و مادرشان اقدام به جبهه رفتن نمایند یا خیر؟

جواب: بستگی به نیاز جبهه‌ها دارد و تشخیص، موکول به نظر مسئولین است. [۲۹۵].

### حضور در جبهه با مراعات حال والدین

سؤال: اینجانب جوانی ۲۷ ساله هستم و دارای زن و دو فرزند

[ صفحه ۱۷۰ ]

می‌باشم و به تدریس دینی و قرآن در دوره‌ی راهنمایی مشغولم، از آن جا که اشتیاق فراوانی به جبهه دارم و مادرم به جز من سرپرستی ندارد و با رفتن من به جبهه راضی نمی‌شود آیا تکلیف شرعی من چیست؟ باعث تشویق و نگرانی من شده و بر دین خود ترسانم.

جواب: اگر مادر از رفتن شما اذیت می‌شود و رفتن به جبهه بر شما لازم و متعین نشده مراعات حال او را بنمایید. و بستگی به نیاز جبهه دارد. [۲۹۶].

### ضرورت رفع نیاز جبهه‌ها

سؤال: اینجانب تنها پسر خانواده هستم، اکنون که تکلیف شرعی شده که به جبهه بروم، والدینم مخالفت می‌کنند، البته ایشان معتقد به اسلام و انقلابند، ولی چون مادرم دچار ناراحتی قلبی است مرا از رفتن منع می‌کنند، آیا مجاز هستم که بدون توجه آنان به جبهه بروم؟

جواب: تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارند، شرکت در جبهه واجب است و اذن والدین شرط نیست. [۲۹۷].

**حضور در جنگ نیاز به اذن والدین ندارد**

سؤال: جوانی هستم بیست ساله، علاقه‌ی زیادی به شرکت در

[ صفحه ۱۷۱ ]

جنگ داشته و دارم ولی پدر و مادرم به علت اینکه من تنها فرزند خانواده هستم، با رفتن من به جبهه مخالفت می‌کنند، البته من می‌توانم بدون اجازه‌ی آنها و به زور بروم ولی فکر کردم رفتن من از نظر شرعی شاید اشکال داشته باشد و در قیامت مورد بازخواست قرار گیرم! لطفا تکلیف مرا روشن کنید!

جواب: تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارند، اجازه‌ی والدین شرط نیست. [۲۹۸].

**حضور در جبهه‌ها واجب‌تر است**

سؤال: آیا افرادی که در وضع کنونی جامعه مسئولیتهای تثبیت شده مانند مسئولیتهای فرهنگی در مساجد و یا انجمنهای اسلامی و با بسیج مستضعفین و به طور کلی لیاقت و کارایی خوبی برای تقبل مسئولیتهای در آینده دارند نسبت به صدور حکم امام مبنی بر اهمیت دادن به جبهه چه وظیفه‌ای دارند و آیا اگر این عمل موجب وارد آمدن ضرر جانی به والدین و یا ضرر به امرار معاش و اقتصاد خانواده محسوب شود باز هم به قوت خود باقی است؟

جواب: مادامی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد حضور در جبهه واجب است و اذن والدین شرط نیست. [۲۹۹].

**وجوب اذن والدین در عدم نیاز جبهه‌ها**

سؤال: در کدام صورت برای شرکت در جبهه باید رضایت پدر و

[ صفحه ۱۷۲ ]

مادر را جلب کرد؟

جواب: در مواقعی که شرکت در جبهه بر مکلف واجب نباشد و رفتن او موجب اذیت والدین گردد. [۳۰۰].

**نیاز به اذن والدین در عدم احتیاج جبهه‌ها**

سؤال: جوانی که تحت تکفل پدر و مادر است می‌تواند بدون رضایت آنها به جبهه برود یا نه؟ و در صورت راضی نبودن والدین اگر رفت و شهید شد مورد پذیرش خداوند است یا نه؟

جواب: اگر داوطلب می‌روند و از نظر مقررات رفتن آنها لازم نیست، تحصیل رضایت والدین را بکنند و در هر صورت شهید هستند. [۳۰۱].

**حضور در بازسازی موکول به تشخیص مسئولین**

سؤال: چندی قبل از طرف اداره متبوعه خواستار اعزام داوطلب برای بازسازی مناطق جنگی شده‌اند، مورد سؤال این است اگر فردی علاقمند باشد جهت امور بازسازی یا خدمت در جبهه شرکت جوید از طرفی می‌داند که اگر پدر یا مادر مطلع شوند قطعاً مخالفت خواهند کرد با عنایت به واجب کفایی بودن موضوع بدون اطلاع پدر و مادر و یا هر دوی آنها می‌توان شرکت جست و یا وقتی به مخالفت آنان نگذاشت؟

جواب: به مسئولین مراجعه نمایید

[ صفحه ۱۷۳ ]

اگر نیاز باشد رضایت والدین معتبر نیست. [۳۰۲].

### کسب رضایت والدین برای حضور دختران

سؤال: رفتن دختران امدادگر که وجودشان در جبهه‌ی جنگ مفید است اگر پدر و مادر راضی نباشند چه حکمی دارد؟  
جواب: اگر موجب اذیت پدر و مادر است رضایت ایشان را تحصیل کنند. [۳۰۳].

### تحصیل رضایت والدین

سؤال: اینجانب دارای زن و سه فرزند می‌باشم و پدر و مادرم که از کار افتاده‌اند تحت تکفل اینجانب هستند و تصمیم دارم ان شاء الله به جبهه بروم آیا رضایت پدر و مادرم برای اعزام به جبهه از نظر شرعی لازم است یا خیر؟  
جواب: اگر موجب اذیت پدر و مادر می‌شود رضایتشان تحصیل شود. مگر در صورت نیاز جبهه‌ها با تشخیص مسئولین ذی ربط. [۳۰۴].

### اذن مسئولین برای حضور در جبهه

سؤال: پدر اینجانب به جبهه رفته و مرا تا بازگشت خود از رفتن

[ صفحه ۱۷۴ ]

به جبهه منع نموده است وظیفه‌ی اینجانب را طبق فتوای امام در شرایط فعلی مرقوم فرمایید؟  
جواب: اگر با مراجعه به مسئولین محرز شود حضور شما در جبهه لازم است منع پدر مانع نیست. [۳۰۵].

### حضور در کردستان با نظر مسئولین

سؤال: شخصی (بالغ) عضو جهاد سازندگی کردستان است ولی پدر و مادرش راضی نباشند که او در کردستان باشد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب اذیت پدر و مادر نیست مانع ندارد. و همچنین در صورت نیاز جبهه با تشخیص مسئولین ذی ربط. [۳۰۶].

## احکام دفاع و زمین

### تقدم جبهه های ایران

سؤال: برای کسی که می‌تواند در جبهه حق شرکت کند آیا نبرد در جبهه‌های ایران از جبهه‌های دیگر کشورهای اسلامی ارجحیت دارد؟

جواب: بسمه تعالی. در حال حاضر جبهه‌ی ایران مقدم است. [۳۰۷].

[ صفحه ۱۷۵ ]

### وجوب تعقیب دشمن

سؤال: برای نبرد با سربازان باطل ورود به زمین آنان جایز است یا نه؟

جواب: دفاع از اسلام و بلاد مسلمین تا هر کجا که لازم باشد واجب است تعقیب شود. [۳۰۸].

### تصرف به خاطر اسلام جایز است

سؤال: گرفتن سرزمینهای شخصی مردم عراق که در مسیر پیروزی اسلام و نابودی رژیم کافر و متجاوز عراق و کوتاه کردن دست آن جنایتکاران از سرزمینهای اسلامی به طور موقت در تصرف رزمندگان اسلام قرار می‌گیرد از نظر شرعی چه حکمی دارد؟  
جواب: هر مقدار که دفاع از اسلام و مسلمین توقف بر آن دارد، نه تنها جایز است بلکه واجب و موجب قرب و رضای خداوند است. [۳۰۹].

### حذف اذن مالک در ضرورت دفاع واجب

سؤال: برای دفاع از حق، استفاده کردن از منازل خالی اشخاص جایز است یا نه؟

جواب: اگر ضرورت دفاع واجب، اقتضا کند، اجازه‌ی مالک شرط نیست. [۳۱۰].

[ صفحه ۱۷۶ ]

### توقف در منازل مصادره‌ی شرعی بلامانع است

سؤال: از آنجا که در مناطق جنگی یا به طور کلی در تمام کشور بعضی از مراکز ارگانها و ادارات دولتی از منازل مصادره شده استفاده می‌کنند و با توجه به اینکه خود مسئولین می‌گویند بعضی از احکام صادره از دادگاهها درست نبوده است آیا خوابیدن و توقف و نماز خواندن و... در آنجا اشکال ندارد؟

جواب: بسمه تعالی. اگر احتمال داده شود که مصادره بر وجه شرعی بوده اشکال ندارد. [۳۱۱].

**معرکه همان محدوده‌ی تیررس دشمن است**

سؤال: آیا معرکه، میدان منطقه در شب حمله است یا اینکه خط مقدم جبهه که دو طرف به سوی یکدیگر مبادله‌ی آتش دارند معرکه‌ی نبرد به حساب می‌آید؟

جواب: منظور از معرکه، محدوده‌ی تیررس دشمن است در حدودی که جنگ است نه مثل شهرهای دور، مگر آنکه محدوده جنگ باشند. [۳۱۲].

**اجاره مکان سلب شده منفسخ است**

سؤال: شرکت رنگ زیراکس ایران برای انجام کارهای خود ملکی را در خرمشهر در اجاره داشت از روزی که جنگ شروع شد این ملک از تصرف شرکت خارج گردید و عملاً با توجه به موقعیت منطقه از آن تاریخ بلا استفاده ماند، صاحب ملک بعد از مدتی و

[ صفحه ۱۷۷ ]

اخیراً مراجعه نموده و طلب اجاره‌های خود می‌نماید. آیا طبق فتوای حضرت امام خمینی - دام ظلّه العالی - می‌بایست مبلغ مورد ادعا را به صاحب ملک پرداخت نمود یا نه؟ در صورت مثبت بودن جواب فوق، سؤال این است: که این شرکت دارای دستگاههایی است که به ارگانها و مؤسسات، و سازمانهای مختلف در اغلب نقاط مملکت اجاره می‌دهد و مستأجر تعهد می‌نماید که اجاره‌های فوق را هر ماهه پرداخت نمایند (چه دستگاه کارکرد داشته باشد و چه نداشته باشد) حال با توجه به اینکه تعدادی از این دستگاهها در مناطق جنگ تحمیلی (خرمشهر...) قرار دارند آیا شرکت مجاز است، و می‌تواند ادعایی دال بر طلب این اجاره‌ها بنماید؟

جواب: بسمه تعالی در فرض مرقوم که امکان استفاده از ملک به واسطه هجوم لشکر کفر از همه سلب شد اجاره منفسخ است و مالک حق مطالبه‌ی اجرت نسبت به مدت باقی مانده ندارد. [۳۱۳].

**دفاع و دولت****تکلیف بیشتر دولت در جنگ**

باید دولت محترم توجه نماید که علاوه بر تکلیف الهی که متوجه‌ی همه‌ی ملت است، دولت از ویژگی خاصی برخوردار است و تکلیف الهی، بیشتر متوجه آن و سایر دست اندرکاران است و برای نظم امور در جمیع ابعاد کوشش خواهد کرد. و مسأله جنگ دفاعی که در رأس امور است و ملت متعهد کمک به آن را برای خود یک امر لازم می‌داند و دولت در رابطه با آن حقا تمام کوشش را می‌کند، لکن

[ صفحه ۱۷۸ ]

تذکر و تکرار در امور مهم، لازم است و باید هر روز ابعاد کمک به جبهه‌ها را بیشتر گسترش دهد و تا فتح نهایی ان شاء الله تعالی برنامه‌ی دفاع را در رأس همه‌ی برنامه‌ها قرار دهد. [۳۱۴].

## حمایت ملت از دولت در جنگ

همه می‌دانید و باید بدانیم مادامی که ملت پشتیبان مجلس و دولت و قوای مسلح هستند و دولت و مجلس و قوای مسلح در خدمت ملت، بویژه قشرهای محروم می‌باشند، و جلب رضای خداوند را در این خدمت متقابل، می‌نمایند، هیچ قدرتی توانایی آسیب رساندن به این نظام مقدس را ندارد و اگر خدای نخواستہ یکی از این دو یا هر دو از خدمت متقابل دست بردارند شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ، اگر چه در دراز مدت، حتمی است. بنابراین ترک این خدمت متقابل که به شکست اسلام و جمهوری اسلامی منتهی می‌شود از بزرگترین گناهان کبیره است که باید از آن اجتناب شود، چنانچه این خدمت از واجبات بزرگ است که باید به آن قیام نمایند. [۳۱۵].

## خدمات دولت به آسیب دیدگان در جنگ

دولت خدمت کند به این کسانی که در راه اسلام آنقدر فداکاری کردند، خدمت کند به این اهالی دزفول و اهالی اندیمشک و خوزستان که همه چیز خودشان را از دست دادند، خدمت کنند.

[ صفحه ۱۷۹ ]

این یک تکلیف شرعی است برای همه‌ی ما. [۳۱۶].

## رسیدگی به خسارت دیدگان در جنگ

فرمان امام خمینی به آیت الله مهدوی کنی «در مورد تشکیل ستاد تأمین نیازهای مردم مناطق بمباران شده»

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای مهدوی کنی دامت افاضاته

با توجه به حوادث ناگوار فوق العاده ناشی از حملات وحشیانه موشکی بمبارانهای مکرر مناطق مسکونی شهرها و روستاها به وسیله‌ی عوامل استکبار جهانی و حزب بعث عفرقی عراق، ناچار نیاز به کمکهای فوری و ضربتی احساس می‌شود. در این رابطه لازم است ستادی تشکیل شود که با اختیارات کامل و فوق برنامه نیازهای تدارکاتی و عاطفی مردم محترم مصیبت زده و داغدیده را بدون وقفه برآورده سازد. لازم به تذکر است که به متصدیان و مأموران این امر اسلامی امر و سفارش اکید شود که با احترامات فائقه با این عزیزان مظلوم برخورد گردد. انتظار دارد که جناب آقای رئیس جمهور محترم و رئیس محترم دولت - ایدهم الله - در اقدام به این مهم، تمام سعی و کوشش لازم را مبذول دارند و تلاش در بهبود وضع این عزیزان محترم را به عنوان یک وظیفه شرعی تلقی فرمایند.

لازم است این ستاد با تشکیل گروههای نجات و پشتیبانی و اسکان فوری موقت و تهیه لوازم مورد احتیاج، گوشه‌ای از وظایف انسانی - اسلامی خود را عملی سازد.

کلیه ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی اعم از وزارتخانه‌ها و

[ صفحه ۱۸۰ ]

ادارات تابعه خصوصا وزارت صنایع و بازرگانی موظفند همکاری‌های لازم را مبذول دارند. امید است مردم معظم و روحانیون و ائمه جمعه و جماعات عظیم الشان در سراسر ایران با یاری و همکاری خود موجب جلب عنایات خاصه خداوند متعال و رضای حضرت بقیه الله الاعظم - ارواحنا فداه - گردند.

لازم است جنابعالی اینجانب را از جریان امور و خدای نخواستہ اگر در تحقق اهداف فوق به مانعی برخوردید، مستحضر نمایید. از خداوند متعال توفیق و تأیید همگان را خواستار است. [۳۱۷].

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

## احکام اطاعت از فرماندهان جنگ

### وجوب اطاعت از فرماندهی

سؤال: آیا در شرایط سخت جنگی می‌توان بدون توجه به دستور فرماندهی به عقب برگشت؟

جواب: بسمه تعالی. عمل به دستور فرمانده، واجب و راه فلاح و پیروزی است ولو ضرر قطعی داشته باشد و تخلف از آن حرام و موجب مجازات طبق مقررات دولت اسلامی است، مگر در موارد استثنایی که ضرورت اقتضا کند. [۳۱۸].

[ صفحه ۱۸۱ ]

### لزوم مراعات مقررات سپاه

سؤال: از بدو شروع به خدمت سربازی طبق دستور فرماندهی در سپاه آمل در قسمت اداری کار می‌کنم و توفیق رفتن به جبهه را اگر نیافتم و هر باری که تقاضا نمودم ممانعت به عمل آمد آیا ماندن حقیر در اینجا و نرفتن به جبهه با این موقعیت فعلی مسئولیتی متوجه من می‌شود و یا اینکه به همین منوال مطیع فرماندهی باشم؟

جواب: بسمه تعالی. مراعات مقررات سپاه لازم است. [۳۱۹].

### تخلف از مقررات جایز نیست

سؤال: گاهی دیده می‌شود بعضی از برادران رزمنده مقررات تعیین شده از سوی فرماندهان را به طور دقیق رعایت نمی‌کنند و وسایل ایمنی و حفاظتی مانند کلاهخود یا عینکهای مخصوص و امثال آن را به کار نمی‌برند و در اثر همین عدم احتیاط ممکن است باعث شهادت یا زخمی شدن خود یا دیگر رزمندگان شوند و تصور می‌کنند که چون این کار منجر به شهادت می‌شود کار صحیحی است آیا این عمل جایز است یا خیر؟ متمنی است نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

جواب: رزمندگان عزیز باید مطابق مقررات جبهه و دستور فرماندهی عمل کنند و مسائل ایمنی و حفاظتی را مراعات نمایند و تخلف جایز نیست. [۳۲۰].



[ صفحه ۱۸۲ ]

**مراعات مقررات سپاه لازم است**

سؤال: اینجانب دارای پدر بی‌بضاعت و مادری بیمارم. تاکنون با اصرار با اجازه آنها به مدت سه ماه عازم جبهه گردیده‌ام چون تنها سرپرست والدینم هستم با عزیمت دوباره به جبهه، والدینم راضی نیستند چنانچه عضو سپاه پاسداران شوم، و سپاه مأموریت عزیمت به جبهه دهد. با توجه به توضیح فوق آیا می‌شود بدون رضایت والدین عازم جبهه شوم؟

جواب: اگر عضو سپاه هستید باید مراعات مقررات سپاه را بکنید. [۳۲۱].

**احکام سربازی در زمان جنگ****اذن والدین در سربازی لازم نیست**

سؤال: پدر من اجازه نمی‌دهد به خدمت اعزام شوم یعنی به سربازی بروم وظیفه شرعی من چیست و ضمناً پدرم به من تاکنون هیچ گونه آزادی نداده است؟

جواب: بسمه تعالی. اگر مشمول نظام وظیفه هستید باید بروید و رضایت پدر در آن اعتبار ندارد. [۳۲۲].

**لزوم خدمت در سربازی**

سؤال: نظر امام راجع به سربازی کسانی که مشمول هستید و در این زمان حساس (زمان جنگ) به سربازی نمی‌روند چگونه است؟ و ما می‌توانیم اینها را به شاگردی در مغازه بیاوریم یا نه؟

[ صفحه ۱۸۳ ]

جواب: بسمه تعالی. باید به سربازی بروند و تخلف از مقررات جایز نیست. [۳۲۳].

**وجوب رفتن به سربازی**

سؤال: آیا رفتن به سربازی برای مشمولینی که مشکلاتی دارند از نظر شرعی لازم است؟

جواب: باید به سربازی بروند و یا مطابق مقررات معافی بگیرند و تخلف جایز نیست. [۳۲۴].

**رفتن به سربازی لازم است**

سؤال: اگر در مورد خدمت نظام وظیفه و رفتن به سربازی پدر و مادر مخالفت کردند وظیفه چیست؟

جواب: اگر از نظر مقررات باید به سربازی بروید، رفتن لازم است و پدر و مادر نباید مزاحمت کنند. [۳۲۵].

[ صفحه ۱۸۴ ]

## احکام اموال، وسایل، اسلحه و مهمات در جنگ

### اسراف و تبذیر حرام و رعایت مقررات واجب

سؤال: اسراف و تبذیر در مصرف مهمات و خوراکیها در جبهه‌ها به چه صورت است؟  
 با توجه به این مسأله که گاهی جمع آوری دقیق مهمات و مصرف کامل خوراکیها بعلت گرما و نقل و انتقالات مشکل می‌باشد.  
 جواب: بسمه تعالی. اسراف و تبذیر حرام است و از اهم واجبات حفظ و نگهداری مهمات و اشیای مورد نیاز در جبهه‌ها است و تحمل هر زحمت و مشکلی در راه انقلاب اسلامی و پیشرفت آن برای کسانی که از هر فداکاری و جانبازی در این راه مضایقه ندارند آسان است البته هر کاری که موجب آسیب و ضربه خوردن از ناحیه‌ی دشمن شود ولو جمع آوری مهمات و غنایم باشد حرام است. [۳۲۶].

### استفاده از اموال مناطق جنگی

سؤال: ما در جبهه‌ی خرمشهر مستقر هستیم، چون وسایل استراحت نداشتیم، از منازل مردم مقداری وسایل غذا خوری و پتو  
 [ صفحه ۱۸۵ ]

آوردیم، در صورتی که نتوانیم این وسایل را به آنها برگردانیم چه حکمی دارد؟  
 جواب: اگر یقین به رضایت صاحبان آنها ولو به شاهد حال، داشته باشید، چیزی بر شما نیست. [۳۲۷].

### رعایت مقررات

سؤال: آیا رزمندگان اسلام می‌توانند لباسها و وسایل دیگری را که به آنها داده می‌شود، در خارج از منطقه‌ی نظامی مورد استفاده قرار دهند (اعم از استفاده شخصی و عمومی - مثلا بسیج).  
 جواب: بستگی به مقررات دارد. [۳۲۸].

### اطعام با اجازه‌ی متصدیان

سؤال: آیا استفاده از مواد غذایی رزمندگان اسلام در داخل جبهه و مناطق جنگی که معمولا از محل هدایای مردم تهیه می‌شود برای گروههایی که از مسئولین و غیره برای بازدید به جبهه می‌روند، مجاز است؟ چون در غیر این صورت امکان تهیه و خرید مواد غذایی برای آنها نیست.  
 جواب: اگر از طرف متصدیان مربوطه داده می‌شود، اشکال ندارد. [۳۲۹].

## استفاده از اموال تابع مقررات

سؤال: رزمندگان جبهه حق تا چه مقدار اجازه‌ی استفاده از اموال عمومی دارند؟  
جواب: بسمه تعالی. در حدودی که مقررات دولت اسلامی اجازه می‌دهد استفاده مانع ندارد. [۳۳۰].

## سپر قرار دادن مردم در جنگ

### سپر قرار دادن مردم در دفاع

سؤال: اگر نیروهای باطل عده‌ای از مسلمانان از قبیل زنان کودکان، پیرمردان را سپر قرار دهند برای نبرد با دشمن آیا کشتن مسلمانان مذکور جایز است یا خیر؟  
جواب: بسمه تعالی. اگر دفاع از اسلام و مسلمین و سرکوب کردن مهاجمین متوقف بر آن باشد جایز است. [۳۳۱].

### در هجوم دشمن دفاع لازم است

سؤال: آیا به قتل رساندن سربازانی که مسلمانند اما بالاجبار یا به صورتهای دیگر به کشورهای اسلامی و مسلمین حمله کرده‌اند جایز است یا خیر؟  
جواب: بسمه تعالی. اگر حمله نمودند دفاع لازم است. [۳۳۲].

[ صفحه ۱۸۷ ]

## احکام همکاری با دشمن

### جاسوسان حکم مهاجم را دارند

سؤال: کشتن زن، پیرمرد، و کودکی که با نیروهای باطل همکاری می‌کند جایز است یا نه؟  
جواب: بسمه تعالی. حکم مهاجم را دارند. [۳۳۳].

### فرار از جبهه جایز نیست

سؤال: فرار از دشمن در کدام صورت حرام است و در کدام صورت جایز؟  
جواب: بسمه تعالی. فرار از جبهه در هیچ حالی جایز نیست. [۳۳۴].

## پرهیز از افشای اطلاعات جنگ

سؤال: برخی از رزمندگان بر اثر عدم توجه به حکم شرعی و بدون توجه به مسائل امنیتی و خطر استفاده‌ی دشمن و ایادی داخلی آنان، اطلاعات گوناگون از جبهه و جنگ را در مکالمات بین یگانهای رزمی و نامه و تلفن به خویشاوندان و امثال آن، با سادگی و صداقت مطرح کرده که در برخی موارد ضربه‌های جبران ناپذیری بر وضعیت جبهه‌ها داشته و باعث تأخیر و کندی عملیات و

ریختن خون فرزندان عزیز اسلام شده است، خواهشمند است نظر مبارک را در این مورد مرقوم فرمایند تا رزمندگان و فرماندهان عزیز به جان پذیرند و سرلوحه‌ی عمل خویش قرار دهند.

جواب: چنین کاری نباید بکنند و

[ صفحه ۱۸۸ ]

چنانچه در اثر بی توجهی آنان اتفاق ناگواری بیفتد در دنیا و آخرت مسئول خواهند بود. [۳۳۵].

## احکام پشتیبانی از جنگ

### پرداخت زکات به جنگ

سؤال: آیا می‌توان زکات را جهت مخارج جبهه‌های جنگ و بازسازی مناطق جنگی پرداخت نمود؟

جواب: بسمه تعالی. مانع ندارد. [۳۳۶].

### خیرات برای جنگ

سؤال: حمای احداث نمودم و تعهد نمودم درآمد آن را خرجی در راه حضرت ابوالفضل بنمایم و مدتی است هر سال ۱۰ روز روضه به نام آن حضرت بر پا می‌نمایم، و مبلغی از آن پول در اختیار است آیا می‌توانم در راه جنگزدگان به امام جمعه‌ی شهرمان تقدیم کنم، یا هر نوع اوامر بفرمایید خرج نمایم؟

جواب: بسمه تعالی. در عزاداری صرف نمایید و اگر چیزی زیاد می‌ماند می‌توانید در خیرات که بهترین آن در زمان حاضر کمک به جبهه و جنگزدگان است مصرف کنید. [۳۳۷].

[ صفحه ۱۸۹ ]

### صرف وجوهات برای جبهه

سؤال: آیا از خمس و زکات می‌توان برای مخارج جبهه استفاده کرد؟

جواب: بسمه تعالی. صرف زکات در رفع نیازمندیهای جبهه مانع ندارد، و از سهمین شریفین منوط به اجازه‌ی مرجع تقلید است. [۳۳۸].

### کسب اجازه در پرداخت وجوهات

سؤال: اینجانب در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ با توجه به فرمان و دستورهای امام دائر به کمک به پیروزی انقلاب و جنگزدگان و امور خیریه مبالغی را به نیت سهم امام - علیه‌السلام - پرداختم حال خواهشمندم جواب را مرقوم فرمایید که آیا وجوه پرداختی شرعا از سهم امام قبول است یا خیر و نیز بعدا هم از این نوع وجوه که می‌پردازم می‌توانم کلیه آن را به سهم امام منظور نمایم و یا

اینکه فقط قسمتی را که خودم اجازه پرداخت دارم قبول می‌شود؟  
 جواب: بسمه تعالی. آنچه تاکنون پرداخته‌اید قبول است و از این به بعد بدون اجازه عمل نکنید. [۳۳۹].

### اموال گمشده صرف صاحبش گردد

سؤال: اگر شخصی مال یا شی گمشده‌ای را پیدا کرد می‌تواند صرف جبهه کند؟  
 جواب: بسمه تعالی. گمشده باید

[ صفحه ۱۹۰ ]

به صاحبش برگردانده شود و اگر از پیدا کردن او مأیوس است از طرف او به فقرا صدقه بدهد. [۳۴۰].

### عواید موقوفه

سؤال: عواید موقوفه‌ای که برای روضه خوانی وقف شده می‌توان به جبهه فرستاد یا خیر؟  
 جواب: بسمه تعالی. عواید موقوفه باید در همان جهت وقف صرف شود. [۳۴۱].

### خرج سهم امام

سؤال: حضرت امام اجازه می‌فرمایند از سهم امام صرف جبهه یا مسجد محل یا کمک به ایتام نماییم؟  
 جواب: بسمه تعالی. عجالتا اجازه نمی‌دهم. [۳۴۲].

### احکام مربوط به اسرا

#### گرفتن اموال اسرا

سؤال: گرفتن اموال شخصی اسیران و نیز اموال غیر شخصی آنان صحیح است یا خیر؟  
 جواب: بسمه تعالی. اموال شخصی اسرا را نباید از آنان بگیرند و

[ صفحه ۱۹۱ ]

ادوات جنگی را باید از چنگ آنان درآورده و به مسئولین مربوطه تحویل دهند. [۳۴۳].

#### تملك اموال اسرا

از اسرای عراقی چیزهایی (از پول و غیره) گرفته می‌شود یا خود آنها می‌دهند از روی ترس و یا در سنگرها چیزها و اموالی پیدا می‌شود و یا از مقتولین لشکر عراق کشندگان آنها یا غیر کشندگان پول یا غیره برمی‌دارند، این برداشتنها جایز است یا خیر؟ و آیا مالک می‌شوند؟ و در صورت عدم جواز و عدم مالکیت چه بکنند؟

جواب: بسمه تعالی. از اسرا نباید چیزی بگیرند و آنچه از سنگرها و مقتولین به دست می‌آید و در غیر مهمات، رزمندگان می‌توانند برای خود بردارند. [۳۴۴].

### رسیدگی به اموال اسرا

سؤال: آیا می‌توان از اسرای عراقی اشیایی را گرفت مانند اسلحه و غیر اسلحه و تکلیف این اشیا چیست و به چه کسی و یا مقامی تعلق می‌گیرد و خمس در آن هست یا نیست؟ و اگر بعضی اشیا از آنجا آورده شده باشد و صاحبش فعلاً مجهول باشد تکلیف چیست؟

جواب: اموال اسرا مخصوص

[ صفحه ۱۹۲ ]

خودشان است و از غنایم محسوب نمی‌شود و رسیدگی موکول است به دولت اسلامی. [۳۴۵].

### اهانت به اسرا

سؤال: آیا اهانت نسبت به اسرا جایز است یا خیر؟

جواب: اهانت جایز نیست بلکه نسبت به آنان باید اخلاق اسلامی را مراعات نمود. [۳۴۶].

### حکم قتل اسرا

سؤال: تا چه موقع می‌توان اسیران را کشت؟ آیا تکلیف ما در رابطه با آن عراقی‌هایی که گاهی تا آخرین گلوله می‌جنگند و سپس تسلیم می‌شوند چیست؟

آیا اسیرانی که به پشت خط منتقل می‌کنند به هیچ وجه نمی‌شود کشت؟ حتی اگر یقین داشته باشیم که فردی یا افرادی از ما را کشته است؟ اگر جایز نیست حکم قاتل این نوع اسرا چیست؟ آیا قاتل نفس محترمه است یا نه؟  
جواب: با اسرا پس از تسلط یافتن باید با اخلاق اسلامی رفتار کنند. [۳۴۷].

[ صفحه ۱۹۳ ]

### احکام مربوط به غنایم جنگی

#### تصرف در غنایم

سؤال: تصرف و تملک در کدامیک از غنایم و با چه شرایطی برای رزمندگان جایز است؟

جواب: بسمه تعالی. در غیر ادوات جنگی برداشتن اشیای مختصر از قبیل لباس و ساعت و رادیو و امثال آن برای رزمندگان اشکال ندارد. [۳۴۸].

**تصرف در اموال مقتولین**

سؤال: اگر سرباز اسلام شخصی از سربازان صدام را به قتل برساند آیا اگر لباس و ساعت و پول و رادیو و امثال اینها را به عنوان غنایم جنگی از او برای خود بردارد و خمس آن را هم بدهد متعلق به خودش می‌شود یا باید به دولت جمهوری اسلامی تحویل دهد؟

جواب: بسمه تعالی. می‌تواند برای خود بردارد و خمس واجب نیست. [۳۴۹].

**تملك در اموال غنیمتی**

سؤال: چه مقدار از غنایم را افرادی که در جبهه هستند می‌توانند قصد تملك کنند و آیا این مقدار از مورد تعلق خمس هست یا نه؟

جواب: بسمه تعالی. اسلحه را باید تحویل دهند و مختصرات مثل

[ صفحه ۱۹۴ ]

ساعت و لباس را می‌تواند تملك کنند و خمس ندارد و در زیادتر موکول به نظر دولت اسلامی است. [۳۵۰].

**تصرف در دینار غنیمتی**

سؤال: یکی از برادران رزمنده مبلغ ۹۰۰ دینار عراقی در یکی از سنگرهای دشمن به دست آورده تکلیف این وجه را معین فرمایید، مبلغ مزبور حدود ۴۰ - ۳۰ هزار تومان ارزش دارد و بر فرض اینکه باید از مقامات مربوطه اجازه بگیرد آیا اجازه می‌فرماید که ایشان خودش قصد تملك کند و در آن تصرف کند؟

جواب: بسمه تعالی. برای تعیین تکلیف مبلغ مزبور، به مسئولین مربوطه مراجعه شود. [۳۵۱].

**تصرف در اموال مقتولین دشمن**

سؤال: بعضی از جوانانی که به جبهه جنگ رفته‌اند سؤال می‌کنند برداشتن چیزهایی از قبیل انگشتر، لباس و کفش دشمن، چه صورت دارد آیا استفاده از آنها جایز است یا خیر؟

جواب: برای مقاتلین برداشتن چیزهای مختصر مثل آنچه ذکر شده و تصرف در آن اشکال ندارد. [۳۵۲].

[ صفحه ۱۹۵ ]

**شرایط تصرف در غنایم جنگی**

سؤال: آیا رزمندگان اسلام می‌توانند در غنایم به دست آمده از دشمن، تصرف شخصی نمایند؟ و ضمناً در صورت تعلق بعضی از غنایم به رزمندگان به کدام رزمنده می‌رسد؟

جواب: روشن است که رزمندگان ما که در راه خدا و خدمت به اسلام از جان خود می‌گذرند برای غنیمت نمی‌جنگند و نباید در

فکر آن باشند، ولی در غنایم به دست آمده آلات و ادوات جنگی مربوط به دولت اسلامی است، و در غیر آن تصرف برای هر رزمنده‌ای که به دست آورده مانع ندارد مگر مسئولین امر در دولت اسلامی مقررات خاصی وضع نموده باشند. [۳۵۳].

### مجوز تصرف در غنایم

سؤال: الاموال و الحاجات فی المواضع العراقیه فی الجبهه بعد الهجوم، ما هو حکمها و هل يجوز اخذها؟  
جواب: يجوز اخذ الغنائم للمقاتلين و يجوز التملك فی الأشياء المختصره منها و اما الاسلحه فلا- بد من تحويلها الى المقامات المسؤوله فی الجمهوریه الاسلامیه. [۳۵۴].

[ صفحه ۱۹۶ ]

### تصرف در اموال سپاه

سؤال: در عملیات جنگی غنایمی به دست می آید مثل رادیو، اورکت و ساعت، بعضی اورکتها مال سپاه ایران است ندانسته برداشته می شود آن هم با اجازه فرمانده عملیات، الآن سپاه شهرستان می گوید باید اورکتها را تحویل دهید، حکم شرعی را بیان فرمایید.  
جواب: اگر مربوط به سپاه بوده با مطالبه‌ی سپاه باید تحویل دهند. [۳۵۵].

### استفاده از غنایم جنگی

سؤال: وضع نگهداری غنایم جنگی - که متعلق به ارتش عراق است - یا استفاده از آنها برای آموزش چه صورتی دارد؟  
جواب: موکول به نظر مسئولین مربوطه است. [۳۵۶].

### تملك اموال متصرف شده

سؤال: در حمله‌ی بیت المقدس که برای آوردن تانکها و اتومبیلهای سانحه دیده به خط مقدم جبهه می رفتیم، با سنگرهای پر از تجهیزات سربازان فریب خورده‌ی دشمن برخورد نمودیم، من مقداری از اجناس داخل سنگر را با خود آوردم که از آن جمله است: ۶ عدد پتو، ۲ عدد چراغ، کوله پشتی و یک عدد سر نیزه، البته ۳ عدد از پتوها را به سه خانواده‌ی مستحق دادم؛ آیا می توانم از این اجناس در منزل استفاده کنم؟  
جواب: سرنیزه را باید به مراکز مربوطه‌ی ارتش یا سپاه تحویل دهید و

[ صفحه ۱۹۷ ]

سایر اشیای مذکوره اگر محل حاجت شما است، مجازید از آن استفاده کنید. [۳۵۷].

### حکم غنیمت اموال

سؤال: در هنگام گرفتن غنایم، اگر معلوم نشود که این مالها از خود دشمن است یا اینکه آنها را از ما غارت کرده‌اند - مثلا در فتح



خرمشهر، اموالی به دست رزمندگان آمده که نمی‌دانند، آنها از اموال غارت شده‌ی مردم است یا اینکه مال خود عراقی‌هاست - تکلیف چیست؟  
جواب: آنچه که تحت ید و استیلاي دشمن است، حکم غنیمت دارد، مگر آن که محرز شود که از سابق غارت کردند. [۳۵۸].

### استفاده‌ی مختصر از غنایم

سؤال: رزمنده‌ای که مستقیماً در جبهه شرکت دارد و یک یا چند نفر از مزدوران بعثی را به هلاکت رسانده آیا حق دارد لباس، ساعت، کفش یا سایر لوازم که همراه مقتول است برای خود بردارد و در جبهه یا غیر جبهه استفاده نماید یا نه؟  
اگر رزمندگانی در معرکه شرکت داشته و گروهی از آنان دشمن را هلاک نمودند و پیشرفت کردند و گروه بعدی که به دنبال آنها در جنگ شرکت دارند سر رسیدند آیا گروه دوم یا سایر کسانی که

[ صفحه ۱۹۸ ]

کارشان حمل و نقل و تدارکات و رانندگی و غیره هستند می‌توانند از لوازم به جا مانده به عنوان غنیمت بردارند یا نه؟ و آیا در غنایم قسم اول و دوم کسانی که حق استفاده دارند آیا تکلیف خمس هم نسبت به آن دارند یا نه؟  
جواب: استفاده در چیزهای مختصر برای کلیه مقاتلین اشکال ندارد و خمس واجب نیست. [۳۵۹].

### مراعات احتیاط در تملک

سؤال: افرادی که در جنگ با عراقی‌ها مصادف با اجساد عراقی‌ها می‌شوند بعضی از چیزها را به عنوان غنیمت برای خود برمی‌دارند؛ در این مسأله آیا فرق می‌کند که این افراد مسلحانه بجنگند یا آنکه پشت جبهه مأمور دفن اجساد عراقی‌ها باشند و در حال دفن، لباس و ساعت را همراه خود بردارند و بیاورند؟  
جواب: مشکل است و احتیاط را مراعات کنند. [۳۶۰].

### مراسم دعا در قبور شهدا

سؤال: اگر شب به مزار شهدا برویم و روی قبر آنها دعای توسل یا زیارت عاشورا یا فاتحه و غیره بخوانیم، آیا جایز است؟  
جواب: جایز است. [۳۶۱].

[ صفحه ۱۹۹ ]

### تسلیم خمس و سهم امام به مراجع

سؤال: آیا می‌شود بابت خمس، آن مبلغی که تعلق می‌گیرد به حساب دولت جمهوری اسلامی ایران واریز نمود؟ آیا می‌شود خمس آن مبلغی که تعلق می‌گیرد به حساب جنگ زندگان واریز نمود؟  
جواب: بسمه تعالی. باید خمس و سهم امام را به مرجع تقلید یا وکیل مسلم الوکاله او بدهند یا طبق اجازه‌ی ایشان مصرف شود.

[۳۶۲].

**پس انداز حقوق خمس دارد**

سؤال: آیا خمس بر سرباز واجب است؟ لازم به تذکر است که اینجانب مجرد بوده و ماهانه حدود هزار تومان از ارتش حقوق می‌گیرم که مقداری از این مبلغ را برای آینده پس انداز می‌کنم و تا به حال حدود یک سال و نیم است که در ارتش هستم و خمس هم نداده‌ام، تکلیف چیست؟

جواب: هر مقدار از حقوق که پس انداز شده، خمس دارد. [۳۶۳].

**قبول شهادت در نزد خداوند**

سؤال: در صورت راضی نبودن والدین اگر شخصی به جبهه رفته و شهید شود آیا اینگونه شهادت مورد پذیرش خداوند می‌باشد یا نه؟

جواب: بسمه تعالی. بلی شهید هستند. [۳۶۴].

[ صفحه ۲۰۰ ]

**احکام متفرقه مربوط به جنگ****فراق والدین**

سؤال: افرادی که با اذن پدر و مادر خود به جبهه می‌روند ولی آنها در فراق آنان یا بعد از شهادت آنها ناراحت می‌شوند اشکالی ندارد؟

جواب: بسمه تعالی. اشکال ندارد. [۳۶۵].

**پاسدار شدن خواهران**

سؤال: دختری هستم که علاقه دارم به خاطر خدمت به انقلاب در سپاه پاسداران وارد شوم ولی پدرم موافقت نمی‌کند، خواهشمندم حکم شرعی را بیان فرمایید.

جواب: پاسدار شدن خواهران هم با مراعات وظایف شرعیه مانع ندارد، ولی شما مراعات رضایت پدرتان را بکنید. [۳۶۶].

**ورود معممین به سپاه**

سؤال: برادرانی که معمم هستند آیا رفتن اینها به سپاه یعنی برای همیشه ثبت نام می‌کنند و در سپاه می‌مانند چطور است؟

جواب: بسمه تعالی. برای ارشاد و تعلیم معارف اسلامی مانع ندارد. [۳۶۷].

[ صفحه ۲۰۱ ]

### رعایت مقررات بسیج

سؤال: اینجانب مدتی قبل از طریق بسیج به جبهه اعزام شدم و طی حمله‌ای که نمودیم اورکتی را که همراه داشتم و بسیج سپاه آن را در اختیار من گذاشته بود مفقود گردید و پس از پایان مدت مأموریت، یکی از برادران آن را پیدا نموده و به اینجانب تحویل داد و در حال حاضر این اورکت در اختیار من است، آیا می‌شود آن را برای خودم نگهداشته ثمن آن را به بیت المال بپردازم و در صورت مثبت بودن بهای آن موقع را یا بهای کنونی را؟

جواب: بسمه تعالی. تابع مقررات بسیج است. [۳۶۸].

### خطاب افراد به برادر و خواهر

سؤال: خطاب به افراد به برادر یا خواهر قبل از شناسایی خط به مسیر آنها اشکال دارد؟

جواب: بسمه تعالی. اشکال ندارد. [۳۶۹].

### نوشتن وصیتنامه

سؤال: آیا نوشتن وصیتنامه واجب است یا مستحب؟

جواب: بسمه تعالی. واجب نیست مگر در مواردی که حق واجبی بر عهده‌ی شخص باشد و نتواند ادا نماید که واجب می‌شود وصیت نماید. [۳۷۰].

[ صفحه ۲۰۲ ]

### رعایت مقررات شرعی در پاسداری

سؤال: در بعضی از مکانهای حساس و مقرهای سپاه و بسیج و خانه‌های شخصیت‌های مملکتی، پاسدارها و نیروهای انتظامی مجبور هستند به خانه‌های اطراف و یا به پشت بامها، یا توی خانه‌ها نگاه بکنند، آیا این امر از نظر شرعی صحیح می‌باشد؟

جواب: بسمه تعالی. مقررات شرعی را باید مراعات نمایند. [۳۷۱].

### استفاده شخصی با رعایت مقررات

سؤال: استفاده شخصی از وسایل نقلیه (موتور - ماشین) و وسایل دیگر سپاه و دیگر ارگانهای انقلابی و دولتی جایز است یا نه؟ و در چه شرایطی می‌توان از آنها استفاده نمود؟

جواب: بسمه تعالی. بستگی به مقررات دارد، و تا معلوم نباشد که از نظر مقررات استفاده‌های شخصی بلامانع است نباید استفاده کنند. [۳۷۲].

### دعوت میهمانان به غذاخوری سپاه

سؤال: گاهی پاسدار و یا کارمند اداری دوست خود را که همراه اوست به محل غذا خوری سپاه یا اداره‌ی مربوطه می‌آورد و از غذای سپاه یا اداره می‌خورد چه صورتی دارد؟  
 جواب: بسمه تعالی. اگر میهمان آوردن متعارف باشد اشکال ندارد. [۳۷۳].

[ صفحه ۲۰۳ ]

### سوار کردن افراد با اذن مسئولین

سؤال: راننده دولتی در مسیر مأموریت خود فردی را که به مسیرش می‌خورد سوار می‌کند، از نظر شرعی چگونه است؟  
 جواب: بسمه تعالی. بدون اجازه‌ی مسئولین جایز نیست. [۳۷۴].

### تقسیم غذای اضافی بین فقرا

سؤال: گاهی در سپاه پاسداران مقداری غذا اضافه می‌آید، آیا می‌توان به فقرا داد؟  
 جواب: منوط به اجازه‌ی مسئولین است. [۳۷۵].

### تبعیت از مقررات ارتش

سؤال: بر اساس آیین نامه ارتش جمهوری اسلامی ایران فصل ۱۲ ماده‌ی ۱۱۰، موی سر نظامیان بویژه اطراف سر و پشت گردن آنها باید همیشه کوتاه بوده و چنانچه مایل به گذاردن ریش باشند بایستی ریش آنها بیشتر از نمره‌ی چهار نباشد؛ در این رابطه از سوی ارتش بخشنامه‌ای صادر گردیده و در آن قید شده که ماده ۱۱۰ آیین نامه جهت حفظ نظم لازم الاجرا است، از آنجا که مسأله‌ی حد ریش یک مسأله فقهی است، آیا امر فرماندهان در این مورد قابل اجراست؟  
 جواب: بسمه تعالی. تبعیت از مقررات ارتش لازم است. [۳۷۶].

[ صفحه ۲۰۴ ]

### واریز سهمین شهدا به حساب ۱۰۰

سؤال: من، مادر و تنها وارث دو فرزند شهیدم، از خداوند متعال خواستارم همین طور که ایثارگرانه جان فرزندان دلبندم را در راه اسلام و انقلاب با آگاهی کامل تقدیم نمودم که ان شاء الله امیدوارم این دو قربانی مورد قبول حقتعالی واقع گردد، حاضریم مال ایشان را (که الان به ارث، مال من شده) نیز در همین راه تقدیم نمایم، در این رابطه مبلغ پنجاه هزار تومان به حساب ۱۰۰ امام [۳۷۷] به نیت سهمین در بانک مرکزی تهران ریخته‌ام، آیا قبول است یا نه؟

جواب: بسمه تعالی. وجه مزبور را اگر بابت ادای سهمین به حساب مذکور ریخته‌اید قبول است، ان شاء الله موفق باشید. [۳۷۸].

### فروش اسلحه با مقررات دولت اسلامی

سؤال: آیا فروختن سلاح به کسانی که برای حفظ خود و یا دفاع از منطقه‌ی خود خرید می‌نمایند جایز است یا خیر؟  
جواب: بدون مراعات مقررات دولت اسلامی جایز نیست. [۳۷۹].

## باورقی

- [۱] حج / ۳۸.
- [۲] صحیفه نور؛ ج ۲۰، ص ۲۳۶.
- [۳] صحیفه نور؛ ج ۴، ص ۱۵.
- [۴] صحیفه نور؛ ج ۲، ص ۷۶.
- [۵] صحیفه نور؛ ج ۱۳، ص ۸۴.
- [۶] صحیفه نور؛ ج ۲۰، ص ۱۱۳.
- [۷] صحیفه نور؛ ج ۲۰، ص ۲۳۶.
- [۸] صحیفه نور؛ ج ۲۱، ص ۴۱.
- [۹] ۵۷ / ۸ / ۸، بیانات امام در مورد تبلیغات اجانب بر علیه اسلام و روحانیت، صحیفه نور ۲، ص ۲۳۶-۷.
- [۱۰] ۵۷ / ۸ / ۹، بیانات در مورد لزوم اتحاد قوای مسلمین در مقابل دسایس استعمارگران، صحیفه نور ۲، ص ۲۵۳.
- [۱۱] ۵۷ / ۸ / ۲۱، بیانات امام خمینی پیرامون ابعاد سیاسی - عبادی اسلام، صحیفه نور ۳، ص ۱۲۱.
- [۱۲] ۵۶ / ۱۰ / ۱۰، بیانات امام پس از شهادت حاج آقا مصطفی، صحیفه نور ۱، ص ۴ - ۲۶۳.
- [۱۳] ۵۸ / ۲ / ۲، بیانات امام در جمع عشایر نیریز فارس و نمایندگان ستاد نیروی هوایی، صحیفه نور ۶، ص ۶۰.
- [۱۴] ۵۸ / ۳ / ۱۱، بیانات امام در جمع گروهی از بانوان اهواز، صحیفه نور ۷، ص ۵ - ۴۴.
- [۱۵] ۵۸ / ۴ / ۱۳، بیانات امام در جمع کارکنان بهداری و بهزیستی آذربایجان شرقی، صحیفه نور ۸، ص ۱۹ - ۲۰.
- [۱۶] ۵۹ / ۳ / ۱۴، بیانات امام در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده معارف اسلامی، صحیفه نور ۱۲، ص ۱۴۸.
- [۱۷] ۵۹ / ۸ / ۱۲، بیانات امام در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، صحیفه نور ۱۳، ص ۵ - ۱۴۴.
- [۱۸] ۶۰ / ۴ / ۸، بیانات امام در جمع اقشار مختلف مردم، صحیفه نور ۱۵، ص ۵۰.
- [۱۹] ۶۴ / ۱ / ۱۵، بیانات امام در جمع ائمه جماعات قم و... به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین، صحیفه نور ۱۹، ص ۶ - ۱۳۵.
- [۲۰] ۵۷ / ۸ / ۱۴، بیانات امام در مورد تبلیغات اجانب علیه اسلام و روحانیت، صحیفه نور ۳، ص ۸.
- [۲۱] ۵۷ / ۸ / ۱۷، بیانات امام در مورد توبه و تعهدات دروغین شاه، صحیفه نور ۳، ص ۶۸.
- [۲۲] ۵۷ / ۸ / ۲۱، بیانات امام پیرامون ابعاد سیاسی، عبادی اسلام، صحیفه نور ۳، ص ۱۲۲.
- [۲۳] ۵۸ / ۴ / ۱۷، بیانات امام در جمع کارکنان جامعه اسلامی وزارت دارایی، صحیفه نور ۸، ص ۲ - ۸۱.
- [۲۴] کهف / ۶.
- [۲۵] «لافضل لعربی علی عجمی و لا عجمی علی عربی»، تفسیر درالمنثور؛ ج ۷، ص ۵۸۰.
- [۲۶] ۵۸ / ۶ / ۲۷، بیانات امام در جمع گروهی از علما و نمایندگان مردم تبریز، صحیفه نور ۹، ص ۱۶۲.
- [۲۷] ۵۸ / ۷ / ۲، بیانات امام در جمع فرماندهان سپاه، صحیفه نور ۹، ص ۱۹۲.
- [۲۸] ۵۸ / ۸ / ۱۱، بیانات امام در جمع دانشجویان عربستان سعودی مقیم ایران، صحیفه نور ۱۰، ص ۱۱۷.
- [۲۹] ۵۸ / ۹ / ۲۱، بیانات امام در جمع جامعه پیشه‌وران اصفهان، صحیفه نور ۱۰، ص ۲۷۵.

- [۳۰] ۲ / ۱۰ / ۵۸، بیانات امام در جمع کارکنان بخش خبر صدا و سیما، صحیفه نور ۱۱، ص ۸۴.
- [۳۱] ۳ / ۲۰ / ۵۹، بیانات امام در جمع مدیران صندوقهای قرض الحسنه سراسر کشور، صحیفه نور ۱۲، ص ۱۷۱.
- [۳۲] ۴ / ۱۵ / ۵۹، بیانات امام در جمع پرسنل نیروی دریایی ارتش، صحیفه نور ۱۲، ص ۲۲۳.
- [۳۳] «لعلک باخع نفسک الا یكونوا مؤمنین» ای رسول، تو چنان در اندیشه هدایت خلقی که خواهی جان عزیزت را از غم اینکه ایمان نمی‌آورند هلاک سازی (شعرا / ۳).
- [۳۴] «ضربه‌ی علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین» بحار الانوار؛ ج ۳۹، ص ۲ - ۱.
- [۳۵] ۴ / ۱۱ / ۵۹، بیانات امام در جمع نمایندگان مجلس و هیأت دولت، صحیفه نور ۱۴، ص ۳ - ۲۲.
- [۳۶] نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۵.
- [۳۷] جنگ جمل در بصره به سرکردگی عایشه و طلحه و زبیر، جنگ صفین در مکانی به همین نام با معاویه و جنگ نهروان با خوارج.
- [۳۸] ۶ / ۱۸ / ۶۰، بیانات امام در جمع ائمه جماعات استان خراسان، صحیفه نور ۱۵، ص ۹ - ۱۴۶.
- [۳۹] ۱۰ / ۲۳ / ۶۰، بیانات امام در دیدار با رئیس جمهور، صحیفه نور ۱۶، ص ۲.
- [۴۰] ۱۰ / ۱۹ / ۶۱، بیانات امام در دیدار با رئیس دیوانعالی کشور، صحیفه نور ۱۷، ص ۱۴۹.
- [۴۱] اشاره به لشکری که پیامبر (ص) برای فرستادن به مرز روم تهیه دیده و فرماندهی آن را بر عهده اسامه بن زید نهاده بود.
- [۴۲] ۳ / ۱۴ / ۶۲، بیانات امام در دیدار با رئیس مجلس و نمایندگان، صحیفه نور ۱۷، ص ۲۷۷.
- [۴۳] قاتلوهم حتی لا تكون فتنه (بقره / ۱۹۳، انفال / ۳۹).
- [۴۴] ۹ / ۲۰ / ۶۳، بیانات امام در دیدار با رئیس جمهور...، صحیفه نور ۱۹، ص ۴ - ۸۳.
- [۴۵] ۷ / ۲۳ / ۵۷، بیانات امام در مورد مطالعه اجانب در مورد شرقیان، صحیفه نور ۲، ص ۱۶۴.
- [۴۶] ۸ / ۳ / ۵۷، بیانات امام در مورد عفو زندانیان سیاسی رژیم شاه، صحیفه نور ۲، ص ۲۰۸.
- [۴۷] حکومت‌های شاهنشاهی ایران را کسری می‌نامیدند و کسری نام کاخی است در شهر مدائن عراق و هنگام تولد حضرت محمد مصطفی (ص) سقف این کاخ ترک می‌خورد و چند کنگره‌ی این کاخ فرو می‌ریزد.
- [۴۸] ۸ / ۱۴ / ۵۷، بیانات امام در مورد تبلیغات اجانب علیه اسلام، صحیفه نور ۳، ص ۷ - ۵.
- [۴۹] ۲ / ۲۹ / ۵۸، بیانات امام در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان، صحیفه نور ۶، ص ۲۰۲.
- [۵۰] ۴ / ۵ / ۵۸، بیانات امام در جمع کارکنان جهاد سازندگی و شرکت نفت، صحیفه نور ۷، ص ۲۰۵.
- [۵۱] اشاره به مسجد اعظم قم در جوار حضرت معصومه که توسط آیت الله بروجردی ساخته شد.
- [۵۲] ۶ / ۱۲ / ۵۸، بیانات امام در جمع خانواده شهید سرهنگ فراشاهی، صحیفه نور، ۹، ص ۲۹.
- [۵۳] ۱۰ / ۲ / ۵۸، بیانات امام در جمع بخش خبر صدا و سیما، صحیفه نور ۱۱، ص ۸۱.
- [۵۴] ۶ / ۸ / ۵۹، بیانات امام در جمع دانشجویان پاکستانی، صحیفه نور ۱۳، ص ۵۳.
- [۵۵] ۶ / ۹ / ۶۱، بیانات امام در دیدار با رئیس مجلس و نمایندگان، صحیفه نور ۱۶، ص ۳ - ۲۷۲.
- [۵۶] ۹ / ۱۱ / ۶۱، بیانات امام در جمع ائمه جمعه و روحانیون همدان، صحیفه نور ۱۷، ص ۹۷.
- [۵۷] ۹ / ۱۹ / ۶۳، بیانات امام در رابطه با تقویت ستاد انقلاب فرهنگی، صحیفه نور ۱۹، ص ۸۰.
- [۵۸] ۳ / ۸ / ۶۶، بیانات امام در جمع مسئولان کشوری و لشکری، صحیفه نور ۲۰، ص ۸۶.
- [۵۹] جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ م.) بین متفقین (امپراتوری بریتانیا، فرانسه، روسیه، ایتالیا، ایالات متحده آمریکا، ژاپن،

بلژیک، صربستان، مونته‌نگرو، یونان، پرتغال، رومانی) و دول مرکزی (آلمان، اتریش - مجارستان، عثمانی، بلغارستان). تعداد تلفات ۱۰ میلیون نفر کشته و ۲۰ میلیون نفر مجروح تخمین شده است. با قتل ولیعهد اتریش در ساریوو مرکز بوسنی به دست یکی از اهالی صربستان، اتریش به صربستان اعلان جنگ داد. دولت عثمانی در نوامبر ۱۹۱۴ به کمک آلمان و اتریش وارد جنگ شد. سپاهیان عثمانی از راه فلسطین به کانال سوئز حمله کردند ولی توفیقی نیافتند. اعراب حجاز در ۱۹۱۶ بر علیه حکومت عثمانی شوریدند و این شورش تا دمشق گسترش یافت.

متفقین در فوریه ۱۹۱۷ کوت العماره، و در ماه مارس بغداد و در سپتامبر اورشلیم را تصرف کردند. در سپتامبر ۱۹۱۸ در فلسطین تقریباً همه‌ی ارتش عثمانی اسیر شد و سوریه به اشغال درآمد.

دمشق، حلب و ارتش عثمانی در دجله تسلیم شدند و قسطنطنیه (استانبول) به خطر افتاد و ۳۰ اکتبر دولت عثمانی قرار داد متارکه‌ی جنگ را امضا کرد. (دایرة المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ج ۱، صص، ۷ - ۷۵۵) جنگ جهانی اول به حیات امپراتوری عثمانی خاتمه داد. حجاز و نجد، متحد شده و عربستان سعودی را تشکیل دادند. یمن و مصر از سلطه امپراتوری عثمانی درآمد و در فلسطین صهیونیست‌ها فرصت یافتند تا دست به ایجاد «کانون ملی یهودیان» بزنند. (فرهنگ تاریخی - سیاسی ایران و خاورمیانه، غلامرضا علی بابایی، رسا، ص ۲۱۰).

[۶۰] مصطفی کمال پاشا (۱۳۵۷ - ۱۲۹۹ ه. ق) ملقب به آتاتورک (پدر ترک)، وی امپراتوری عثمانی را پس از آنکه توسط استعمارگران از هم پاشیده شده بود به جمهوری تبدیل کرد و کشور عثمانی را ترکیه نامید و از سال ۱۳۴۲ ه. ق تا پایان عمر در مقام ریاست جمهوری باقی ماند. وی ضمن ترویج تمدن غرب به مخالفت با اسلام پرداخت، جدایی دین از سیاست، کشف حجاب، خلع لباس روحانیت تبدیل خط ملی به لاتین و بستن مدارس و مساجد از جمله اقدامات ضد اسلامی آتاتورک به شمار می‌آید.

[۶۱] ۱۸ / ۶ / ۴۳، بیانات در مورد نقشه‌های استعمار برای غارت ممالک اسلامی، صحیفه نور، ۱، ص ۸ - ۸۷.

[۶۲] ۱۹ / ۱۰ / ۵۶، بیانات امام به مناسبت فاجعه کشتار نوزده دی، صحیفه نور، ۱، ص ۲۶۸.

[۶۳] ۵ / ۹ / ۵۷، بیانات امام در مورد پوچی ادعای به هم خوردن ثبات منطقه در صورت نبودن شاه، صحیفه نور، ۳، ص ۲۶۳.

[۶۴] ۱۷ / ۱۰ / ۵۷، بیانات امام در مورد تبلیغات شیطنت آمیز شاه، صحیفه نور، ۴، ص ۱۵۰.

[۶۵] ۱۵ / ۲ / ۵۸، بیانات امام در جمع نمایندگان احزاب آزادی بخش اسلام، صحیفه نور، ۶، ص ۱۱۵.

[۶۶] ۲۹ / ۲ / ۵۸، بیانات امام در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان، صحیفه نور، ۶، ص ۲۰۴.

[۶۷] آدلف هیتلر (۱۹۴۵ - ۱۸۸۹ م.) در سال ۱۹۲۱ به رهبری حزب کارگران ناسیونال سوسیالیست آلمان که بعداً به حزب نازی معروف شد، رسید و در سال ۱۹۳۳ صدر اعظم آلمان شد. و عامل بزرگترین، خونین‌ترین جنگ در جهان شد.

[۶۸] ۱۶ / ۴ / ۵۸، بیانات امام در جمع پاسداران کمیته انقلاب اسلامی حصارک کرج، صحیفه نور، ۸، ص ۵۳.

[۶۹] وینستون چرچیل (۱۹۶۵ - ۱۸۷۴ م.) در دو دوره‌ی ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ و ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵ نخست وزیر بریتانیا بود و در ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۵ درگذشت.

[۷۰] ۲۱ / ۴ / ۵۸، بیانات امام در جمع کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی، صحیفه نور، ۸، ص ۱۰۵.

[۷۱] ۲۰ / ۱۰ / ۵۸، بیانات امام در جمع دانشجویان پیرو خط امام، صحیفه نور، ۱۱، ص ۲۳۴.

[۷۲] ۱۴ / ۳ / ۵۹، بیانات امام در جمع شرکت کنندگان کنفرانس بررسی مداخلات امریکا، صحیفه نور، ۱۲، ص ۶ - ۱۳۵.

[۷۳] ۱۱ / ۳ / ۶۰، بیانات امام در جمع اقشار مختلف مردم تبریز، صحیفه نور، ۱۴، ص ۵ - ۲۵۴.

[۷۴] ۱۱ / ۷ / ۶۱، بیانات امام در جمع دانشجویان دانشکده افسری، صحیفه نور، ۱۷، ص ۴۷.

- [۷۵] ۲۵ / ۹ / ۵۷، بیانات امام در مورد حقوق بشر، صحیفه نور ۴، ص ۷۳.
- [۷۶] ۲۹ / ۹ / ۵۸، بیانات امام در جمع راهپیمایان کفن‌پوش کورانده و دانش‌آموزان نهاوند، صحیفه نور ۱۱، ص ۶۲.
- [۷۷] ۲۰ / ۳ / ۵۹، بیانات امام در جمع مدیران صندوقهای قرض الحسنه کشور، صحیفه نور ۱۲، ص ۱۷۲.
- [۷۸] ۸ / ۷ / ۵۹، بیانات امام در جمع مردم مرزنشین کشورمان، صحیفه نور ۱۳، ص ۱۰۷.
- [۷۹] ۶ / ۸ / ۵۹، بیانات امام در دیدار با نخست وزیر هیأت دولت و نمایندگان مجلس، صحیفه نور ۱۳، ص ۱۳۸.
- [۸۰] ۲۰ / ۱ / ۶۰، بیانات در جمع معاودین عراقی در آستانه سالگرد شهادت آیت الله صدر، صحیفه نور ۱۴، ص ۷ - ۱۷۶.
- [۸۱] ۱۸ / ۱۲ / ۶۰، بیانات امام در جمع رزمندگان ارتش و سپاه، صحیفه نور ۱۶، ص ۶۹.
- [۸۲] ۲۸ / ۱ / ۶۱، بیانات امام در جمع دلاوران سپاه اسلام و دانشجویان مسلمان مقیم خارج، صحیفه نور ۱۶، ص ۲ - ۱۳۱.
- [۸۳] ۲۱ / ۱۱ / ۶۵، بیانات امام در دیدار با مسئولان کشور و مردم و مهمانان خارجی دهه فجر، صحیفه نور ۲۰، ص ۶۳.
- [۸۴] ۲۱ / ۸ / ۵۶، پیام امام به ملت ایران پس از شهادت حاج آقا مصطفی، صحیفه نور ۱، ص ۲۵۰.
- [۸۵] ۲۲ / ۵ / ۵۷، پیام امام به مردم مسلمان ایران، صحیفه نور ۲، ص ۸۸.
- [۸۶] ۱۸ / ۶ / ۵۸، بیانات امام در جمع کارکنان واحد پخش رادیو، صحیفه نور ۹، ص ۷۴.
- [۸۷] ۶ / ۱۰ / ۵۸، بیانات امام در جمع اعضای مؤسسه اسلامی مبارزه با اعتیاد، صحیفه نور ۱۱، ص ۱۱۷.
- [۸۸] ۲۳ / ۱۰ / ۵۸، اخطار شدید امام به شوروی، صحیفه نور ۱۱، ص ۲۴۴.
- [۸۹] ۱ / ۱۲ / ۵۸، پیام امام در رابطه با هفته بسیج، صحیفه نور ۱۱، ص ۲۷۵.
- [۹۰] ۱ / ۱ / ۵۹، پیام امام به مناسبت حلول سال جدید، صحیفه نور ۱۲، ص ۱۹.
- [۹۱] ۲۶ / ۱ / ۵۹، بیانات امام در جمع اعضای بسیج شهرستانها، صحیفه نور ۱۲، ص ۴۴.
- [۹۲] ۵ / ۷ / ۵۹، بیانات امام خطاب به ملت و ارتش ایران و عراق، صحیفه نور ۱۳، ص ۱۰۴.
- [۹۳] مراد صدام حسین رئیس جمهور عراق است.
- [۹۴] ۸ / ۷ / ۵۹، بیانات امام در جمع مرزنشینان کشورمان، صحیفه نور ۱۳، ص ۱۰۹.
- [۹۵] ۱۶ / ۸ / ۵۹، بیانات امام در جمع حجاج پاکستانی، صحیفه نور ۱۳، ص ۱۶۵.
- [۹۶] ۲۷ / ۵ / ۶۰، بیانات امام در جمع اعضای شورای عالی سپاه، صحیفه نور ۱۵، ص ۱۵ - ۱۰۱، ۹۸.
- [۹۷] بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما نیکوست (بقره / ۲۱۶).
- [۹۸] ۱۱ / ۹ / ۶۰، بیانات امام در جمع دانشجویان دانشکده افسری، صحیفه نور ۱۵، ص ۲۴۰.
- [۹۹] ۲۳ / ۳ / ۶۱، بیانات امام در جمع فرماندهان نیروی زمینی، صحیفه نور ۱۶، ص ۱۹۳.
- [۱۰۰] ۱۵ / ۱ / ۶۴، بیانات امام در جمع ائمه جماعات قم، صحیفه نور ۱۹، ص ۱۳۷.
- [۱۰۱] ۱۱ / ۱۲ / ۶۴، بیانات امام در جمع خواهران، صحیفه نور ۱۹، ص ۲۸۰.
- [۱۰۲] ۲۸ / ۴ / ۶۵، بیانات امام در جمع فرماندهان ارتش و سپاه، صحیفه نور ۲۰، ص ۱۳.
- [۱۰۳] توبه / ۲۴.
- [۱۰۴] ۶ / ۵ / ۶۶، پیام برائت به زائرین بیت الله الحرام، صحیفه نور ۲۰، ص ۱۰ - ۱۰۹.
- [۱۰۵] رهان: شرط بندی.
- [۱۰۶] سبق و رمایه: اسب دوانی و تیراندازی که شرط بندی به خاطر آن حرام نیست.
- [۱۰۷] ۶ / ۹ / ۵۸، بیانات امام در جمع پاسداران، صحیفه نور ۱۰، ص ۲۳۹.



- [۱۰۸] ۱ / ۱۲ / ۵۸، پیام امام در رابطه با هفته بسیج، صحیفه نور ۱۱، ص ۲۷۵.
- [۱۰۹] ۱ / ۲۶ / ۵۹، بیانات امام در جمع اعضای بسیج شهرستانها، صحیفه نور ۱۲، ص ۶ - ۴۴.
- [۱۱۰] ۲ / ۵ / ۵۹، پیام امام به ملت ایران به مناسبت دخالت نظامی امریکا، صحیفه نور ۱۲، ص ۵۹.
- [۱۱۱] ۱۱ / ۶ / ۵۹، بیانات امام در جمع پرسنل ژاندارمری جمهوری اسلامی، صحیفه نور ۱۳، ص ۶۰.
- [۱۱۲] ۲۱ / ۶ / ۵۹، پیام امام به زائرین بیت الله الحرام، صحیفه نور ۱۳، ص ۸۲.
- [۱۱۳] ۴ / ۹ / ۶۰، بیانات امام به مناسبت سالروز تشکیل بسیج، صحیفه نور ۱۵، ص ۲۳۱.
- [۱۱۴] ۳۰ / ۸ / ۶۳، پیام امام به بسیجیان کشور، صحیفه نور ۱۹، ص ۷۹.
- [۱۱۵] ۲۵ / ۱ / ۶۴، بیانات امام در جمع اعضای شورای بسیج، صحیفه نور ۱۹، ص ۱۳۹.
- [۱۱۶] ۲۵ / ۵ / ۶۴، پیام امام به حجاج بیت الله الحرام، صحیفه نور ۱۹، ص ۲۰۴.
- [۱۱۷] ۲ / ۹ / ۶۷، پیام امام در آستانه‌ی سالگرد بسیج، صحیفه نور ۲۱، ص ۵۳.
- [۱۱۸] هود / ۱۱۲.
- [۱۱۹] ۸ / ۱۰ / ۵۹، بیانات امام در جمع خانواده‌های شهدای نیروی هوایی، صحیفه نور ۱۳، ص ۴۰ - ۲۳۹.
- [۱۲۰] بحارالانوار، ۱۸۱ / ۲۷.
- [۱۲۱] بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند. بقره / ۹۲.
- [۱۲۲] ۱۸ / ۱۲ / ۶۰، بیانات امام در جمع رزمندگان اسلام، صحیفه نور ۱۶، ص ۹ - ۶۸.
- [۱۲۳] ۲۸ / ۶ / ۶۱، بیانات امام در جمع رؤسای دانشگاهها، صحیفه نور ۱۷، ص ۲۵.
- [۱۲۴] ۲۱ / ۳ / ۶۲، بیانات امام در جمع ائمه جمعه و جماعات خراسان، صحیفه نور ۱۸، ص ۱۷.
- [۱۲۵] ۲۶ / ۹ / ۶۲، بیانات امام در جمع اعضای کمیسیونهای بازرگانی - مجلس، صحیفه نور ۱۸، ص ۱۸۶.
- [۱۲۶] ۲۰ / ۹ / ۶۳، بیانات امام در جمع رئیس جمهور، نخست وزیر، صحیفه نور ۱۹، ص ۳ - ۸۲.
- [۱۲۷] ۲۹ / ۱۲ / ۶۳، پیام امام به مناسبت سال نو، صحیفه نور ۱۹، ص ۱۲۴.
- [۱۲۸] ۴ / ۳ / ۵۸، بیانات امام در جمع فرهنگیان تبریز، صحیفه نور ۶، ص ۲۷۶.
- [۱۲۹] هود / ۱۱۲.
- [۱۳۰] ۱۶ / ۶ / ۵۸، بیانات امام در جمع علمای تبریز، صحیفه نور ۹، ص ۵۲.
- [۱۳۱] ۸ / ۱۰ / ۵۸، بیانات امام در جمع خانواده‌های شهدای نیروی هوایی ارتش، صحیفه نور ۱۳، ص ۲۴۰.
- [۱۳۲] «فاستقم كما امرت و من تاب معك»، هود / ۱۱۲.
- [۱۳۳] ۲۲ / ۱۱ / ۶۰، پیام امام به مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب، صحیفه نور ۱۶، ص ۴۹.
- [۱۳۴] پس همان گونه که دستور یافته‌ای، ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده (نیز چنین کند).
- [۱۳۵] ۱۶ / ۳ / ۶۱، بیانات امام در جمع ائمه جمعه و جماعات زنجان، صحیفه نور ۱۶، ص ۱۸۴.
- [۱۳۶] ۲۸ / ۶ / ۶۱، بیانات امام در جمع رؤسای دانشگاهها، صحیفه نور ۱۷، ص ۲۵.
- [۱۳۷] ۲۱ / ۷ / ۶۱، بیانات امام در جمع نمایندگان مجلس، صحیفه نور ۱۷، ص ۵۱.
- [۱۳۸] ۳ / ۱۱ / ۶۱، بیانات امام در جمع مدیران صدا و سیما، صحیفه نور ۱۷، ص ۱۵۷.
- [۱۳۹] هود / ۱۱۲.
- [۱۴۰] ۲۵ / ۲ / ۶۳، بیانات امام در جمع وزرای دارایی و کشاورزی، صحیفه نور ۱۸، ص ۳ - ۲۸۲.

- [۱۴۱] ۱۸ / ۶ / ۶۳، بیانات امام در جمع اعضای ستاد جنگ، صحیفه نور ۱۹، ص ۹ - ۵۸.
- [۱۴۲] ۹ / ۹ / ۶۴، بیانات امام در جمع رئیس جمهور و رئیس مجلس، صحیفه نور ۱۹، ص ۲۵۰.
- [۱۴۳] ۶ / ۵ / ۶۶، پیام امام به زائرین بیت الله الحرام، صحیفه نور ۲۰، ص ۱۳۲.
- [۱۴۴] ۲۳ / ۸ / ۴۴، بیانات امام در مورد وظایف رؤسای دولت اسلامی، صحیفه نور ۱، ص ۲۰ - ۱۱۹.
- [۱۴۵] ۲۱ / ۸ / ۵۷، بیانات امام پیرامون ابعاد سیاسی و عبادی اسلام، صحیفه نور ۳، ص ۱۲۱.
- [۱۴۶] ۱ / ۲ / ۵۸، بیانات امام به هیأت نمایندگان عالی‌رتبه روحانی عربستان سعودی، صحیفه نور ۶، ص ۴۹.
- [۱۴۷] ۲۶ / ۳ / ۵۸، بیانات امام در دیدار با جامعه‌ی وعاظ تهران، صحیفه نور ۷، ص ۱۲۷.
- [۱۴۸] ۲۴ / ۴ / ۵۸، بیانات امام در جمع علما و لشکر ۱۶ زرهی قزوین، صحیفه نور ۸، ص ۱۲۵.
- [۱۴۹] ۳۰ / ۴ / ۵۸، بیانات امام در جمع دانشجویان دانشکده بابل، صحیفه نور ۸، ص ۱۷۹.
- [۱۵۰] ۲۵ / ۶ / ۵۸، بیانات امام در جمع اعضای مجتمع آموزشی طیبه پیراسته لنگرود، صحیفه نور ۹، ص ۷ - ۱۳۶.
- [۱۵۱] ۱۵ / ۴ / ۵۹، بیانات امام در جمع فرماندهان نیروی هوایی ارتش، صحیفه نور ۱۲، ص ۲۲۲.
- [۱۵۲] ۲۲ / ۷ / ۶۱، بیانات امام در جمع ائمه جمعه مراکز استانهای سراسر کشور، صحیفه نور ۱۷، ص ۵۳.
- [۱۵۳] ۲۵ / ۷ / ۶۱، بیانات امام در جمع خطبا و گویندگان مذهبی، صحیفه نور ۱۷، ص ۶۰.
- [۱۵۴] ۱۲ / ۱۰ / ۶۱، بیانات امام در دیدار رؤسای جمهوری و مجلس، صحیفه نور ۱۷، ص ۱۳۹.
- [۱۵۵] ۲۶ / ۵ / ۶۲، بیانات امام در جمع وزیر و مسئولان وزارت ارشاد، صحیفه نور ۱۸، ص ۸ - ۶۷.
- [۱۵۶] ۲۳ / ۲ / ۶۳، بیانات امام در جمع شرکت کنندگان در دومین کنگره ائمه جمعه، صحیفه نور ۱۸، ص ۲۷۶.
- [۱۵۷] ۲۰ / ۳ / ۵۷، پیام امام به ملت شریف ایران، صحیفه نور ۲، ص ۷۶.
- [۱۵۸] ۱۷ / ۱۱ / ۵۷، بیانات امام در جمع وکلای دادگستری، صحیفه نور ۵، ص ۵۱.
- [۱۵۹] ۱۵ / ۱۲ / ۵۷، بیانات امام در جمع گروهی از زنان، صحیفه نور ۵، ص ۱۵۳.
- [۱۶۰] ۹ / ۱ / ۵۸، بیانات امام در جمع گروهی از قوای نظامی، صحیفه نور ۵، ص ۲۲۷.
- [۱۶۱] ۱ / ۵ / ۵۸، بیانات امام در جمع دانشجویان کاشان، صحیفه نور ۸، ص ۲۱۳.
- [۱۶۲] ۱۱ / ۶ / ۵۸، بیانات امام در جمع خانواده‌های شهدای پایگاه هوایی بوشهر، صحیفه نور ۹، ص ۱۵.
- [۱۶۳] ۱۲ / ۶ / ۵۸، بیانات امام در جمع اعضای ستاد مرکزی جهاد سازندگی، صحیفه نور ۹، ص ۲۱ - ۲۰.
- [۱۶۴] ۱۷ / ۶ / ۵۸، بیانات امام به مناسبت ۱۷ شهریور، صحیفه نور ۹، ص ۶۳.
- [۱۶۵] ۲۹ / ۹ / ۵۸، بیانات امام در جمع راهپیمایان کفن پوش، صحیفه نور ۱۱، ص ۲ - ۶۱.
- [۱۶۶] ۵ / ۷ / ۵۹، بیانات امام به ملت و ارتش ایران اسلامی، صحیفه نور ۱۳، ص ۱۰۰.
- [۱۶۷] ۳۰ / ۹ / ۵۸، بیانات امام در جمع راهپیمایان کفن پوش مراغه، صحیفه نور ۱۱، ص ۹ - ۶۸.
- [۱۶۸] ۱۱ / ۱۰ / ۵۸، بیانات امام در جمع خانواده‌های شهدای تهران و شیراز، صحیفه نور ۱۱، ص ۱۶۵.
- [۱۶۹] ۲۸ / ۸ / ۵۷، بیانات امام در مورد تأثیر اعتقاد به خدا، صحیفه نور ۳، ص ۴ - ۲۰۳.
- [۱۷۰] ۱۱ / ۹ / ۵۷، بیانات امام در مورد اهمیت قیام لله، صحیفه نور ۴، ص ۱۷، ۱۹، ۲۰.
- [۱۷۱] ۱۷ / ۱ / ۵۸، بیانات امام در جمع گروهی از مردم فلسطین، لیبی، عراق، مصر، صحیفه نور ۵، ص ۲۶۳.
- [۱۷۲] ۲۲ / ۱ / ۵۸، بیانات امام در جمع پرسنل نیروی هوایی، صحیفه نور ۵، ص ۲۸۳.
- [۱۷۳] ۲۱ / ۲ / ۵۸، بیانات امام در جمع دانشجویان یزد و عشایر نورآباد ممسنی، صحیفه نور ۶، ص ۱۴۱.

- [۱۷۴] ۲۵ / ۳ / ۵۸، بیانات امام در جمع روحانیون، وعاظ و گویندگان مشهد، صحیفه نور ۷، ص ۱۱۸.
- [۱۷۵] ۳۰ / ۳ / ۵۸، بیانات امام در جمع ورزشکاران و فرهنگیان بابل، صحیفه نور ۷، ص ۶۰ - ۱۵۹.
- [۱۷۶] ۱۴ / ۴ / ۵۸، بیانات امام در جمع ناینیان مدرسه ابابصیر اصفهان، صحیفه نور ۸، ص ۲۹ - ۳۱.
- [۱۷۷] ۱ / ۵ / ۵۸، بیانات امام در جمع پرسنل شهربانی همدان، صحیفه نور ۸، ص ۲۰۸.
- [۱۷۸] ۲۶ / ۶ / ۵۸، بیانات امام در جمع پاسداران کمیته و خانواده‌های شهدا، صحیفه نور ۹، ص ۱ - ۱۵۰.
- [۱۷۹] ۱۰ / ۸ / ۵۸، بیانات امام در جمع سفرای کشورهای اسلامی، صحیفه نور ۱۰، ص ۴ - ۹۳.
- [۱۸۰] ۲۹ / ۹ / ۵۸، بیانات امام در جمع کفن پوشان کورانده، صحیفه نور ۱۱، ص ۳ - ۶۲.
- [۱۸۱] ۲۶ / ۱ / ۵۹، بیانات امام در جمع اعضای بسیج، صحیفه نور ۱۲، ص ۶ - ۴۵.
- [۱۸۲] ۲۵ / ۲ / ۵۹، بیانات امام در دیدار با سرهنگ صدری فرمانده لشکر ۲۸ کردستان، صحیفه نور ۱۲، ص ۸۸.
- [۱۸۳] ۲۸ / ۲ / ۵۹، بیانات امام در جمع اعضای شورای فرماندهی سپاه، صحیفه نور ۱۲، ص ۹۶.
- [۱۸۴] ۱۴ / ۳ / ۵۹، بیانات امام در جمع اعضای کنفرانس بررسی مداخلات امریکا در ایران، صحیفه نور ۱۲، ص ۱۳۹.
- [۱۸۵] ۲۱ / ۴ / ۵۹، بیانات امام در جمع روحانیون و ائمه جماعات تهران، صحیفه نور ۱۲، ص ۲۳۹.
- [۱۸۶] ۲۲ / ۱۰ / ۵۹، بیانات امام در جمع خانواده‌های شهدای رودسر، صحیفه نور ۱۳، ص ۲۷۷.
- [۱۸۷] ۱۸ / ۴ / ۶۰، پیام امام به مناسبت پیروزی رزمندگان اسلام، صحیفه نور ۱۵، ص ۷۰.
- [۱۸۸] ۱۱ / ۹ / ۶۰، بیانات امام در جمع پرسنل نیروی هوایی، اعضای سپاه، دانشجویان افسری، صحیفه نور ۱۵، ص ۲۴۲.
- [۱۸۹] ۱۴ / ۱ / ۶۱، بیانات امام در جمع اعضای حزب جمهوری و اعضای کارکنان بانکها، صحیفه نور ۱۶، ص ۸ - ۱۰۷.
- [۱۹۰] ۲۳ / ۳ / ۶۱، بیانات امام در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش، صحیفه نور ۱۶، ص ۱۹۱.
- [۱۹۱] ۱۱ / ۷ / ۶۱، پیام امام به مناسبت بمب گذاری در خیابان ناصر خسرو، صحیفه نور ۱۷، ص ۴۸.
- [۱۹۲] اشاره به حزب بعث عراق که پایه گذار آن میشل عفلق بوده است.
- [۱۹۳] ۲۷ / ۶ / ۶۲، بیانات امام در جمع گروهی از مسئولین کشوری و لشکری، صحیفه نور ۱۸، ص ۱۰۸.
- [۱۹۴] ۳۱ / ۶ / ۶۲، پیام امام به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس، صحیفه نور ۱۸، ص ۱۲۰.
- [۱۹۵] حمزه‌ی سیدالشهدا عموی بزرگوار پیامبر اکرم که در جنگ احد به شهادت رسید.
- [۱۹۶] منظور امام جنگ صفین است.
- [۱۹۷] ۲۷ / ۸ / ۵۷، سخنرانی امام در مورد ضرورت قیام علیه ظلم، صحیفه نور ۳، ص ۱۸۴.
- [۱۹۸] ۱۰ / ۱۲ / ۵۷، بیانات امام در روز ورود به قم، صحیفه نور ۵، ص ۱۲۵.
- [۱۹۹] ۲۹ / ۱۲ / ۵۷، بیانات امام در آغاز سال نو و دیدار با هیأت دولت موقت، صحیفه نور ۵، ص ۲۰۴.
- [۲۰۰] ۲۳ / ۲ / ۵۸، بیانات امام در جمع پاسداران انقلاب اسلامی قم، صحیفه نور ۶، ص ۱۵۵.
- [۲۰۱] ۲۹ / ۲ / ۵۸، بیانات امام در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان، صحیفه نور ۶، ص ۲۰۶.
- [۲۰۲] ۱۶ / ۳ / ۵۸، بیانات امام در جمع گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز، صحیفه نور ۷، ص ۶۱.
- [۲۰۳] ۱۳ / ۴ / ۵۸، بیانات امام در جمع استادان دانشگاه، صحیفه نور ۸، ص ۹.
- [۲۰۴] ۱۳ / ۴ / ۵۸، بیانات امام در جمع روحانیون و پاسداران تربت حیدریه، صحیفه نور ۸، ص ۱۲.
- [۲۰۵] ۱۹ / ۴ / ۵۸، بیانات امام در جمع گروهی از نمایندگان کشورهای اسلامی، صحیفه نور ۸، ص ۵ - ۹۴.
- [۲۰۶] ۲۴ / ۴ / ۵۸، بیانات امام در جمع اساتید و علمای اصفهان، صحیفه نور ۸، ص ۱۳۸.

- [۲۰۷] ۱۲ / ۶ / ۵۸، بیانات امام در جمع جهادگران جهاد سازندگی و نماینده امام، صحیفه نور ۹، ص ۱ - ۲۰.
- [۲۰۸] ۱۵ / ۶ / ۵۸، بیانات امام در جمع اعضای خانواده شهید هادی فرخ نیا، صحیفه نور ۹، ص ۴۷.
- [۲۰۹] ۷ / ۷ / ۶۰، بیانات امام در جمع نمایندگان شوراهای روستایی کشور، صحیفه نور ۱۵، ص ۱۶۷.
- [۲۱۰] ۸ / ۷ / ۶۰، پیام امام به مناسبت شهادت جمعی از فرماندهان نظامی، صحیفه نور ۱۵، ص ۱۷۱.
- [۲۱۱] بحارالانوار، ۲۷ / ۱۸۱.
- [۲۱۲] ۱۸ / ۱۲ / ۶۰، بیانات امام در جمع رزمندگان انقلاب اسلامی، صحیفه نور ۱۶، ص ۹ - ۶۸.
- [۲۱۳] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۱.
- [۲۱۴] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۱.
- [۲۱۵] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۱.
- [۲۱۶] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۱.
- [۲۱۷] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۱.
- [۲۱۸] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۱.
- [۲۱۹] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۳.
- [۲۲۰] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۳.
- [۲۲۱] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۳.
- [۲۲۲] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۳.
- [۲۲۳] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۳.
- [۲۲۴] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۳.
- [۲۲۵] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۳.
- [۲۲۶] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۵.
- [۲۲۷] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۵.
- [۲۲۸] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۵.
- [۲۲۹] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۵.
- [۲۳۰] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۵.
- [۲۳۱] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۵.
- [۲۳۲] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۵.
- [۲۳۳] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۵.
- [۲۳۴] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۷.
- [۲۳۵] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۷.
- [۲۳۶] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۷.
- [۲۳۷] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۷.
- [۲۳۸] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۳۷.
- [۲۳۹] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۲۷.

- [۲۴۰] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۲۷.
- [۲۴۱] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۲۷.
- [۲۴۲] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۲۷ - ۹.
- [۲۴۳] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۲۹.
- [۲۴۴] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۲۹.
- [۲۴۵] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۲۹.
- [۲۴۶] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۲۹.
- [۲۴۷] تحریر الوسيله ۲، ص ۳۲۹.
- [۲۴۸] مهر ۴۷، مصاحبه با نماینده الفتح، صحیفه نور ۱، ص ۱۳۷.
- [۲۴۹] ۱ / ۶ / ۴۹، نامه به دانشجویان پارسی زبان امریکا و کانادا، صحیفه نور ۲۲، ص ۹۸.
- [۲۵۰] ۱ / ۱۲ / ۵۸، پیام امام در رابطه با هفته بسیج، صحیفه نور ۱۱، ص ۲۷۵.
- [۲۵۱] ۱۱ / ۶ / ۵۹، بیانات امام در جمع پرسنل ژاندارمری جمهوری اسلامی، صحیفه نور ۱۳، ص ۶۰.
- [۲۵۲] ۲۲ / ۱۱ / ۶۲، پیام امام به مناسبت پنجمین سالگرد انقلاب اسلامی، صحیفه نور ۱۸، ص ۲۲۹.
- [۲۵۳] ۹ / ۱۲ / ۶۶، بیانات امام در دیدار با اعضای مرکزی حزب الله لبنان، صحیفه نور ۲۰، ص ۱۸۴.
- [۲۵۴] استفتائات ۱، ص ۴۹۲.
- [۲۵۵] استفتائات ۱، ص ۴۹۲.
- [۲۵۶] استفتائات ۱، ص ۵۱۵.
- [۲۵۷] استفتائات ۱، ص ۵۰۳.
- [۲۵۸] استفتائات ۱، ص ۴۹۲.
- [۲۵۹] استفتائات ۱، ص ۴۹۴.
- [۲۶۰] استفتائات ۱، ص ۴۹۵.
- [۲۶۱] استفتائات ۱، ص ۴۹۷.
- [۲۶۲] استفتائات ۱، ص ۵۰۰ - ۴۹۹.
- [۲۶۳] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۹.
- [۲۶۴] ۶ / ۹ / ۵۸، بیانات امام در جمع پاسداران مرکز تهران، صحیفه نور ۱۰، ص ۲۳۹.
- [۲۶۵] تدریب: آموزش نظامی.
- [۲۶۶] ۸ / ۷ / ۵۹، بیانات امام در جمع گروهی از مرزنشینان کشور، صحیفه نور ۱۳، ص ۱۰۸.
- [۲۶۷] ۴ / ۹ / ۶۰، بیانات امام به مناسبت سالروز تشکیل بسیج، صحیفه نور ۱۵، ص ۲۳۱.
- [۲۶۸] ۱۱ / ۱۲ / ۶۴، بیانات امام در جمع گروهی از بانوان، صحیفه نور ۱۹، ص ۲۸۰.
- [۲۶۹] ۲ / ۹ / ۶۷، پیام امام در آستانه سالگرد بسیج مستضعفین، صحیفه نور، ۲۱، ص ۵۲.
- [۲۷۰] ۴ / ۱۱ / ۶۱، بیانات امام در جمع نمایندگان مجلس، صحیفه نور ۱۷، ص ۱۶۶.
- [۲۷۱] ۱۰ / ۱۱ / ۶۱، بیانات امام در جمع نمایندگان اصناف و بازاریان، صحیفه نور ۱۷، ص ۱۷۴.
- [۲۷۲] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۹.

[۲۷۳] استفتائات ۱، ص ۴۹۳.

[۲۷۴] استفتائات ۱، ص ۴۹۳.

[۲۷۵] استفتائات ۱، ص ۴۹۶.

[۲۷۶] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۹ - ۱۸.

[۲۷۷] استفتائات ۱، ص ۴۹۷.

[۲۷۸] استفتائات ۱، ص ۸ - ۴۹۷.

[۲۷۹] ترجمه: ما از لبنان برای تحصیل علم به شهر مقدس قم آمده‌ایم و خداوند ما را به تقلید از شما و رجوع به شما مشرف نمود،

آیا حکم و جوب کفایی رفتن به جبهه‌های جنگ در ایران بر علیه حزب بعث کافر، شامل ما می‌شود یا خیر؟

جواب: تا مادامی که جبهه‌ها، برای دفاع از اسلام و مسلمین و مملکت آنها به نیاز به نیرو دارد، به اندازه‌ی توان، قیام به این واجب

دینی و حضور در جبهه‌ها واجب است و در این امر فرقی بین مسلمانی با مسلمان دیگر نیست.

[۲۸۰] استفتائات ۱، ص ۴۹۸.

[۲۸۱] استفتائات ۱، ص ۵۰۰.

[۲۸۲] استفتائات ۱، ص ۱ - ۵۰۰.

[۲۸۳] استفتائات ۱، ص ۵۰۱.

[۲۸۴] استفتائات ۱، ص ۵۰۱.

[۲۸۵] استفتائات ۱، ص ۵۰۳.

[۲۸۶] استفتائات ۱، ص ۵۱۶.

[۲۸۷] توضیح المسائل (جنگ)، -، ص ۱۹.

[۲۸۸] توضیح المسائل (جنگ)، -، ص ۱۹.

[۲۸۹] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۱۷.

[۲۹۰] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۲۱.

[۲۹۱] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۲ - ۲۱.

[۲۹۲] سؤال: آیا کسی که می‌خواهد جهاد فی سبیل الله و دفاع از دیار اسلام نماید با توجه به کفایی بودن آن، واجب است که از

والدین کسب اجازه کند با وجودی که آنها از وی دورند، و اطلاع ندارند؟ و بر فرض اینکه شرع اجازه رفتن بدون اذن آنان را

نمی‌دهد، آیا حضرت‌تعالی اجازه رفتن به جبهه را می‌دهد تا رفتن به جبهه‌ها بر ما لازم شود؟

جواب: دفاع از اسلام و مسلمین و کشور آنها واجب کفایی است و در چنین شرایطی اجازه پدر و مادر شرط نیست.

[۲۹۳] استفتائات ۱، ص ۴۹۳.

[۲۹۴] استفتائات ۱، ص ۴۹۴.

[۲۹۵] استفتائات ۱، ص ۴۹۵.

[۲۹۶] استفتائات ۱، ص ۴۹۵.

[۲۹۷] استفتائات ۱، ص ۴۹۶.

[۲۹۸] استفتائات ۱، ص ۴۹۶.

[۲۹۹] استفتائات ۱، ص ۴۹۷.

- [۳۰۰] استفتائات ۱، ص ۴۹۸.
- [۳۰۱] استفتائات ۱، ص ۴۹۹.
- [۳۰۲] استفتائات ۱، ص ۴۹۹.
- [۳۰۳] استفتائات ۱، ص ۴۹۹.
- [۳۰۴] استفتائات ۱، ص ۵۰۲.
- [۳۰۵] استفتائات ۱، ص ۵۰۴.
- [۳۰۶] استفتائات ۱، ص ۵۰۴.
- [۳۰۷] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۸ - ۹.
- [۳۰۸] استفتائات ۱، ص ۵۱۷.
- [۳۰۹] استفتائات ۱، ص ۵۱۶.
- [۳۱۰] استفتائات ۱، ص ۵۱۶.
- [۳۱۱] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۶ - ۵۵.
- [۳۱۲] استفتائات ۱، ص ۵۰۴.
- [۳۱۳] پیام امام به مناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، توضیح المسائل (جنگ)، ص ۹ - ۵۸.
- [۳۱۴] ۲۲ / ۱۱ / ۶۱، پیام امام به مناسبت آغاز پنجمین سال رسمیت جمهوری اسلامی، صحیفه نور ۱۷، ص ۲۰۲.
- [۳۱۵] ۱۲ / ۱ / ۶۲، بیانات امام در جمع اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران، صحیفه نور ۱۷، ص ۶ - ۲۲۵.
- [۳۱۶] ۱۳ / ۷ / ۶۲، فرمان امام به آیت الله مهدوی کنی، صحیفه نور ۱۸ ص ۱۴۱.
- [۳۱۷] ۱۴ / ۷ / ۶۲، صحیفه نور ۱۸ ص ۱۴۲.
- [۳۱۸] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۳ - ۱۲.
- [۳۱۹] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۲۲.
- [۳۲۰] استفتائات ۱، ص ۵۰۸.
- [۳۲۱] استفتائات ۱، ص ۵۰۲.
- [۳۲۲] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۲۰.
- [۳۲۳] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۵۹.
- [۳۲۴] استفتائات ۱، ص ۵۰۲.
- [۳۲۵] استفتائات ۱، ص ۵۰۲.
- [۳۲۶] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۳ - ۵۲.
- [۳۲۷] استفتائات ۱، ص ۵۱۷.
- [۳۲۸] استفتائات ۱، ص ۵۱۸.
- [۳۲۹] استفتائات ۱، ص ۵۱۹.
- [۳۳۰] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۵۲.
- [۳۳۱] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۱۱.
- [۳۳۲] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۱۰.

- [۳۳۳] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۱۰.
- [۳۳۴] استفتائات، ص ۱۲.
- [۳۳۵] توضیح المسائل (جنگ)، ۱، ص ۵۰۷.
- [۳۳۶] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۴۴.
- [۳۳۷] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۴۵.
- [۳۳۸] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۴۷.
- [۳۳۹] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۴۷.
- [۳۴۰] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۴۷.
- [۳۴۱] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۴۶.
- [۳۴۲] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۶ - ۴۵.
- [۳۴۳] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۲۶.
- [۳۴۴] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۲۶.
- [۳۴۵] استفتائات ۱، ص ۵۱۱.
- [۳۴۶] استفتائات ۱، ص ۵۱۲.
- [۳۴۷] استفتائات ۱، ص ۵۱۳.
- [۳۴۸] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۲۷.
- [۳۴۹] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۲۸.
- [۳۵۰] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۲۸.
- [۳۵۱] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۲۸.
- [۳۵۲] استفتائات ۱، ص ۵۰۸.
- [۳۵۳] استفتائات ۱، ص ۵۰۹.
- [۳۵۴] استفتائات ۱، ص ۵۰۹.
- [۳۵۵] استفتائات ۱، ص ۵۱۰.
- [۳۵۶] استفتائات ۱، ص ۵۱۰.
- [۳۵۷] استفتائات ۱، ص ۵۱۱.
- [۳۵۸] استفتائات ۱، ص ۵۱۱.
- [۳۵۹] استفتائات ۱، ص ۵۱۲.
- [۳۶۰] استفتائات ۱، ص ۵۱۲.
- [۳۶۱] استفتائات ۱، ص ۸۹.
- [۳۶۲] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۴۶.
- [۳۶۳] استفتائات ۱، ص ۳۵۲.
- [۳۶۴] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۱۷.
- [۳۶۵] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۱۸.



- [۳۶۶] استفتائات ۱، ص ۵۰۳.
- [۳۶۷] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۵۶.
- [۳۶۸] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۵۷.
- [۳۶۹] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۵۷.
- [۳۷۰] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۵۹.
- [۳۷۱] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۶۰.
- [۳۷۲] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۶۰.
- [۳۷۳] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۶۱.
- [۳۷۴] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۶۱.
- [۳۷۵] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۶۱.
- [۳۷۶] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۶۲.
- [۳۷۷] حساب صد، حساب کمک به محرومین است که با فرمان امام باز شده است.
- [۳۷۸] توضیح المسائل (جنگ)، ص ۴۸.
- [۳۷۹] استفتائات ۱، ص ۵۱۷.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.  
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...  
د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای  
و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)  
ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...  
ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶  
وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR  
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بَدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

